

چند ساعت تا امتحان

فارسی



مهر و ماه

انتشارات مهر و ماه

شهریارقبادی

معانی دشوار
واژه‌ها، املا
کارگاه‌ها
دستور، آرایه
تاریخ ادبیات
نمونه سؤال

ویراستار علمی: معصومه سلیمی

ملکا ذکر تو گویم



ملکا ذکر تو گویم که تو پاکِی و خدایی	نروم جز به همان ره که توأم راه‌نمایی
معنی: خدایا از تو یاد می‌کنم چرا که تو پاکِی و خدا هستی؛ فقط راهی را می‌روم که تو مرا راهنمایی کنی (= تو راهنمای من باشی).	
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم	همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
معنی: خدایا فقط به دنبال تو هستم و فقط در جست‌وجوی بخشش تو، فقط تو را می‌پرستم چراکه سزاوار یکتاپرستی هستی.	
تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی	تو نمایندۀ فضلی تو سزاوار ثنایی
معنی: خداوند، تو دانایی، بزرگی، بخشنده‌ای و مهربانی، تو بخشش می‌کنی و تو شایسته پرستش هستی.	
تتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی	تتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
معنی: خدایا، نمی‌توان تو را توصیف کرد، چرا که برتر از فهم ما هستی و نمی‌توان چیزی شبیه تو یافت چرا که از تصور و گمان ما برتری.	
همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی	همه نوری و سُروری همه جودی و جزایی
معنی: خدایا! وجودت عزیز است و بزرگ، تو عالم و دانایی و نیاز به اثبات نداری، وجودت پاک است شادی‌بخش و بخشنده و پاداش‌دهنده‌ای.	
همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی	همه بیشی تو بکاهی، همه کمّی تو فزایی
معنی: پروردگارا از هر غیبی آگاهی داری و عیب‌های بندگانت را نادیده می‌گیری (ستّارالعیوب) زیاده‌ها را کاهش و کم‌ها را افزایش می‌دهی.	
لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید	مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی
معنی: سنایی با تمام وجود فقط تو را می‌پرستد به امید آن‌که امکان رهایی از آتش جهنم و مجازات داشته باشد.	

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

پویدن: حرکت به‌سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست و

جوی چیزی، تلاش، رفتن

تحفه: هدیه، ارمان

ثنا: ستایش، سپاس

جزا: پاداش کار نیک

جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او

اشاره دارد .

جود: بخشش، سخاوت، کرم

حکیم: دانا به همه‌چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی

؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار

بیهوده انجام نمی‌دهد.

شبه: مانند، مثل، همسان

عز: ارجمندی، گرمی شدن، مقابل دُل

فضل: بخشش، کرم

کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند

ملک: پادشاه، خداوند

نماینده: آن‌که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده

وهم: پندار، تصور، خیال

یقین: بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.

رحیم: بسیار مهربان از نام‌ها و صفات خداوند

روی: مجازاً امکان، چاره

سُور: شادی، خوشحالی

سزا: سزاوار، شایسته، لایق



شکر نعمت

۱



منتّ خدای را، عزّوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید، مفرّج ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب. سپاس و احسان مخصوص خدای توانا، عزیز و بزرگی است که اطاعت از او سبب نزدیکی به وی است و شکرگزاری او موجب زیادی نعمت است. هر نفسی که می‌کشیم (دم) موجب دوام زندگی است و چون بیرون می‌دهیم (بازدم) موجب شادی وجود، پس در هر نفسی دو نعمت وجود دارد (دم و بازدم) و بر هر نعمتی شکر واجب است.

از دست و زبان که برآید	کز عهده شکرش به درآید
معنی: چه کسی توانائی شکر خدا را دارد؟ (از عهده درآمدن: کاری را برحسب دلخواه انجام دادن / از تعهد بیرون آمدن)	

إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ

معنی: ای خاندان داود مرا سپاسگزارید و عده کمی از بندگان من سپاسگزارند.

بنده همان به که ز تقصیر خویش	عذر به درگاه خدای آورد
معنی: بنده همان بهتر است که به خاطر کوتاهی در عبادت، از درگاه خداوند طلب بخشش کند (توبه کند).	
ورنه، سزاوار خداوندی اش	کس نتواند که به جای آورد
معنی: وگرنه کسی نمی‌تواند بندگی خدا را آن گونه که سزاوار اوست به جای آورد.	

بارانِ رحمتِ بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده. معنی: رحمت بی‌پایان خداوند مانند بارانی است که نصیب همه شده و نعمت بی‌مضایقه خداوند همچون سفره‌ای در همه جا گسترده شده است، پرده ناموس بندگان به گناه فاحش نذر و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد. معنی: آبروی بندگان را به سبب گناهان آشکار آنان نمی‌ریزد و روزی مقرر آن‌ها را با وجود خطای زشتشان قطع نمی‌کند.

فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

معنی: خداوند به باد صبا که همچون فرش گستری است، فرمان داده تا سبزه‌ها و گیاهان را که همچون فرش سبز رنگی هستند، روی زمین بگستراند و به ابر بهاری دستور داده که همچون دایه‌ای گیاهان را که همچون دخترانی هستند، بر روی زمین که مانند گهواره‌ای است، پرورش دهد و به رسم هدیه نوروزی، برگ‌ها را که همچون جامه سبزی هستند بر تن درختان پوشانده و به مناسبت فرارسیدن فصل بهار، شکوفه‌ها را همچون کلاه‌هایی بر سر شاخه‌ها - که مانند کودکانی هستند - گذاشته است. شیره درخت انگور به قدرت او به شیرینی برتر تبدیل شده و هسته خرمایی به واسطه پرورش او به نخلی بلند تبدیل شده است.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند	تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
معنی: پروردگار، همه اجزای عالم را به کار گرفته است تا انسان به روزی خود برسد و بی‌خبر از روزی دهنده خود به سر نبرد و ناسپاسی نکند.	

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار	شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری
معنی: پروردگار، همه عالم را فرمانبردار انسان ساخته، پس شرط انصاف نیست که آدمی غفلت کند و فرمانبردار حق نباشد.	

در خبر است از سرور کاینات و مفرّج موجودات و رحمت عالمیان و مَفُوتِ آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم

معنی: حدیثی از بزرگ مخلوقات و مایه افتخار موجودات و موجب بخشش هر آن چه در جهان است و برگزیده انسان‌ها و مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت، محمد مصطفی که درود بر او و خاندانش باد، نقل شده است.



شفیع مطاع نبی کریم	قسیم جسیم نسیم و سیم
معنی: او خواهشگر (شفاعت کننده)، فرمانروا، پیام آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش اندام، خوش بو و دارای نشان پیامبری است	
بلغ العلی بکماله، کشف الدجی بجماله	حسنت جمیع خماله، ملوا علیه و آله
معنی: به واسطه کمال خود به مرتبه بالارسید و با جمال نورانی خود تاریکی ها را برطرف کرد. همه صفات او زیباست؛ بر او و خاندانش درود بفرستید.	
چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبار	چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟
معنی: وقتی که تو تکیه گاه امت خود باشی، امت تو غمی ندارد، همانطور که اگر نوح ناخدای کشتی کسی باشد، او از موج دریا ترسی نخواهد داشت.	

هرگه که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جل و علا - بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. بازش بخواند، باز اعراض کند. بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.

معنی: هرگاه یکی از بندگان گناهکار آشفته حال به امید قبولی خواسته اش دستش را به نشانه توبه به درگاه خداوند بزرگ و بلندمرتبه بردارد، خداوند بلندمرتبه به او توجهی نمی کند. آن بنده دوباره خدا را صدا می زند. اما خداوند از او روی برمی گرداند. بار دیگر آن بنده خداوند را با ناله و زاری صدا می زند.

حق - سبحانه و تعالی - فرماید: یا ملائکتی قد استحییت من عبدی و لیس له غیری فقد غفرت له. دعوتش اجابت کردم و امیدش بر آوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.

معنی: خداوند - که پاک و بلندمرتبه است - می فرماید: ای فرشتگانم، من از بنده خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد پس آمرزیدمش؛ دعایش را پذیرفتم و خواسته اش را بر آورده ساختم، زیرا از دعا، ناله و زاری بسیار بندهام شرم می کنم.

کرم بین و لطف خداوندگار	گنه بنده کرده ست و او شرمسار
معنی: لطف و کرم خداوند را بین که بنده گناه می کند اما او ابراز شرمندگی می کند. (تأکید بر کرم و جوانمردی خدا)	

عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عیدناک حق عبادتک» و واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: «ما عرفناک حق معرفتک».

معنی: عبادت کنندگان جلال و عظمت خداوند که همچون کعبه ای است به کوتاهی در عبادت خود اعتراف می کنند که: «تو را چنان که شایسته است؛ پرستش نکردیم» و جمال خداوند همچون زیوری است که وصف کنندگان این زیور با سرگستگی می گویند: «تو را چنان که سزاوار توست، نشناختیم».

گر کسی وصف او ز من پرسد	ببدل از بی نشان چه گوید باز؟
معنی: اگر کسی اوصاف خداوند را از من بپرسد نمی توانم چیزی بگویم زیرا من عاشق از خداوندی که نشانی ندارد، چه چیزی می تواند بیان کند.	
عاشقان کشتگان معشوق اند	بر نیاید ز کشتگان آواز
معنی: عاشقان که به مقام فنا فی الله رسیده اند، نمی توانند ویژگی های خداوند را بیان کنند، چون شخص بی جان و فانی نمی تواند سخن بگوید.	

یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرورده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ آن گه که از این معامله باز آمد، یکی از دوستان گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟

معنی: یکی از عارفان به حالت تفکر عارفانه فرورفته بود و در کشف حقایق الهی که مانند دریایی است، غوطه ور شده بود. زمانی که از این حالت عرفانی خارج شد، یکی از دوستانش پرسید: از بوستان عشق الهی که در آن بودی چه هدیه ای برای به ما آورده ای؟

گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!

معنی: گفت: در نظر داشتم که وقتی به وصال خدا برسم اندکی از معارف الهی را به عنوان هدیه برای دوستان بیاورم. وقتی رسیدم، لذت جلوه های حق آن چنان مرا مست کرد که از خود بی خود شدم [و دوستان را فراموش کردم].



ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز	کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
معنی: ای مدعی، عشق راستین را از پروانه (عاشق حقیقی) بیاموز، زیرا که در راه معشوق فنا شده، ولی صدایی (آه و فغان) از او برنخاست.	
این مدعیان در طلبش بی‌خبران اند	کان را که خبر شد، خبری باز نیامد
معنی: کسانی که ادعای شناخت معشوق را دارند در واقع خبری از او ندارند، زیرا کسی که از معشوق آگاهی یافت خبری از او به دیگران نمی‌رسد. (به واسطه از دست دادن موجودیت خود، در ذات او فنا می‌شود)	

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

<p>اعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی</p> <p>انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی</p> <p>انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن</p> <p>باسق: بلند، بالیده</p> <p>بنات: ج بنت، دختران</p> <p>بنان: سرانگشت، انگشت</p> <p>تاک: درخت انگور، رز</p> <p>تتمه: باقی‌مانده؛ تتمه دور زمان: مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالیم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق</p> <p>مزید: افزونی، زیادی</p> <p>مطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد.</p> <p>معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در متن درس، مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است.</p> <p>معترف: اقرارکننده، اعتراف کننده</p> <p>مفخر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند؛ مایه افتخار</p> <p>مفرح: شادی بخش، فرح‌انگیز</p> <p>مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی بردن به حقایق است.</p> <p>منسوب: نسبت داده شده</p> <p>ممت: سپاس، شکر، نیکویی</p> <p>منکر: زشت، ناپسند</p> <p>موسم: فصل، هنگام، زمان</p> <p>ناموس: آبرو، شرافت</p> <p>نبات: گیاه، رُستی</p> <p>نبی: پیغمبر، پیام آور، رسول</p> <p>نسیم: خوش بو</p> <p>واصفان: ج واصف، وصف کنندگان، ستابندگان</p> <p>ورق: برگ</p> <p>وسیم: دارای نشان پیامبری</p> <p>وظیفه: مقرر، وجه معاش</p>	<p>انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی</p> <p>انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن</p> <p>باسق: بلند، بالیده</p> <p>بنات: ج بنت، دختران</p> <p>بنان: سرانگشت، انگشت</p> <p>تاک: درخت انگور، رز</p> <p>تتمه: باقی‌مانده؛ تتمه دور زمان: مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر تمامی و کمال دور زمان رسالت</p> <p>تجیر: سرگشتگی، سرگردانی</p> <p>تضرع: زاری کردن، التماس کردن</p> <p>تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن</p> <p>جسیم: خوش اندام</p> <p>حلیه: زیور، زینت</p> <p>خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده</p> <p>دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.</p> <p>ربیع: بهار</p> <p>روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد؛</p> <p>وظیفه روزی: رزق مقرر و معین</p> <p>شفیع: شفاعت کننده، پایمرد</p> <p>شهد: غسل؛ شهد فایق: غسل خالص</p> <p>صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر</p> <p>عاکفان: ج عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.</p> <p>عز و جل: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود.</p> <p>عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛</p> <p>افشره، شیر</p> <p>فاحش: آشکار، واضح</p>
--	--



کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

واژه معادل	معنا
وسیم	دارای نشان پیامبری
مفرح	شادی بخش
انابت	به خدای تعالی بازگشتن
بریدن وظیفه	قطع کردن مقرری

۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم آوای آن‌ها در زبان فارسی وجود دارد.

پ: *قربت (نزدیکی) - غربت (دوری) *حیات (زندگی) - حیا (فضا و محوطه) *خوان (سفره) - خان (رئیس)
*صبا (باد شرقی) - سبا (سوره‌ای در قرآن) *منسوب (نسبت داده شده) - منصوب (گماشته شده) *بحر (دریا) - بهر (نصب، قسمت)

۳ ...

۴ در عبارت زیر، نقش دستوری ضمایر متصل را مشخص کنید.

پ: «بوی گل چنان مست کرد، که دامنم از دست برفت.» بوی گل چنان مرا مست کرد = مفعول / دامن از دست من برفت = مضاف الیه
۵ در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف بیابید.

پ: طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت است. / در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب است.
فعل «است»، به قرینه لفظی حذف شده است.

بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد

پ: همان بهتر است که بنده ... فعل «است» به قرینه معنوی بعد از «به» حذف شده است.

قلمرو ادبی

۱ واژه‌های مشخص شده نماد چه مفاهیمی هستند؟

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیا مد

پ: مرغ سحر: نماد عاشق غیر حقیقی / پروانه: عاشق حقیقی

۲ با توجه به عبارت‌های زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

- فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بیروزد.

(الف) آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید.

پ: «تشبیه»: «باران رحمت»، «خوان نعمت» / «فراش باد صبا»، «دایه ابر بهاری»، «بنات نبات»، «مهد زمین» = اضافه تشبیهی

سجع: رسیده-کشیده / بگسترده-بیروزد

(ب) قسمت مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

پ: فرش زمردین: استعاره از سبزه‌ها (این ترکیب وصفی است)

قلمرو فکری

۱- معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

پ: به معنی‌ها در صفحات قبل مراجعه کنید.

۲- مفهوم کلی مصراع‌های مشخص شده را بنویسید.

ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

پ: نباید از یاد خدای روزی‌دهنده غافل شد.

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟! / چه باک از موج بحر آن را که نوح باشد کشتیمان؟

پ: امید به شفاعت و نجات‌دهندگی پیامبر (ص) در روز قیامت

گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

پ: عاشق در وصف خدای بی‌نشان ناتوان است.



۳- از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی بر کشد/ و آن که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
معنی: هیچ نقاشی تو را نمی‌بیند که بتواند از تو تصویری بکشد، و نقاشی هم که تو را ببیند از حیرت، قلم از دستش رها می‌شود.

پ: چون به درخت گل... برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

گنج حکمت - گمان

گویند که بطنی در آب روشنایی می‌دید؛ پنداشت که ماهی است. قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت. دیگر روز هر گاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.

حکایت می‌کنند که یک مرغابی بر روی آب نوری می‌دید؛ تصور کرد که آن نور، یک ماهی است. تلاش می‌کرد تا آن را بگیرد ولی چیزی برای گرفتن وجود نداشت، دیگر ادامه نداد و این کار را رها کرد. روز بعد هر وقت که ماهی می‌دید تصور می‌کرد که همان نور خیالی است؛ به همین دلیل تلاشی برای گرفتن ماهی نمی‌کرد و نتیجه این تجربه آن بود که هر روز گرسنه می‌ماند. (کسب تجربه نادرست از اتفاق‌های روزگار موجب ناکامی می‌شود).

املا: طاعت (بندگی) - قربت (نزدیکی) - حیات (زندگی) - خوان (سفره) - صبا (باد شرقی) - مه‌د (گهواره) -

باسق (بلند) - انابت (توبه) - تضرع (زاری) - عاکفان (گوشه‌نشین) - حلیه (زیور) - منسوب (نسبت داده شده) -

بط (مرغابی) - فرو گذاشتن (رها کردن) - اعراض (روی گرداندن) - صفوت (برگزیده)

ای که می‌خواهی گشوده هر گره!



نکته‌های باریک‌تر از مو

عبارات قرآنی

معانی کنایی مهم

معانی مجازی

واژه‌های مترادف

واژه‌های چندمعنایی

واژه‌های خفن

دسته بندی واژه‌ها

ترکیب‌های املایی ویژه (فارسی ۱، ۲، ۳)

واژگان هم‌آوا و مشابه

۱۰ نکته املایی مهم کنکور (باریک تر از مو)

آموزش مباحث مهم دستور زبان فارسی:

واژه، اسم، فعل، جمله، حذف، نقش

آموزش آرایه‌های ادبی:

تشبیه، مجاز، استعاره، تشخیص،

واج آرابی، سجع، جناس، متناقض‌نما

ایهام، ایهام تناسب، حس آمیزی،

اسلوب معادله حسن تعلیل، تناسب،

تلمیح، تضمین اغراق، تضاد

معانی و مفاهیم دشوار فارسی ۱

معانی و مفاهیم دشوار فارسی ۲

معانی و مفاهیم دشوار فارسی ۳

مفاهیم خفن و پرتکرار

فهرست الفبایی آثار ادبی (فارسی ۱، ۲، ۳)

اشخاص دارای چند اثر ادبی

آزمون‌های سراسری ۹۹

پاسخ نامه تشریحی-تحلیلی

اولین کتاب جمع بندی
بامعماری نوین تألیف



مُحتسِبِ مستی به ره دید و گریبانش گرفت	مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است افسار نیست
معنی: مأمور نظارت بر اجرای احکام دینی مستی را در راه دید و یقۀ او را گرفت، مست به او گفت ای دوست این پیراهن است نه افسار و دهنۀ اسب.	
گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی	گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»
معنی: گفت: تو مست هستی، به همین علت تلوتلو می خوری، پاسخ داد: راه رفتن من جرم نیست (من مقصر نیستم) بلکه راه صاف و هموار نیست.	
گفت: «می باید تو را تا خانه قاضی برم»	گفت: رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست
معنی: گفت: باید تو را به خانه قاضی ببرم. گفت: برو، صبح بیا، چون آن نیمه شب است و قاضی بیدار نیست (قانون همیشه نیست)	
گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»	گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟
معنی: گفت: خانه حاکم نزدیک است به آنجا برویم. گفت: از کجا معلوم، حاکم در میخانه نیست (فساد حاکمان)	
گفت: «تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب»	گفت: «مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»
معنی: گفت: تا داروغه را خبر می کنیم، تو در مسجد بخواب، گفت: مسجد خوابگاه مردم خلاف کار نیست (بی اطلاعی مأمور از احکام دینی)	
گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»	گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»
معنی: گفت: پنهانی، پولی (رشوه) بده و خود را خلاص کن، گفت: دین با پول خریدنی نیست.	
گفت: از بهر غرامت جامهات بیرون کنم	گفت: پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست
معنی: گفت: به سبب زبانی که به من رساندی (وقتم را گرفتی) لباس هایت را می گیرم، گفت لباس ها پوسیده است و قابل استفاده نیست (فقر مردم)	
گفت: «آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه»	گفت: «در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست»
معنی: گفت: خیر نداری که کلاه از روی سرت افتاده، گفت: در سر عقل باید وجود داشته باشد (که من دارم) و نداشتن کلاه عیب و ننگ نیست.	
گفت: «می بسیار خوردی؛ زان چنین بی خود شدی	گفت: «ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست»
معنی: گفت: شراب بسیار خورده ای، به همین علت از خود بی خود شده ای، گفت: ای انسان بیهوده گو، شراب خوردن حرام است چه کم چه زیاد.	
گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را»	گفت: «هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست»
معنی: گفت: باید مردم هوشیار، مست را مجازات کنند، مست پاسخ داد: که انسان هشیار پیدا کن. در جامعه، کسی هشیار نیست (همه فاسدهستند)	

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

- افسار:** تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ می بندند. **زاهد:** پارسای گوشه نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد.
- اکراه:** ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری
- تزویر:** نیرنگ، دورویی، ریاکاری
- حد:** کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم
- خمار:** می فروش
- دار ملک:** سرزمین
- داروغه:** پاسبان و نگهبان، شب گرد
- درهم:** درم، مسکوک نقره، که در گذشته، به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است؛ در متن درس، مطلق پول مورد نظر است.
- دینار:** واحد پول، سکه طلا که در گذشته رواج داشته است. در متن درس و سرزمین، کشور، مملکت؛ دار ملک: دارالملک، پایتخت
- محتسب:** مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.
- واعظ:** پنددهنده، سخنور اندرزگو
- والی:** حاکم، فرمانروا
- مختلف، متفاوت بوده است.



کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار ببند، بگیرد و حد زند.
از بهر تو صدبار ملامت بکشم/ گربشکنم این عهد، غرامت بکشم

پ: محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.
غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن/ حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم

۲- فعل‌های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم» / گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

پ: شویم = برویم / نیست = وجود نداشته باشد

زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست/ در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

پ: نیست در مصراع اول = فعل اسنادی / در مصراع دوم = وجود ندارد (غیر اسنادی)

ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم.

پ: می‌شویم = فعل اسنادی

قلمرو ادبی

۱- سروده زیر را از نظر شیوه گفت و گو، با متن درس مقایسه کنید؛ سپس بنویسید این نوع گفت‌وگو در اصطلاح ادبی چه نام دارد؟

نخستین بار گفتش کز کجایی بگفت از دارملک آشنایی
بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند؟ بگفت آنده خرنده و جان فروشند

...

پ: این چند بیت گفت‌وگوی میان فرهاد سنگ‌تراش با خسرو، پادشاه ایران است درباره شیرین است که هر دو دل‌باخته او هستند.
این شیوه گفت‌وگو در ادب فارسی مناظره نامیده می‌شود. مبتکر آن اسدی توسی (قرن چهارم هـ.ق) است. در میان شاعران معاصر پروین اعتصامی قطعات زیبایی به شیوه مناظره سروده است.

۲- متن درس از نظر شیوه بیان (جد-طنز) با این سروده حافظ چه وجه اشتراکی دارد؟

با محتسبم عیب مگوئید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

پ: حافظ هم مانند پروین اعتصامی با طنزی تلخ به فساد عوامل حکومتی جامعه اشاره می‌کند.

قلمرو فکری

۱- هر یک از مصراع‌های زیر، به کدام پدیده اجتماعی زمان شاعر اشاره دارد؟

گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» = **پ:** رشوه‌خواری حاکمان

گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست» = **پ:** نابسامانی‌های اجتماعی

۲- در هریک از بیت‌های زیر، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

بیت ۸: گفت: «آگه نیستی کز سر درافتاد کلاه» / گفت: «در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست»

پ: ملاک سنجش انسانیت عقل است نه ظاهر

بیت ۹: گفت: «می بسیار خوردی؛ زان چنین بی خود شدی» / گفت: «ای بیهوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست»

پ: گناه به هر نسبتی گناه است و کم‌وزیاد ندارد. بی‌اطلاعی مأمور از احکام دینی

۳- در ارتباط موضوعی متن درس با هر یک از بیت‌های زیر توضیح دهید؟

دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی / من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم

پ: این بیت هم مانند بیت‌هایی از درس به ریاکاری افرادی که وظیفه ارشاد مردم یا اجرای دقیق احکام دینی را دارند اشاره می‌کند.

گفت مست‌ای محتسب، بگذار و رو از برهنه کی توان بردن گرو

پ: در بیت «گفت از بهر غرامت، جامهات بیرون کنم / گفت: پوشیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست» پروین اعتصامی هم مانند این بیت از مولوی به اخذی از مردم درمانده و فقیر جامعه توسط مأمور نظارت بر اجرای احکام دینی اشاره دارد.



ای بی‌خبر بکوش که صاحب‌خبر شوی	تا راهرو نباشی کی راهبر شوی
معنی: ای بی‌خبر از عشق، تلاش کن تا عارف و آگاه شوی، تا سالک راه حق نباشی، نمی‌توانی دیگران را هدایت کنی.	
در مکتب حقایق پیش ادیب عشق	هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی
معنی: ای پسر بکوش تا در دنیای حقیقت و معرفت که مانند یک مکتب است با عشق که مانند یک آموزگار است به مقام والا برسی	
دست از مس وجود چو مردان ره بشوی	تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
معنی: مانند عارفان حقیقی، دست از وجود کم‌ارزش خود بردار تا به تا به عشق که مانند کیمیاست دست پیدا کنی و ارزشمند شوی.	
خواب و خورت ز مرتبه خویشت دور کرد	آن گه رسی به خویشت که بی‌خواب و خور شوی
معنی: تعلقات مادی تو را از جایگاه انسانی دور کرده‌است، زمانی به مقام اصلی خودت خواهی رسید که از تعلقات مادی آزاد شوی.	
گر نور عشق حق به دل‌وجانت اوفتد	بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی
معنی: اگر نور عشق الهی بر دل‌وجان تو بتابد به خدا سوگند که از آفتاب آسمان هم زیباتر و ارزشمندتر می‌شوی.	
یکدم غریق بحر خدا شو گمان مبر	کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی
معنی: لحظه‌ای در دریای عشق الهی فرو برو (عاشق باش) و گمان نکن که از آب این هفت دریا، ذره‌ای وجودت آسیب می‌بیند.	
از پای تا سرت همه نور خدا شود	در راه ذوالجلال چو بی‌پاوسر شوی
معنی: سراپای وجودت غرق نور الهی خواهد شد اگر در راه خدا از خودت بگذری (سراز پا نشناسی)	
وجه خدا اگر شودت منظر نظر	زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی
معنی: اگر رضای خدا هدف تو باشد، مطمئن باش دارای آگاهی و بصیرت خواهی شد.	
بنیاد هستی تو چو زیروزبر شود	در دل مدار هیچ که زیروزبر شوی
معنی: اگر در راه خدا، وجودت دگرگون شود، از این دگرگونی نترس چرا که تغییری در کمال تو ایجاد نمی‌شود.	
گر در سرت هوای وصال است حافظا	باید که خاک درگه اهل هنر شوی
معنی: ای حافظ اگر به دنبال رسیدن به معشوق هستی، باید که در برابر اهل کمال، فروتن باشی.	

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، در متن درس به معنای معلم و مربی است.

ذوالجلال: خداوند، پروردگار، خداوند صاحب جلال و عظمت

وجه: ذات، وجود

درک و دریافت - در مکتب حقایق

۲- مفهوم مشترک هر یک از گروه بیت‌های زیر را بیان کنید.

(الف) بیت‌های سوم و پنجم: **پ:** عشق موجب تعالی و ارزشمندی می‌شود.

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی	تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
گر نور عشق حق به دل‌وجانت اوفتد	بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی

(ب) بیت‌های ششم و نهم: **پ:** توکل به خداوند / عشق، موجب امنیت است

یکدم غریق بحر خدا شو گمان مبر	کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی
بنیاد هستی تو چو زیروزبر شود	در دل مدار هیچ که زیروزبر شوی

املا: محتسب (مأمور احکام دینی) - قاضی (قضاوت‌کننده) - داروغه (رئیس نگهبانان) - غرامت (خسارت) - عار (نگ) - اکراه (بی‌میلی) - تزویر (دورویی) - منظر (دیدگاه)



نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است	مسلك مرغ گرفتار قفس، هم‌چو من است
معنی: ناله‌های (شعر) پرندۀ گرفتار (شاعر) تماماً برای وطن است. پرندۀ گرفتار در قفس مانند من کارش نالیدن است.	
همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد	خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
معنی: از باد سحرگاهی می‌خواهم که از من به دوستانم که آزاد هستند، پیامی (خبر گرفتار شدنم) برساند.	
فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش	بنمایید که هر کس نکند مثل من است
معنی: ای هم‌وطنان برای آزادی خودتان چاره‌ای بیندیشید (با ظلم مبارزه کنید) والا مانند من گرفتار ظلم و زندان می‌شوید.	
خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد	زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است
معنی: کشوری که به دست بیگانگان آباد شود باید آن سرزمین را با اشک، ویران کرد. زیرا آن کشور، خانۀ اندوه خواهد بود.	
جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن	بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است
معنی: لباسی که در راه وطن غرقه به خون نگردد (کسی که در راه وطن کشته نشود)؛ آن لباس را پاره کن چرا که بی‌ارزش‌تر از کفن است.	
آن‌کسی را که در این مُلک سلیمان کردیم	ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است
معنی: کسی را که در این کشور، پادشاه و حاکم خود قراردادیم، امروز همه مردم جامعه، یقین پیدا کرده است که در حقیقت، شیطان است.	

مهر و ماه

دفتر زمانه

هرگز دلم برای کم‌وبیش غم نداشت	آری نداشت غم که غم بیش‌و کم نداشت
معنی: هرگز غم و غصۀ کم‌وزیاد مال و مقام این دنیا را نداشتم بله غم ... نداشتم چرا که وابستگی به دنیا نداشتم.	
در دفتر زمانه فتد نامش از قلم	هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت
معنی: هر ملتی که انسان‌های اندیشمند نداشته باشد در طول تاریخ فراموش می‌شود.	
در پیشگاه اهل خرد نیست محترم	هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت
معنی: هر کسی که به رأی اکثریت جامعه احترام نگذارد، در دید خردمندان، شخص محترمی نیست.	
با آن‌که جیب و جام من از مال و می تهی است	ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت
معنی: با وجود این‌که جیب من از پول و جام من از شراب خالی است، اما آسایشی که من دارم، جمشید جم با آن همه ثروت و قدرت نداشت.	
انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی	چون فرخی موافق ثابت‌قدم نداشت
معنی: عدل و انصاف (طرفداران زیادی دارد، اما مانند فرخی) خود شاعر) طرفدار ثابت‌قدم ندارد.	

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

- اجانب:** ج اجنبی، بیگانگان
احداث شدن: ساخته شدن
استقرار: برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی یا چیزی در جایی، مستقر شدن
بیت الاحزان: خانۀ غم‌ها، جای بسیار غم‌انگیز، طبق روایات نام کلبه‌ای است که حضرت یعقوب (ع) در آن در غم فراق یوسف (ع) گریه می‌کرده است
بیت الحزن: خانۀ غم، ماتمکده
ثابت‌قدم: ثابت‌رأی و ثابت عزم، دارای اراده قوی
سلسله‌جنبان: محرک، آن‌که دیگران را به کاری برمی‌انگیزد.
طرف: کناره، کنار
مسلك: روش، طریق
موافق: هم‌رای و همراه



کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه «همت» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.
الف- همت اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود

ب- همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نو سفرم **پ:** الف: عزم و اراده ب: عنایت و توجه

۲- در کدام بیت‌ها، یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

پ: بیت ۳: فکری ای هم‌وطنان، در ره آزادی خویش / بنمایید که هر کس نکند، مثل من است (هرکس فکری برای خود بنماید: حذف مفعول به قرینه لفظی)
بیت ۴: خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / زاشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الجزن است. (زاشک ویران کنش: حذف نهاد «تو» به قرینه لفظی)
بیت ۵: جامه‌ای کاو نشود غرقه‌به‌خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است. (جامه کمتر از کفن است: حذف نهاد به قرینه لفظی)

قلمرو ادبی

۱- کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص‌شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.
الف- ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس، هم‌چو من است

پ: مرغ اسیر: معنای مجازی (خود شاعر) / مرغ گرفتار: معنی حقیقی

ب- نشاط غربت از دل کی برد حب وطن بیرون / به تخت مصرم اما جای در بیت‌الجزن دارم

پ: بیت‌الجزن: معنای مجازی: زادگاه

پ- در بیت‌الاحزان در آمد و نالید؛ چنانچه هر پرند بر بالای سر یعقوب بود، بنالید.

پ: بیت‌الاحزان: معنای حقیقی: خانه‌ای پر از غم و ناراحتی که حضرت یعقوب (ع) در فراق حضرت یوسف ساخته بود.

۲- با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت
در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت

الف- درباره تلمیح به کاررفته در بیت اول توضیح دهید

پ: جمشید پادشاه ایران جامی داشت و با نگاه کردن به آن چیزهایی را می‌دید که دیگران نمی‌دیدند. قدرت و ثروت زیاد او را مغرور کرد تا حدی که ادعای خدایی کرد و همین غرور موجب نابودی‌اش به دست ضحاک گردید.

ب- مصراع‌های مشخص‌شده را با توجه به آرایه «کنایه» بررسی کنید.

پ: بیت اول: تهی بودن جیب از مال (از فقر و بی‌چیزی) / تهی بودن جام از می (ناخوشی و غمگینی)

بیت دوم: از قلم افتادن (فراغ شدن)

قلمرو فکری

۱- شعر «آزادی» نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمدعلی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید.

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است **پ:** ظلم محمدعلی شاه قاجار.

خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / زاشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الجزن است **پ:** بیگانه‌ستیزی، وطن‌پرستی

۲- در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف- رفیقی که به طرف چمن است: **پ:** مردمی که آزاد هستند و با ظلم مبارزه نمی‌کنند.

ب- مردم صاحب‌قلم: **پ:** انسان‌های روشنفکر

به غزل‌هایی که محتوای آن‌ها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می‌گویند؛ در عصر مشروطه با

توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون محمد تقی

بهار، عارف قزوینی و فرخی یزدی می‌توان نمونه‌های آن را یافت...



۴- فرخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟ **پ:** موافق ثابت‌قدم (عملگرا و مبارز)

۵- با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

جامه‌ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل / دل نثار استقلال، جان فدای آزادی

پ: میهن‌دوستی تا سر حد مرگ

املا: طرف (سوی) - بیت‌الجزن (خانه غم) - فراغت (آسایش) - طایر (پرنده) - محفل (مجلس) - نثار (فدا کردن) - سلاح (اسلحه)



ای دیو سپید پای در بند	ای گنبد گیتی ای دماوند
معنی: ای دیو سفیدرنگ گرفتار، ای بلندترین جای دنیا، ای دماوند! (اشاره به بزرگی، ساکن بودن، برف روی قلّه و ارتفاع دماوند)	
از سیم به سر یکی کُله خود	ز آهن به میان یکی کمر بند
معنی: کلاه جنگی از جنس نقره بر روی سر خود قراردادی (قله پر از برف) و از آهن کمر بندی به کمر خود بسته‌ای (میانه کوه که برف ندارد)	
تا چشم بشر نبیندت روی	بنهفته به ابر، چهر دل بند
معنی: برای این که انسان‌ها، چهره تو را نبینند، چهره جذّاب و زیبای خود را در پشت ابر پنهان کرده‌ای. (بیزاری از مردم و ارتفاع دماوند)	
تا واره‌ی از دم ستوران	وین مردم نحس دیومانند،
معنی: برای این که از هم‌صحبتی انسان‌های پست و مردم شوم دیوصفت، آزاد شوی (ادامه معنی در بیت بعد).	
با شیر سپهر بسته پیمان	با اختر سعد کرده پیوند
معنی: [ای دماوند] با خورشید پیمان بسته‌ای و با سیاره مشتری (نماد دوری) پیوند دوستی برقرار کرده‌ای. (ارتفاع کوه دماوند)	
چون گشت زمین ز جور گردون	سرد و سیه و خموش و آوند
معنی: وقتی که زمین بر اثر ستم روزگار، سرد و تاریک و خاموش و آویزان شد+	
بنواخت ز خشم بر فلک مشّت	آن مشّت تویی تو ای دماوند
معنی: [زمین] از روی خشم به آسمان مشّت زد، که آن مشّت تو هستی ای کوه دماوند	
تو مشّت درشت روزگاری	از گردش قرن‌ها پس افکند
معنی: [ای دماوند] تو مشّت درشت روزگار هستی که از قرن‌های گذشته به‌جا مانده‌ای.	
ای مشّت زمین بر آسمان شو	بر وی بنواز ضربتی چند
معنی: ای مشّت زمین به‌سوی آسمان برو و چند ضربه به آن بزن	
نی‌نی تو نه مشّت روزگاری	ای کوه نی‌ام ز گفته خرسند
معنی: نه نه! تو مشّت روزگار نیستی، ای کوه از گفته خودم خرسند نیستم.	
تو قلب فسرده زمینی	از درد، ورم نموده یک چند
معنی: تو قلب یخ‌زده (رنج‌دیده) زمین هستی که بر اثر درد مدتی است متورم شده‌ای.	
تا درد و ورم فرونشیند	کافور بر آن ضماد کردند
معنی: برای این که درد و تورم (برآمدگی) کاهش پیدا کند، بر روی آن (قلّه) کافور (برف) قرار دادند.	
شو منفجر ای دل زمانه	وان آتش خود نهفته میسند
معنی: ای قلب زمانه (دماوند= انسان آزادی‌خواه) منفجر شو (سخن بگو) و خشم خود را از ظلم پنهان مکن.	
خامش منشین، سخن همی گوی	افسرده میباش، خوش همی‌خند
معنی: سکوت نکن و حرف بزن، غمگین نباش و لبخند بزن	
پنهان مکن آتش درون را	زین سوخته جان، شنو یکی پند
معنی: ای دماوند (انسان آزادی‌خواه) حرف‌های ضد ظلم خود را پنهان مکن و از این سوخته‌جان (شاعر) پندی بشنو.	
گر آتش دل نهفته داری	سوزد جانت، به جانت سوگند
معنی: اگر آتش درونت را (حرف‌های تند و پر از خشم خود را) پنهان کنی، کشته خواهی شد، به جان خودت سوگند می‌خورم. (گسترش ظلم)	



ای مادر سرسپید، بشنو	این پند سیاه بخت فرزند
معنی: ای مادر کهن سال (دماوند=انسان آزادی خواه) پند این فرزند بیچاره خود را (شاعر) بشنو	
برکش ز سر این سپید معجز	بنشین به یکی کبود اورند
معنی: این روسری سفید (برف) را که نشانه پیری و ضعف است از خودت دور کن و بر روی تخت سیاه (که نشانه اقتدار است) بنشین.	
بگرای چو ازدهای گرز	بخروش چو شرزه شیر ارغند
معنی: مانند مار بزرگ و خطرناک حمله کن و هم چون شیر خشمگین نعره بکش. (دعوت به مبارزه)	
بفکن ز پی این اساس تزویر	بگسل ز هم این تژاد و پیوند
معنی: ریا و دورویی را از پایه و اساس نابود کن و خاندان ظالمان را از بین ببر.	
بر کن ز بن این بنا که باید	از ریشه، بنای ظلم برکنند
معنی: بنای ظلم و ستم را از پایه خراب کن؛ زیرا ظلم و ستم را باید از ریشه کند و نابود کرد.	
زین بی خردان سفله بستان	داد دل مردم خردمند
معنی: از این حاکمان نادان پست، حق مردم روشنفکر را بگیر.	

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

آوند: آونگ، آویزان، آویخته	شرزه: خشمگین، غضبناک
ارغند: خشمگین و قهرآلود	ضماد: مرهم، دارو که به جراحات نهند؛ ضماد کردن: بستن چیزی بر زخم، مرهم نهادن
بگسل: پاره کن، جداکن؛ در متن درس: نابود کن	عطا دادن: بخشش، بخشیدن
پس افکند: پس افکنده، میراث	فسرده: یخ زده، منجمد
ستوران: ج ستور، حیوانات چارپا خاصه اسب، استر و خر	کله خود: کلاه خود، کلاه فلزی که در جنگ بر سر می گذارند.
سریر: تخت پادشاهی، اورنگ	گرزه: ویژگی نوعی مار سمی و خطرناک
سعد: خوشبختی، متضاد نحس، اختر سعد: مشتری است که به سیاره گرز: سرپوش، روسری	نحس: شوم، بدیمن، بد اختر
« سعد اکبر » مشهور است .	
سفله: فرومایه، بدسرشت	

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معادل معنایی واژه های مشخص شده را در متن درس بیابید.

- سریر ملک عطا داد کردگار تو را به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد **پ:** = اورند (تخت)
 - دردناک است که در دام شغال افتد شیر یا که محتاج فرومایه شود مرد کریم **پ:** = فرومایه: سفله (پست) ...-۲

۳- در بیت های زیر، ترکیب های اضافی را مشخص کنید.

الف) تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن ها پس افکند
 ب) زین بی خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند

پ: مشت | روزگار، گردش قرن ها، داد دل، دل مردم.

نمونه سوال: در ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) واژه اول، «ی» ناشناس نمی پذیرد: **مشتی** روزگار - **گردشی** قرن ... (گلی خوشبو: وصفی)

قلمرو ادبی

۱- در کدام بیت ها آرایه حسن تعلیل به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.



پ: - تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دل‌بند

*علت قرار گرفتن قله دماوند در پشت ابرها شاعرانه است (به علت بیزاری از مردم نادان پشت ابر قرار گرفته است)
- تا درد و ورم فرونشیند / کافور بر آن ضماد کردند

*علت وجود برف روی کوه دماوند شاعرانه است (گویی برف، مانند مرهمی است برای کاهش درد و ورم)

۲- در بیت‌های زیر استعاره‌ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

از سیم به سر یکی کله‌خود / ز آهن به میان یکی کمر بند

پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان، شنو یکی پند

پ: سیم: استعاره از برف / کمر بند آهنی: استعاره از میانه کوه که از برف خیری نیست / آتش: حرف‌های تند و آتشین (خشم) / سر و میان و کمر بند برای دماوند و مخاطب قرار دادن دماوند: استعاره کنایی (= تشخیص)

۳- شعرهای «دماوندیه» و «مست‌وهشیار» را از نظر قالب مقایسه کنید.

پ: دماوندیه: قصیده / قافیه در مصراع اول و مصراع‌های زوج

مست‌وهشیار: قطعه / قافیه در مصراع‌های زوج

قلمرو فکری



۱- محمد تقی بهار شعر دماوندیه را در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی سرود. در این سال به تحریک بیگانگان، هرج و مرج قلمی و اجتماعی و هتاک‌ها (بی شرمی‌ها) در مطبوعات و آزار وطن‌خواهان و سستی کار دولت مرکزی بروز کرده بود. بهار این قصیده را با تأثیرپذیری از این معانی گفته است؛ با توجه به این نکته، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

الف- مقصود شاعر از «دماوند» و «سوخته‌جان» چیست؟

پ: دماوند: روشنفکرانی که در مقابل ظلم سکوت اختیار کرده‌اند / سوخته جان: خود شاعر

ب- چرا شاعر خطاب به «دماوند» چنین می‌گوید:

تو قلب فسرده زمینی / از درد، ورم نموده یک‌چند

پ: سکوت در برابر ظلم و خودخوری موجب بیماری و ناراحتی دماوند (روشنفکرانی که سکوت اختیار کرده‌اند) شده است.

۲- معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

پ: به معانی صفحه قبل رجوع کنید.

۳- مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید.

شو منفجر ای دل زمانه / وان آتش خود / نهفته میسند

دلا خموشی چرا؟ / چو خم نجوشی چرا؟ / برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟

پ: توصیه و ترغیب انسان آزادی‌خواه به حرف زدن علیه ظلم و بیان ناراحتی‌ها

روان خوانی - جاسوسی که الاغ بود

واژه نامه درسی

زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

زل زدن: با چشمی ثابت و بی حرکت به چیزی نگاه کردن

سلانه سلانه: آرام آرام، به آهستگی

عامل تخریب: شخصی نظامی که کارش نابود کردن هدف‌های نظامی به وسیله انفجار و کار گذاشتن تله‌های انفجاری است.

فغان: ناله و زاری، فریاد

کلوخ: پاره گل خشک شده به صورت سنگ، پاره گل خشک شده به درشتی مُشت یا بزرگ تر

معطل: بی‌کار، بلا تکلیف؛ معطل کردن: تأخیر کردن، درنگ کردن

املا: ستوران (چهارپایان) - ضماد (مرهم) - معجر (روسری) - ارغند (خشمگین) - سفله (پست) - تزویر (دورویی) - سریر (تخت) - هتاک

(ناسزاگویی) - مین گذاری (جا دادن مین در زمین) - عن قریب (به زودی) - زل زدن (خیره شدن) - سلانه سلانه (بی خیال قدم برداشتن) - عرعر

(صدای خر) - بهت (حیرت)



بشنو این نی چون شکایت می‌کند	از جدایی‌ها حکایت می‌کند
معنی: بشنو از نی وقتی شکوه و شکایت می‌کند از جدایی‌ها سخن می‌گوید.	
کز نیستان تا مرا بیریده‌اند	در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
معنی: از وقتی که مرا از نیستان (عالم معنا) جدا کرده‌اند، همه انسان‌ها همراه من فریاد جدایی سر داده‌اند.	
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق	تا بگویم شرح درد اشتیاق
معنی: به دنبال انسانی هستم که از غم دوری یار، سینه‌ای پاره‌پاره داشته باشد (رنج فراق را درک کند) تا برای او درد اشتیاق خودم را بیان کنم.	
هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش	باز جوید روزگار وصل خویش
معنی: هر کسی که از اصل خود دور بماند، دوباره روزگاری فرا می‌رسد که به اصل خود (پیشگاه خدا) بازگردد.	
من به هر جمعیتی نالان شدم	جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم
معنی: من (مولانا) در میان هر جمعی ناله جدایی سر دادم، با همه عارفان، چه بدحال و چه خوشحال، هم‌نشین شدم.	
هر کسی از ظن خود شد یار من	از درون من نجست اسرار من
معنی: هر کسی از روی گمان خود با من یار شد، نتوانست از رازهای درونی من آگاه شود و من را آن چنان که هستم بشناسد.	
سر من از ناله من دور نیست	لیک چشم و گوش را آن نور نیست
معنی: راز من از ناله‌های من جدا نیست، اما چشم و گوش ظاهری قادر به درک رازهای درونی من نیستند و فقط ناله مرا می‌شنوند.	
تن ز جان و جان ز تن مستور نیست	لیک کس را دید جان دستور نیست
معنی: جسم از روح و روح از جسم پوشیده نیست (جسم و روح همیشه با یکدیگرند) اما هر کسی اجازه دیدن روح را ندارد.	
آتش است این بانگ نای و نیست باد	هر که این آتش ندارد، نیست باد
معنی: صدای نی، مانند آتش، گرم و زندگی‌بخش است و باد (پوچ) نیست، هر کس که این آتش (عشق) در او وجود ندارد امیدوارم نابود شود.	
آتش عشق است کاندر نی فتاد	جوشش عشق است کاندر می فتاد
معنی: عشق هم‌چون آتشی است که به درون نی راه پیدا کرده و هم‌چنین جوششی است که در شراب قرار گرفته است. (منشأ همه چیز است)	
نی حریف هر که از یاری برید	پرده‌هایش پرده‌های ما درید
معنی: ناله نی، همدم هر عاشقی است که از یار خود جدا شده است، نغمه‌های نی رازهای درونی ما را آشکار می‌کند.	
همچو نی زهری و تریاقی که دید؟	همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
معنی: آواز نی برای آن‌ها که درد اشتیاق ندارند هم چون زهر، تلخ است در حالی که برای عاشقان حقیقت‌پاد زهر است. نی از سویی همدم عاشق (لب بر لب نوازنده ی خود) است و از سویی مانند یک عاشق هجران کشیده مشتاق است تا به وصال برسد.	
نی حدیث راه پر خون می‌کند	قصه‌های عشق مجنون می‌کند
معنی: نی از راه دشوار عشق سخن می‌گوید و داستان عاشقان سخت‌کوشی همچون مجنون را بیان می‌کند.	
محرّم این هوش جز بی‌هوش نیست	مر زبان را مشتری جز گوش نیست
معنی: فقط عاشق مست می‌تواند رازدار عشق الهی باشد، هم‌چنان که فقط گوش می‌تواند حرف‌های زبان را بشنود.	
در غم ما روزها بی‌گاه شد	روزها با سوزها همراه شد
معنی: روزهای ما (عمر ما) با غم عشق سپری شد و هر روز عمر ما با سوز و گداز عشق همراه بود. (سختی راه عشق)	



روزها گر رفت، گو رو، باک نیست	تو بمان، ای آنکه چون تو پاک نیست
معنی: عمر ما اگر سپری شد مهم نیست، ای عشق (معشوق) تو پایدار باشی که هیچ چیز به پاکی تو وجود ندارد.	
هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد	هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد
معنی: هر کسی به جز عاشق واقعی (ماهی) از دشواری‌های راه عشق (آب) خسته می‌شود و آن کس که از عشق بی‌نصیب است روزگارش تباہ می‌شود.	
در نیابد حال پخته هیچ خام	پس سخن کوتاه باید، والسلام
معنی: کسی که عاشق نشده است، قادر به درک حال یک عارف کامل نیست، پس سخن خود را کوتاه می‌کنم.	

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

اشتیاق: میل قلب است به دیدار محبوب؛ در متن درس، کشش روح انسان خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی	دستور: اجازه، وزیر
ایدونک: ایدون که؛ ایدون: این چنین	دمساز: مونس، همراز، درد آشنا
بدحالان: کسانی که سیر و سلوک آنها به سوی حق، کند است.	سور: جشن
بی‌گاه شدن: فرارسیدن هنگام غروب یا شب	شرحه شرحه: پاره پاره؛ شرحه: پاره گوشتی که از درازا بریده باشند.
پرده: در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتب، حجاب	شیون: ناله و ماتم، زاری و فریاد که در مصیبت و محنت برآرند.
تریاق: پادزهر، ضد زهر	ظن: گمان، پندار
حریف: دوست، همدم، همراه	مستمع: شنونده، گوش دارنده
برحسب: مطابق، طبق	مستور: پوشیده، پنهان
خوش حالان: رهروان راه حق که از سیر به سوی حق شادمان اند	نفیر: فریاد و زاری به صدای بلند

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه «دستور» را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سور **پ:** دستور = وزیر
گر ایدونک دستور باشد کنون بگوید سخن پیش تو رهنمون **پ:** اجازه و فرمان

۲- با توجه به دو بیت زیر از مولوی، آیا می‌توان «دیر شدن روز» و «بیگاه شدن» را معادل معنایی یکدیگر دانست؟ دلیل خود را بنویسید.
مکر او معکوس و او سرزیر شد / روزگارش برد و روزش دیر شد
بی‌گاه شد بی‌گاه شد، خورشید اندر چاه شد / خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد
پ: در بیت اول: دیر شدن روز (گذر عمر) و در بیت دوم: بی‌گاه شد (شب فرا رسید، که شاید بتوان آن را به گذر عمر تعبیر کرد)

۳- نقش دستوری گروه‌های اسمی مشخص شده در بیت زیر را بنویسید.
« هر کسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من »
پ: یار من = مسند اسرار من = مفعول

قلمرو ادبی

۱- بیت‌های زیر را از نظر کاربرد آرایه جناس همسان (تام) بررسی کنید.
الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد
پ: مصراع اول: نیست (فعل اسنادی)، باد (هوا) / مصراع دوم: نیست (اسم: نابود)، باد (فعل دعایی)
ب) نی، حریف هر که از یاری برید پرده‌های پرده‌های ما درید
پ: پرده اول: اصطلاحی در موسیقی، پرده دوم: حجاب



موضوع آموزشگاه چنان چه در یک بیت، مصراع دوم در حکم مصداق و یا مثالی برای مصراع اول باشد، اسلوب معادله شکل می گیرد. در واقع شاعر بر پایه تشبیه بین دو مصراع ارتباط معنایی برقرار می کند.

* در اسلوب معادله معمولاً می توان بین دو مصراع واژه «هم چنان که» قرار داد و حتی جای دو مصراع را عوض کرد.

محرم این هوش جز بی هوش نیست = هم چنان که = مر زبان را مشتری جز گوش نیست
مستمع، صاحب سخن را بر سر کار آورد = هم چنان که = غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد
عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را = هم چنان که = دزد دانا می کشد اول چراغ خانه را
شانه می آید به کار زلف، در آشفته گی = هم چنان که = آشنایان را، در ایام پریشانی بپرس
عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را = هم چنان که = سیل یکسان می کند پست و بلند راه را

قلمرو فکری

۱- مقصود مولوی، از «نی» و «نیستان» چیست؟

پ: نی: خود مولانا و انسان آگاه از حقایق عالم معنا / نیستان: عالم معنی

۲- کدام بیت، به این سخن مشهور: «کل شیء یرجع الی أصله.» (هر چیزی سرانجام به اصل و ریشه خود باز می گردد.) اشاره دارد؟

پ: هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش (بازگشت به اصل)

۳- حافظ در هر یک از بیت های زیر، بر چه مفاهیمی تأکید دارد؟ بیت های معادل این مفاهیم را از متن درس بیابید.

الف) در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز هر کسی بر حسب فکر گمانی دارد

پ: - تصورات شخصی مانع درک حقیقت می شود. تناسب معنایی با:

* هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من

* محرم این هوش، جز بی هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست

* در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید والسلام

ب) زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست

پ: بی اعتنایی به گذر عمر. تناسب با:

* روزها گر رفت، گو رو، باک نیست تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست

۴- جدول زیر را با توجه به مفاهیم ابیات درس کامل کنید.

مفهوم	بیت
دشوار و پر خطر بودن راه عشق	نی حدیث راه پر خون می کند / قصه های عشق مجنون می کند ۱۳
ناتوانی حواس ظاهری از درک حقایق هستی	سر من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست ۷
اشتیاق پایان ناپذیر عاشق	هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است، روزش دیر شد ۱۷ سینه خواهیم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق ۳
تفاوت ظرفیت وجودی افراد در مقابل عشق	همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ / همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ ۱۲
عشق، منشأ هستی است.	آتش عشق است کاندرا نی فتاد / جوشش عشق است کاندرا می فتاد ۱۰

گنج حکمت - آفتاب جمال حق

پادشاهی به درویشی گفت: که مرا آن لحظه که تو را به درگاه حق، تجلی و قرب باشد، یاد کن.

معنی: پادشاهی به عارفی گفت: آن زمانی که تو به خدا نزدیک می شوی (فرورفتن در حالت عارفانه) از من یاد کن.

گفت: چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید، از تو چون یادکنم؟

معنی: پاسخ داد، زمانی که من به درگاه حق می رسم و نور حق بر من می تابد، من خودم را هم فراموش می کنم چگونه می توانم از تو یاد کنم؟

اما چون حق تعالی بنده ای را گزید و مستغرق خود گردانید، هر که دامن او بگیرد و از او حاجت طلبد، بی آنک

آن بزرگ، نزد حق یادکنند و عرضه دهد، حق، آن را برآرد.

معنی: اما آن گاه که خداوند به بنده ای توجه می کند و او را مجذوب خود می گرداند، هر کس به او پناه ببرد و از او درخواستی بکند، خداوند بدون اظهار نیاز آن بنده، نیازش را برآورده می سازد.

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

مستغرق: مجذوب، شیفته؛ مستغرق گشتن: حیران و شیفته شدن

تاب: فروغ، پرتو

املا: شرحه شرحه (پاره پاره) - ظن (گمان) - مستور (پوشیده) - سور (جشن) - مستمع (شنونده) - قرب (نزدیکی) - مستغرق (فرورفته)



بدان که از جمله نام های حُسن، یکی «جمال» است و یکی «کمال». و هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال اند. و هیچ کس نبینی که او را به جمال میلی نباشد، پس چون نیک اندیشه کنی، همه طالب حسن اند و در آن می کوشند که خود را به حسن رسانند.

معنی: باید بدانی که از همه صفتهای خداوند یکی زیبایی (جمال) است و یکی کامل بودن (کمال). و همه موجودات از ملکوتی گرفته تا مادی همگی خواستار کامل شدن هستند. و نمی توانی کسی را پیدا کنی که به زیبایی تمایل نداشته باشد. بنا بر این وقتی که درست فکر کنی، همه در جستجوی خدا هستند...

و به حُسن - که مطلوب همه است - دشواری می توان رسیدن؛ زیرا که وصول به حسن ممکن نشود، الا به واسطه عشق و عشق هر کسی را به خود راه ندهد و همه جای می آوایند و به هر دیده روی ننمایند.

معنی: و به خدا که همه به دنبالش هستند، با دشواری می توان رسید زیرا که رسیدن به خدا ممکن نمی شود مگر به وسیله عشق و عشق هر کسی را نمی پذیرد و هر جایی اقامت نمی کند و خود را به هر کسی نشان نمی دهد.

محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. و عشق خاص تر از محبت است؛ زیرا که همه عشقی محبت باشد اما همه محبتی عشق نباشد.

معنی: دوست داشتن وقتی به نهایت می رسد به آن عشق می گویند. و عشق از دوست داشتن خاص تر است زیرا که هر عشقی، دوست داشتن هم هست اما هر دوست داشتنی، عشق محسوب نمی شود.

و محبت خاص تر از معرفت است؛ زیرا که همه محبتی معرفت باشد اما همه معرفتی محبت نباشد.

معنی: و دوست داشتن از شناخت خاص تر است زیرا که هر دوست داشتنی با شناخت همراه است اما هر شناختی با دوست داشتن همراه نیست.

پس اول پایه معرفت است و دوم پایه محبت و سیم پایه عشق. و به عالم عشق - که بالای همه است - نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد

معنی: پس گام اول شناخت است و گام دوم دوست داشتن و سومین گام، عشق است. و به جهان عشق که از همه بالاتر است نمی توان رسید تا وقتی که از شناخت و دوست داشتن نردبانی برای رسیدن به آن ساخت.

سودای عشق

در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند.

معنی: تنها کسی می تواند عاشق باشد که از خودش و علائق خود بگذرد و تمام وجود خود را در راه عشق فدا کند. (ترک تعلق)

عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری نهد. هر جا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداند.

معنی: عشق مانند آتش سوزان است، هر جا که رخنه کند جز خود چیزی باقی نمی گذارد. هر جا که می رود همه چیز را می سوزاند و شبیه خود می گرداند.

در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست	با جان بودن به عشق در سامان نیست
معنی: تنها کسی شایسته قدم گذاشتن در راه عشق است که از جانش بگذرد چرا که عشق با خودخواهی امکان پذیر نیست (چور در نمی آید)	

ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است، و لابد هر چه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان.

عشق، بنده را به خدا برساند، پس عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد.

معنی: ای عزیز، به عقیده انسان های عارف به خدا رسیدن واجب است و قطعاً هر آنچه به وسیله آن به خدا رسند هم واجب است. از آنجا که عشق هم بنده را به خدا می رساند بر همگان واجب است.

... حیات از عشق می شناسد و ممت بی عشق می یابد.

معنی: عشق مایه زندگی است و زندگی بدون عشق چیزی جز مرگ نیست.

سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقلها افزون آید.

معنی: دیوانگی عشق از هوشیاری جهان بهتر است و برتر از همه عقلهاست. (نکوهش عقل، تقابل عشق و عقل)

هر که عاشق نیست، خودبین و پرکین باشد، و خودرای بود. عاشقی بی خودی و بی رای بی باشد.

معنی: هر کس عاشق نیست خودخواه و ستیزه جوست و مستبد. در حالی که عاشقی یعنی از خود گذشتن و مغرور نبودن و تسلیم بودن.

در عالم پیر، هر کجا برنایی است	عاشق بادا که عشق خوش سودایی است
معنی: در جهان سالخورده هر کجا جوانی هست، آرزو می کنم که عاشق شود چرا که عشق کالای ارزشمندی است	



ای عزیز، پروانه، قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند. چون به آتش رسد، خود را بر میان زند. خود نداند فرقی کردن میان آتش و غیر آتش، چرا؟ زیرا که عشق، همه خود آتش است.

ای عزیز، خوراک پروانه (عاشق حقیقی)، عشقی است که به آتش دارد، بدون آتش آرام و قرار ندارد و در آتش برای خود وجودی قائل نیست تا زمانی که عشق چون آتش با او کاری می‌کند که همه چیز را آتش می‌بیند. وقتی به آتش می‌رسد، به درون آتش می‌زند. فرقی بین آتش و غیر آتش قائل نیست، چرا؟ زیرا عشق همه وجودش از آتش است.

«اذا أحب الله عبدا عشقه و عشق علیه فيقول عبدی أنت عاشقی و محبی، و أنا عاشق لك و محب لك إن أردت أولم ترد..»
«او بنده خود را عاشق خود کند، آنگاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی، و ما معشوق و حبيب توایم آنچه خواهی و چه نخواهی.»

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

بزم: محفل، ضیافت	سامان: درخور، میسر، امکان
بی خودی: بیهوشی، حالت از خود رستگی و به معشوق پیوستن	سودا: خیال، دیوانگی
جسمانی: منسوب به جسم، مقابل روحانی	شیدایی: دیوانگی
جمال: زیبایی، زیبایی ازلی خداوند	فرض: لازم، ضروری، آنچه خداوند بر بندگانش واجب کرده است.
حُسن: نیکویی، زیبایی	کمال: کامل بودن، کامل ترین و بهترین صورت و حالت هر چیز، سرآمد بو
روحانی: منسوب به روح، معنوی، ملکوتی، آنچه از مقوله روح و جان باشد.	در داشتن صفت های خوب
	محب: دوستدار، یار، عاشق
	ممات: مرگ، مردن

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- از متن درس برای قسمت های مشخص شده، معادل معنایی مناسب بیابید.
بیم آن است کز غم عشقت / سر بر آرد دلم به شیدایی **پ: شیدایی: سودایی**
درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره ای است / من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم **پ: ناگزیر: لابد**



آموزشگاه الگوهای دو نوع جمله مسند پذیر:

الف) نهاد + مسند + فعل اسنادی *عشق، آتش است (آتش: مسند)
در جمله هایی که با فعل اسنادی (است، بود، شد، گشت، گردید) ساخته می شوند، مسند وجود دارد.

ب) نهاد + مفعول (یا متمم) + مسند + فعل *برخی عاشق را دیوانه می پندارند.
نهاد مفعول مسند فعل
برخی از فعل ها جمله هایی می سازند که علاوه بر مسند، در بردارنده مفعول یا متمم نیز هستند.

عمده مصدرهای این گروه عبارت اند از:

- «گردانیدن» و فعل های هم معنی آن؛ مثل «نمودن، کردن، ساختن»
- «نامیدن» و فعل های هم معنی آن؛ مثل «خواندن، گفتن، صدا کردن، صدا زدن»
- «شمردن» و فعل های هم معنی آن؛ مثل «به شمار آوردن، به حساب آوردن»
- «پنداشتن» و فعل های هم معنی آن؛ مثل «دیدن، دانستن، یافتن»

پشننگ

گ	ن	ش	پ
گردانیدن	نامیدن	شمردن	پنداشتن

مسند یاب: نهاد + چه + فعل = مسند

*مردم به او دهقان فداکار می گویند. (چه می گویند؟ = دهقان فداکار)
نهاد متمم مسند فعل

قلمرو ادبی

- کاربرد نمادین «پروانه» را در متن درس و سروده زیر بررسی و مقایسه کنید.
بین آخر که آن پروانه خوش / چگونه می زند خود را به آتش
چو از شمعی رسد پروانه را نور / در آید پر زنان پروانه از دور
ای عزیز پروانه قوت از آتش خورد، بی آتش قرار ندارد... **پ: پروانه: نماد «عاشق حقیقی» است.**



قلمرو فکری =

۱- سهروردی، شرط دستیابی به عالم عشق را چه می‌داند؟

پ: معرفت و محبت

۲- درک و دریافت خود را از عبارتهای زیر بنویسید.

الف) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید. پ: تقابل عقل و عشق
ب) ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است و لابد هر چه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد ... پ: شناخت راه‌های رسیدن به خدا واجب است.

۳- درباره ارتباط معنایی هر بیت زیر با متن درس توضیح دهید.
الف) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست

پ: عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده روی ننماید. (هر کسی ظرفیت و لیاقت عشق را ندارد)

ب) من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو

پ: در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند.

پ: بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟ یعنی اگر نباشی کار دلم تمام است

پ: وجود عاشق از عشق است. بی‌عشق چگونه زندگانی کند. حیات از عشق می‌شناس و ممت بی‌عشق می‌یاب.

ت) می‌تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را در رگ جان، هر که را چون زلف، پیچ و تاب است

پ: به حسن - که مطلوب همه است - دشوار می‌توان رسیدن؛ زیرا که وصول به حسن ممکن نشود؛ الا به واسطه عشق. (راه پرخطر عشق)

حفظ شاعرانه

ای مهرباتر از برگ در بوسه‌های باران	بیداری ستاره در چشم جویباران
معنی: ای که از صدای برخورد قطره‌های باران با برگ مهربان تر هستی و زیباتر از انعکاس تصویر ستارگان بر روی آب جویبارها	
آیینۀ نگاهت، پیوند صبح و ساحل	لبخند گاه گاهت، صبح ستاره باران
معنی: در نگاه تو که مانند آئینه است صبح و ساحل به هم گره خورده اند. لبخند تو همچون صبح روشنی بخش است.	
باز آ که در هوایت خاموشی جنونم	فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران
معنی: بازگرد چرا که در آرزوی تو به ظاهر آرام اما آشفته و دیوانه شده‌ام تا حدی که از سنگ کوهساران هم ناله برمی‌خیزد.	
ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز	کاین گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران
معنی: بسیاری از سایه برگ گریختند و این گونه فرصت را از دست دادند و به دیگران یاری نرسانند. تو جویبار جاری باش و زندگی بخش.	
گفتی: «به روزگاران مهری نشسته» گفتم:	«بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران»
معنی: عشق تو را که بر دلم نشسته است، نمی‌توانم فراموش کنم حتی با گذر زمان.	
پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند	دیوار زندگی را زین گونه یادگاران
معنی: پیش از این عشق نقش خورده بود و دیوار زندگی با عشاق بسیاری به یادگار مانده است.	
وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند	تا در زمانه باقی است آواز باد و باران
معنی: آهنگ عشق (شعر عاشقانه) بعد از مردن من و تو تا همیشه باقی خواهد ماند؛ تا وقتی که زندگی در طبیعت جاری است.	

درک و دریافت

۱- شفیع کدکنی، در کدام بیت، از شاعری پیشین تأثیر گرفته است؟

تضمین بخشی از شعر «سعدی به روزگاران مهری نشسته در دل بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران»:

گفتی: «به روزگاران مهری نشسته» گفتم: «بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران»

واژه‌نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

نغمه: نوا، ترانه، سرود

املا: مأوا کردن (اقامت کردن) - غایت (نهایت) - فرض (واجب) - قوت (غذا) - نغمه (آهنگ)



امسال که به اروپا رفتیم، گمانم این است که عالمی را دیده‌ام اما چه استبعادی دارد که عمری باشد و روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم! آرزوها پایان ندارد.

معنی: ... که به اروپا رفتیم، به نظرم جهانی را دیده‌ام اما بعید نیست که اگر عمری باشد روزی هم به ماه بروم و خاطراتی از سفر به ماه هم بنویسم. مهد دموکراسی عالم، یعنی آتن ... از بیم عقرب جراره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشبیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.

معنی: ... که جایگاه دموکراسی جهان یعنی آتن ... از ترس خطر دموکراسی قرن بیستم ناچار شده به حکومت دیکتاتوری نظامی‌ها پناه ببرد.

روزگاری از فراز همین برج‌ها، فرمان به سواحل دریای سیاه داده می‌شده و کرانه‌های فرات، خط از کرانه رود تیبر می‌خواندند.

معنی: زمانی آنقدر امپراتوری رم مقتدر بود که فرمان‌هایش از همین برج‌ها به سواحل دریای سیاه ابلاغ می‌شد و مردم فرات هم از آن فرمان می‌بردند.

آخرین چراغ امپراتوری روم را موسولینی روشن کرد که چند صبحی تا حبشه و قلب افریقا نیز پیش راند ... «دولت مستعجل» بود.

معنی: موسولینی آخرین امپراتور رم بود که مدتی تا سرزمین‌های افریقا حکومت کرد اما ناپایدار بود.

کی بود و کجا بود و کی‌اش نام نهادند؟	کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند
	معنی: کاووس کیانی که پادشاه نامیده می‌شد، چه کسی بود و کجا بود و چه وقت او را پادشاه نامیدند؟ (ناپایداری قدرت)
این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهادند	خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان
	معنی: این مکانی که آن را بغداد یا ری می‌نامند با خون افراد فقیر و مظلوم پیشرفت کرده و زیبا شده‌است.
تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند	صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب
	معنی: چوب نی سختی‌ها و رنج‌های فراوانی کشیده‌است تا به این شکل درآمد‌است و نی نامیده می‌شود. (سختی موجب کمال است)
مرداد مه و گاه دی‌اش نام نهادند	دل گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی
	معنی: شور و امید ما باعث نامگذاری ماه مرد (تابستان) و ناامیدی ما علت نامگذاری دی ماه (زمستان) است.
آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند	آیین طریق از نفس پیرمغان یافت
	معنی: حضرت خضر هم که خوش‌یمن نامیده می‌شود، راه و رسم رسیدن به خدا را از راهنما و مرشد خود آموخت.

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

طاق: سقف خمیده و محدب، سقف قوسی شکل که با آجر بر روی اطاق یا جایی دیگر سازند؛ طاق ضربی، طاق احداث شده بین دهانه دو تیر آهن که آن را با آجر و ملاط گچ می‌سازند.

طبق: سینی گرد بزرگ و معمولا چوبی، مخصوص نگه داری یا حمل اشیا که بیشتر آن را بر سر می‌گذارند.

طیلسان: نوعی ردا

عجین آمدن: عجین شدن، آمیخته شدن یا ترکیب شدن دو یا چند چیز

غایت القصوی: حد نهایی چیزی، کمال مطلوب

فرخنده پی: خوش قدم، نیک پی، خوش یمن

فرسنگ: فرسنگ، واحد اندازه گیری مسافت تقریباً معادل شش کیلومتر

کازیه: جاکاغذی، جعبه چوبی یا فلزی روباز که برای قرار دادن کاغذ، پرونده یا نامه‌ها روی میز قرار می‌دهند.

کی: پادشاه، هر یک از پادشاهان سلسله کیان

کیانی: منسوب به کیان، کیان: کی‌ها، هر یک از پادشاهان داستانی ایران از کی قباد تا دارا

مار غاشبیه: ماری بسیار خطرناک در دوزخ؛

غاشبیه: سوره ای از قرآن، یکی از نام‌های قیامت

مستعجل: زودگذر، شتابنده

مغان: موبدان زرتشتی؛ در ادبیات عرفانی، عارف کامل و مرشد را گویند.

نمط: بساط شطرنج

اتراق: توقف چند روزه در سفر به جایی، موقتا درجایی اقامت گزیدن

استبعاد: دوردانستن، بعید شمردن چیزی. استبعاد داشتن: بعید و دور بودن از تحقق و وقوع امری

پانوراما: پرده نقاشی که در ساختمانی که سقف مدور دارد، به دیوار سقف بچسبانند؛ چنان که هر کس در آنجا بایستد، گمان کند که افق را در اطراف خود می‌بیند.

تداعی: یادآوری، به خاطر آوردن

جراره: ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار سمی که دمش روی زمین کشیده می‌شود.

چریغ آفتاب: طلوع آفتاب، صبح زود

چشمگیر: شایان توجه، با ارزش و مهم

حواله: نوشته ای که به موجب آن دریافت کننده ملزم به پرداخت پول یا مال به شخص دیگری است.

رواق: بنایی با سقف گنبدی یا به شکل هرم

سر پر زدن: توقف کوتاه؛ هرگاه مرغی از اوج، یک لحظه بر زمین نشیند و دوباره برخیزد، این توقف کوتاه را «سرپر زدن» می‌گویند.

سوء هاضمه: بدگواری، دیرهضمی، هرگونه اشکال یا اختلال در هضم غذا که معمولا با سوزش سردل یا نفخ همراه است.

صباح: بامداد، سپیده دم، پگاه



کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- واژه «طاق» در هر بیت، به چه معناست؟
 الف) طاق پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف بر نمط عشق اگر، پای نهی طاق نه
 ب) نهاده به طاق اندرون تخت زر نشانده به هر پایه‌ای در گهر
 پ) چون ابروی مع شوقان با طاق و رواق است چون روی پری رویان با رنگ و نگار است
پ: الف: فرد، یکتا ب: ایوان پ: خمیدگی و قوس.



وابسته‌های وابسته عبارتند از: «ممیز، مضاف‌الیه مضاف‌الیه، صفت مضاف‌الیه، صفت مضاف‌الیه، قید صفت»

ممیز: اسمی است برای شمارش تعداد، اندازه یا وزن هسته (موصوف) که بعد از عدد و قبل از هسته قرار می‌گیرد.

* دو فروند کشتی * سه کیلو بادام * هفتاد رأس گاو
 ممیز ممیز ممیز

برای وزن ← تن، کیلو، گرم، من، سیر، خروار ...
 برای وسایل و لوازم الکتریکی ← دستگاه
 برای پارچه ← توپ، طاقه
 برای همه چیز ← تا

توجه: ممیز با عدد همراه خود، یک جا وابسته هسته می‌شود؛ نمونه: «توجه: «ممیز» علاوه بر «عدد» می‌تواند وابسته صفت پرسشی و صفت مبهم نیز باشد.

نمونه: چند تخته قالی

دو تخته فرش

مضاف‌الیه مضاف‌الیه: (اسم + اسم) ■ **گیری سخن او**
 هسته مضاف‌الیه مضاف‌الیه

صفت مضاف‌الیه:

الف) صفت پسین وابسته مضاف‌الیه است ■ یادآوری خاطره دلپذیر (ب) صفت پیشین، بین مضاف و مضاف‌الیه قرار می‌گیرد: ■ برنامه کدام سفر؟

قلمرو ادبی

۱- عبارت و بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.
 الف) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.

پ: دنیا: مجازاً: مردم دنیا/ چشم داشتن (کنایه از انتظار و توقع داشتن) / چشم زدن (کنایه از فرمان بردن، ترسیدن)
 ب) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟

پ: جناس همسان (تام): کی: مصراع اول (پادشاه) مصراع دوم (چه وقت) / واج آرایه: (ک) / تلمیح: اشاره به نام کاووس پادشاه ایران
 پ) دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی مرداد مه و گاه دی اش نام نهادند

پ: واج آرایه (د، م) / تضاد (دم گرمی و دم سردی) / کنایه (دم گرمی: امیدواری، دم سردی: ناامیدی) / مرداد (مجازاً تابستان، دی (مجازاً زمستان).

۲- عبارت زیر، یادآور کدام مثل است؟

«از بیم عقرب جرارهٔ دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.» **پ: از چاله به چاه افتادن**

قلمرو فکری

۲- مفهوم کلی هر بیت را مقابل آن در جدول بنویسید.

صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند: سختی‌ها موجب ارزش و تعالی است
 آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند: تاکید بر وجود راهنما و مرشد

۳- با توجه به متن درس، «دولت مستعجل» یادآور کدام بیت از حافظ است؟

پ: راستی خاتم فیروزه بواسحاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود



گنج حکمت - سه مرکب زندگی

نقل است که از او [ابراهیم ادهم] پرسیدند که روزگار چگونه می‌گذرانی؟ گفت: سه مرکب دارم؛ باز بسته؛ چون نعمتی پدید آید، بر مرکب شکر نشینم و پیش او باز شوم

معنی: ... از ابراهیم ادهم (زاهد قرن ۲) پرسیدند که زندگیت را چگونه می‌گذرانی؟ پاسخ داد: سه اسب رام شده دارم؛ وقتی نعمتی به من می‌رسد سوار بر اسب شکر می‌شوم (شکرگزاری می‌کنم) و جلو می‌روم.

و چون بلایی پدید آید، بر مرکب صبر نشینم و پیش باز روم و چون طاعتی پیدا گردد، بر مرکب اخلاص نشینم و پیش روم. معنی: و چون بلایی نازل می‌شود بر اسب صبر می‌نشینم (تحمل می‌کنم) و جلو می‌روم. و چون موقع عبادت فرا برسد بر اسب خلوص نیت می‌نشینم (خالصانه عبادت می‌کنم)

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

مرکب: اسب، آنچه بر آن سوار شوند

باز بسته: وابسته، پیوسته و مرتبط

املا: چریغ (طلوع=چراغ) - اتراق کردن (ماندن درجایی) - قریب (نزدیک) - کاز به (جا کاغذی) - غایت القصوی (کمال مطلوب) - امان (نام کشور) - طیلسان (نوعی لباس) - مار غاشیه (مار خطرناک) - چند صباح (مدتی) - سوء هاضمه (بدگوارگی) - خضر (پیامبری است) - طاعت (عبادت) ابراهیم ادهم (نام شخصی است) - اخلاص (پاکی) - طاقه (میز پارچه)

کویر

۹



... این نخلستان خاموش و پر مهتابی که هر گاه مشت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنهارا می‌شنوم.

معنی: این نخلستان خاموش (آسمان کویر) و پر از نور مهتابی که هر زمان قلبم را هم چون مشت در سکوت آن رها می‌کنم ناله‌های همراه گریه آن روح دردمند (حضرت علی «ع» و تنها را می‌شنوم).

این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک‌تک از غیب سر می‌زنند.

معنی: این دریای سبز آویزان (آسمان) که روی آن پرندگانی با پر الماس، ستارگان زیبا و... یکی یکی از غیب ظاهر می‌شوند.

آن شب نیز ماه باتالو پر شکوهش از راه رسید و گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سرزد.

معنی: آن شب نیز ماه با درخشندگی با شکوهش ظاهر شد و گل‌های الماس (ستارگان) شکفتند و مجموعه ستارگان پروین مانند چراغانی ظاهر شد.

که آن عالم پرشگفتی و راز... در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددیین مصلحت‌اندیش آلود.

معنی: که آن جهان پر شگفتی و راز... در برابر باد کشنده این عقل بی‌خیال و ترسو پژمرده شد و پاکی‌های آن همه زیبایی‌ها که وجودم را لبریز از خدا می‌کرد به این علم مادی و حسابگر آلوده شد.

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

غرفه: بالاخانه، هر یک از اتاق‌های کوچکی که در بالای اطراف سالن یا

یک محوطه می‌سازند که مشرف بر محوطه است.

فقه: علم احکام شرعی، علمی است که از فروع عملی احکام شرع بحث می‌کند.

مبنای این علم بر استنباط احکام است از کتاب و سنت و به سبب

همین استنباط، محل اجتهاد است.

قدس: پاکی، صفا، قداست

قندیل: چراغ یا چهل چراغی که می‌آویزند.

ماورا: فراسو، آن سو، ماسوا، برتر

ماوراء الطبیعه: آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده باشد؛ مانند خداوند، روح و

مانند آن‌ها

مدرس: محلی که در آن تدریس کنند؛ موضع درس گفتن

مشایعت: همراهی کردن، بدرقه کردن

معلق: آویزان، آویخته شده

نشئه: حالت سرخوشی، کیفوری، سرمستی

نظاره: تماشا کردن، نگاه، نگرستن

ابدیت: جاودانگی، پایداری، بی‌کرانگی

ازادت: میل و خواست، اخلاص، علاقه و محبت همراه با احترام

استشمام: بویدن

اسرا: در شب سیر کردن، هفدهمین سوره قرآن کریم

انگاره: طرح، نقشه

اهورایی: ایزدی، خدایی، منسوب به اهورا

بطالت: بی‌کاری، بی‌هودگی، کاهلی

تعبیر: بیان کردن، شرح دادن، بازگویی

تفرجگاه: گردشگاه، جای تفرج، تماشاگاه

تلقی: دریافت، نگرش، تعبیر

تموز: ماه دهم از سال رومیان، تقریباً مطابق با تیرماه سال

شمسی؛ ماه گرما

حکمت: فلسفه، به ویژه فلسفه اسلامی

سموم: باد بسیار گرم و زیان رساننده

کارگاه متن پژوهی

■ قلمرو زبانی

۱- از متن درس، برای هر یک از معانی زیر، واژه‌های معادل بیابید.

پ: باد گرم مهلک: (سَموم) تماشا: (نظاره) آویزان: (معلق) نگرش: (تلقی)

پ: باد گرم مهلک: (سَموم) تماشا: (نظاره) آویزان: (معلق) نگرش: (تلقی)



پ: باد گرم مهلک: (سَموم) تماشا: (نظاره) آویزان: (معلق) نگرش: (تلقی)

■ صفت صفت:

برخی از صفت‌ها، صفت‌های همراه خود را بیشتر معرفی می‌کنند و دربارهٔ اندازه و درجهٔ آن‌ها توضیح می‌دهند (صفت رنگ‌ها)

■ رنگ سبز چمنی

■ پیراهن آبی روشن
هسته صفت صفت

■ قید صفت:

اگر بین هسته و صفت (ترکیب وصفی)، قید قرار گیرد آن را «قید صفت» می‌گویند. (قید اگر حذف شود، ترکیب وصفی باقی می‌ماند)

■ شرایط تقریباً پایدار

■ دوست بسیار مهربان
هسته قید صفت

■ جمع‌بندی وابسته‌های وابسته:

معمولاً وقتی چند واژه با کسره به هم متصل شوند، هر واژه یا وابستهٔ ماقبل خودش است که «وابستهٔ وابسته» است و یا وابستهٔ هسته است که دیگر وابستهٔ وابسته محسوب نمی‌شود ##

کتاب تاریخ ایران (ایران وابستهٔ تاریخ است = تاریخ ایران و تاریخ وابستهٔ کتاب، پس «وابستهٔ وابسته» داریم.

کتاب کهنهٔ تاریخ (تاریخ وابستهٔ هسته (کتاب) است = کتاب تاریخ / کهنه هم صفت هسته است = کتاب کهنه، پس «وابستهٔ وابسته» نداریم.

۲- ...

۳- در کدام گروه‌های اسمی زیر، «وابستهٔ وابسته» به کار رفته است؟ نوع هر یک را مشخص کنید.

پ: *تموز سوزان کویر *سه دست لباس ایرانی *قلب آن کویر *این معمار خوش ذوق *هوای نسبتاً پاک *شاگرد حوزهٔ ادبی
هسته صفت مالبه صفت ممیز هسته صفت هسته صفت مالبه مالبه صفت هسته صفت هسته صفت هسته قید صفت هسته مالبه ص.م

۴- عبارت زیر را با توجه به موارد «الف» و «ب» بررسی کنید.

■ آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظارهٔ آسمان رفته بودم.

(الف) نوع جمله‌ها : پ: همپایه (حرف «و» هم‌پایه‌ساز بین دو جمله قرار گرفته است)

(ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده: پ: آن شب (قید) / نظارهٔ آسمان (متمم)

■ قلمرو ادبی

۱- آرایه‌های ادبی را در «بند نهم» درس مشخص کنید.

«آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پر مهتابی که هرگاه مشت خونین و بی تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم، ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم. ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که هم‌چون این شیعهٔ گم‌نام و غریبش، در کنار آن مدینهٔ پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. چه فاجعه‌ای است در آن لحظه که یک مرد می‌گرید! ... چه فاجعه‌ای!»

پ: تشبیه: مشت خونین و بی‌تاب قلبم (اضافهٔ تشبیهی) ، باران‌های غیبی سکوت (اضافهٔ تشبیهی) ، آسمان کویر هم‌چون نخلستان ... تشخیص = استعاره کنایی: حلقوم چاه ، نگاه‌های اسیر ، نخلستان خاموش، قلب کویر تلمیح: گریه‌های حضرت علی (ع) بر سر چاه

۲- دو نمونه «تلمیح» در متن درس بیابید و توضیح دهید.

پ: * و حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخرهٔ سنگش و سنگ‌ریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود...

تلمیح به: آیهٔ «یسبح لله ما فی السموات والارض» (هر آن‌چه در زمین و آسمان است، خدا را تسبیح می‌گویند)

* گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک تک از غیب سر می‌زنند.

تلمیح به: باور گذشتگان که آسمان را به رنگ سبز می‌پنداشتند.



۳- متن درس، بخشی از «سفرنامه» محسوب می‌شود یا «حسب حال»؟ دلیل خود را بنویسید. **پ:** متن درس، بخشی از حسب حال

مأموریت: سفرنامه: حاوی اطلاعاتی درباره سفر، مسافر و توصیف اماکن و شهرها است. در سفرنامه نویسی نویسنده از خود کمتر سخن می‌گوید و بیشتر به شرح ماجراها و توصیف مکان‌ها می‌پردازد.

حسب حال: از نوشته‌های خواندنی و صمیمی هر زبان، خاطرات و یادداشت‌هایی است که گاه اشخاص در گزارش احوال خود می‌نویسند. این نوشته‌ها که سرشار از نکات و لطایف تاریخی، اجتماعی، سیاسی و ادبی است، «حسب حال» نامیده می‌شود.

قلمرو فکری

۱- در متن درس، چه کسی به «جوینده‌ای تشنه» مانند شده است؟ چرا؟

پ: و شاگرد بود که همچون جوینده تشنه‌ای می‌گشت و می‌سنجید و بالاخره می‌یافت و سر می‌سپرد...
۲-...

۳- مضمون کلی هر سروده زیر، از سهراب سپهری، با کدام بخش از متن درس ارتباط دارد؟

الف) در کفاها کاسه زیبایی، بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر، ره می‌بر با پای دگر

پ: * آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد...

مضمون مشترک: تقابل عقل و احساس / نکوهش عقل

ب) من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد، گفته باشد سر گلدسته سرو / ... پی «تکبیره الاحرام» علف می‌خوانم

* و حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگ‌ریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود...

مضمون مشترک: همه پدیده‌ها در حال عبادت خدا هستند.

روان خوانی - بوی جوی مولیان

برای کسانی که به آتش سرخ بن و بلوط خو گرفته بودند، زغال منقل و نفت بخاری آفت بود.

معنی: برای کسانی که به گرمای طبیعی سوختن چوب بن (پسته وحشی) و بلوط عادت کرده‌اند، گرمای مصنوعی حاصل از زغال منقل و نفت، آزاردهنده است.

شاهین تیزبال افق‌ها بودم، زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم.

معنی: پرنده پرسرعت آسمان‌ها بودم که تبدیل به زنبوری ناخوانده شدم و منزوی شدم (تنزل کردم)

بوی شبدر دوچین هوا را عطر آگین ساخته است. گندم‌ها هنوز خوشه نبسته‌اند... جوجه کبک‌ها، خط و خال انداخته‌اند.

معنی: دوبار چیده می‌شود هوا را پر از عطر کرده است. گندم‌ها هنوز نارس هستند... جوجه کبک‌ها بزرگ شده‌اند.

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

بن: درختی خرد و وحشی که در برخی نقاط کوهستانی ایران

می‌روید، پسته وحشی

دلاویز: پسندیده، خوب، زیبا

شبهه: صدا و آواز اسب

قاش: قاج، قسمت برآمده جلوی زین؛ کوهه زین

کهر: اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره است.

کرند: اسبی که رنگ آن میان زرد و بور باشد.

گرمسیر: منطقه‌ای که تابستان‌های بسیار گرم و زمستان‌های

معتدل دارد؛ مقابل سردسیر

یغما: غارت، تاراج به یغما رفتن؛ غارت شدن

آستانه: آستان، آغاز

مباهات: افتخار، سرافرازی

اندوه گسار: غم گسار، غمخوار

ایل: گروهی از مردم هم نژاد که فرهنگ و اقتصاد مشترک دارند و معمولاً به

صورت چادرنشینی زندگی می‌کنند؛ ایل و تبار؛ خانواده و نژاد و اجداد

پرنیان: پارچه ابریشمی دارای نقش و نگار، نوعی حریر

شبدر: گیاهی علفی و یک ساله؛ شبدر دوچین؛ شبدری که قابلیت آن را

دارد، دو بار پس از رویدن چیده شده باشد.

طفیلی: منسوب به طفیل، وابسته، آن که وجودش یا حضورش در جایی،

وابسته به وجود کس یا چیز دیگری است؛ میهمان ناخوانده

عدلیه: دادگستری

کمانه: نام کوهی در منطقه ونک از توابع شهرستان سمیرم استان اصفهان



درک و دریافت

۱- نویسنده در این متن، از زبان طنز بهره گرفته است؛ دو نمونه از آن در متن بیابید.

پ: پدرم مرد مهمتی نبود، اشتباهاً تبعید شد. مادرم هم زن مهمتی نبود. او هم اشتباهاً تبعید شد. دار و ندار ما هم اشتباهاً به دست حضرات دولتی و ملتی به یغما رفت.

پس از عزیمت رضا شاه که قبلاً رضاخان بود و بعداً هم رضاخان شد همه تبعیدی ها را شدند.

۲- با توجه به جمله زیر:

« نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی! »

الف) چرا نویسنده با خواندن نامه برادر خود، داستان تاریخی امیر سامانی را به یاد می آورد؟

پ: نامه برادر همان قدر بر من تأثیر گذاشت که شعر و موسیقی رودکی بر پادشاه سامانی. (رودکی برای بازگرداندن امیر نصر سامانی به بخارا، به شعر و موسیقی متوسل شد و موفق شد نظر امیر را تغییر دهد)

ب) اشاره به شعر و چنگ رودکی، بیانگر کدام ویژگی «شعر» است؟

پ: اثر اعجاب انگیز شعر با موسیقی

املا: تموز (ماه اول تابستان) - غرفه (اتاق) - حوزه (مکان) - منقلب (دگرگون) - برخاسته (مبعوث شده) - صخره (سنگ سخت) - حلقوم (گلو) -

تلاو (درخشش) - نشئه (لذت) - سموم (باد مهلک) - اهورایی (خدایی) - گشت و گذار (گردش) - اسرا (در شب سیر کردن) - مضمون (مفهوم) -

تکبیره الاحرام (اولین تکبیر نماز) - شیبه (صدای اسب) - قاش (جلوی زین اسب) - بساط (سفره) - حضرات (حاضرین) - یغما (غارت) - بلوط (نوعی

درخت) - زرق و برق (درخشش) - حد و حصر (اندازه) - مباحثات (نازیدن) - عزیمت (رفتن) - ایل و عشیره (قوم) - زلال (روشن) - کهر (نوعی اسب) -

مواهب (بخشش ها) - طفیلی (سربار) - غمخوار (دلسوز) - آمو (نام دریایی است)



فصل شکوفایی

۱۰

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو	امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو
معنی: ای دوست اگر غم، برگ و بار من و تو را سوزاند نگران نباش چراکه بوی بهار (پیروزی بر ظلم، آزادی، انقلاب) به مشام می رسد.	
آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد	غیر از شب آیا چه می دید، چشمان تار من و تو؟
معنی: در ایران قبل از انقلاب که همه جا پر از غم و درد بود چشمان من و تو غیر از ظلم چه چیزی می دید؟	
دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ	امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو
معنی: قبل از انقلاب در غربی وطن پر از حسرت بودم اما امروز خورشید پیروزی در دشت طلوع کرده که همه جای وطن تجلی حضور ما خواهد بود.	
غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران	صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو
معنی: پر از غبار و غربت (پراکندگی) هستیم نیاز به بارانی داریم و جویباران (وحدت) بسیاری منتظر ماست.	
این فصل فصل من و دوست فصل شکوفایی ما	برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو
معنی: این دوره، فصل شکوفایی من و دوست که به انتظار بهار بوده ایم. برخیز همراه گل نغمه سرایی کنیم که بهار من و تو می آید.	
با این نسیم سحر خیز، برخیز اگر جان سپردیم	در باغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو
معنی: همراه با این نسیم سحرگاهی همراه شو. اگر در این راه هم مردمی هراسی نیست. ای دوست، گل به یادگار از من و تو خواهد ماند.	
چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم	من میروم سوی دریا، جای قرار من و تو
معنی: مانند رود که امید رسیدن به دریا را دارد من نیز امید رسیدن به دریا (وحدت) را دارم.	



برزخ: حد فاصل میان دو چیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت یا دوزخ، فاصله بین دنیا و آخرت

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- در متن درس واژه ای بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد. **پ:** غریب: بیگانه = قریب: نزدیک

۲- انواع «و» (ربط، عطف) را در بیت آخر مشخص کنید.

«چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو»

پ: ربط (بین دو جمله) / عطف (بین دو واژه)

۳- در متن درس کدام گروه های اسمی در نقش مفعول به کار رفته اند؟

پ: اگر سوخت غم برگ و بار... (برگ و بار: مفعول) / غیر از شب آیا چه می دید (چه: مفعول) / برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو (بهار: مفعول)

قلمرو ادبی

۴- در متن درس، برای کاربرد هر یک از آرایه های «تشخیص» و «تشبیه» دو نمونه بیابید.

پ: تشخیص: امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو / تشبیه: چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم

۵- در بیت زیر «برزخ سرد» و «شب» نماد چه مفاهیمی هستند؟

آن جا در این برزخ سرد در کوجه های غم و درد / غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو

پ: برزخ سرد: دوران قبل از انقلاب / شب: ظلم

قلمرو فکری

۱- مقصود نهایی شاعر از مصراع دوم بیت زیر چیست؟

چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو **پ:** حرکت به سوی اتحاد برای پیروزی، انقلاب

۲- توضیح دهید بیت زیر با فصل ادبیات انقلاب اسلامی چه مناسبت و پیوندی دارد؟

دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو

پ: مقایسه شرایط قبل و بعد انقلاب اسلامی و این که انقلاب اسلامی مانند خورشیدی جلوه گری می کند.

۳- در باره ارتباط موضوعی هر یک از سروده های زیر با متن درس توضیح دهید.

(الف) ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تبه نام و گفتار پاک

پ: با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

مفهوم مشترک: جاودانگی نام نیک و نام شهدا

(ب) ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه! / من گل به دست می دهم، من با آب و دانه... / می کارمت در چشم ها گل نقش امید / می بارمت بر دیده ها باران خورشید.

پ: * این فصل فصل من و توست فصل شکوفایی ما

* دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ

مفهوم مشترک: امید و پیروزی

گنج حکمت - تیرانا!

تو نیز تیرانا! گشاده دستی و کرامت را از درختان میوه دار بیاموز و از بوستان و پالیز که به هر بهار و سراپا شکوفه باشی

تیرانا! بخشش و بزرگواری را از درختان میوه دار بیاموز و از بوستان و باغ که در هر فصل بهار پر از شکوفه باشی...

نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دست های کریم تو میوه ای چند شیرین ایثار کند.

که نه فقط پاسخ هر مهربانی را با مهر که پاسخ هر ضربه سنگی (نامهربانی) را هم با چند میوه شیرین بدهی.

همینم از آفریدگار، سپاسگزاری بس که بدین سعادت رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم

تیرانا! سپاسگزار خدای بزرگ هستم که این سعادت را به من عطا کرده است که با تعریف مردم از آزادی ام مغرور نشوم.

زخمه: ضربه، ضربه زدن

داعیه: ادعا

گشاده دستی: بخشندگی، سخاوت

چشم داشت: انتظار و توقع امری از چیزی یا کسی؛

چشم داشتن: منتظر دریافت پاداش یا مزد بودن

املا: غربت (دوری) - سپاسگزاری (تشکر) - زخمه (ضربه) - ایثار (فداکاری) - تبه (تباه و از بین رفته) - غمین (ناراحت)



گفتید: از شامۀ قوی شما تشخیص بوی حمله غریب نیست.

معنی: گفتید تشخیص بوی حمله به وسیله حس بویایی قوی شما عجیب نیست.

سجده بهترین حالتی بود که می توانست مرا با خاک هم سطح و یکسان کند.

معنی: سجده در برابر خدا بهترین حالتی بود که تواضع مرا نشان می داد.

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

تشر: سخنی که همراه با خشم، خشونت و اعتراض است و معمولاً به **دنج:** ویژگی جای خلوت و آرام و بدون رفت و آمد قصد ترساندن و تهدید کردن کسی گفته می شود.

تعلل: عذر و دلیل آوردن، به تعویق انداختن چیزی یا انجام کاری، **درنگ، اهمال کردن**

جناق / جناغ: استخوان پهن و دراز در جلو قفسه سینه

حزین: غم انگیز

حمایل: نگه دارنده، محافظ حمایل کردن: محافظ قراردادن چیزی برای چیز دیگر

حیثیت: ابرو: ارزش و اعتبار اجتماعی که باعث سربلندی و خوشنامی شخص می شود.

خشاب: جعبه فلزی مخزن گلوله که به اسلحه وصل می شود و گلوله ها پی در پی از آن وارد لوله سلاح می شود.

دیباچه: آغاز و مقدمه هر نوشته می شود؛ ذکر مصیبت و نوحه سرایی

شامه: حس بویایی

شبح: آنچه به صورت سیاهی به نظر می آید، سایه موهوم از کسی یا چیزی

طفره رفتن: خودداری کردن از انجام کاری از روی قصد و با بهانه آوردن، به ویژه خودداری کردن از پاسخ صریح دادن به سؤالی یا کشاندن موضوع به موضوعات دیگر

کلافه: بی تاب و ناراحت به علت فرار گرفتن در وضع آزاردهنده

گردان: واحد نظامی که معمولاً شامل سه گروهان است.

متقاعد: مجاب شده، مجاب، قانع شده؛ متقاعد کردن: مجاب کردن، وادار به قبول امری کردن

مُصیر: اصرار کننده، پافشاری کننده

معبّر: محل عبور، گذرگاه

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- با توجه به متن درس، معنای واژه ها را بنویسید.

پ: معبر: محل عبور، گذرگاه ذله شدن: خسته شدن

۲- ...

۳- ...

۴- برای کاربرد هر یک از ضمایر زیر، جمله ای مناسب از متن درس بیابید؛ سپس مرجع ضمیرها را مشخص کنید.

پ: ضمیر پیوسته (م-ت-ش-مان-تان-شان) ضمیر گسسته (من-تو-او-ما-شما-ایشان) مرجع ضمیر: اسمی که ضمیر جای آن را می گیرد.

*من می خواستم دستورتان را اطاعت کنم

قلمرو ادبی

۱- با توجه به متن درس:

الف) دو «کنایه» بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید. **پ:** *قدم از قدم برداشتن (حرکت کردن) / دل گرم شدن (امیدوار شدن)

ب- یک نمونه حس آمیزی مشخص کنید. **پ:** *صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود هضم می کرد. (صدای خشک)

قلمرو فکری

۱- سروده های زیر را از نظر محتوا بررسی کنید و درباره ارتباط هر یک از آن ها با متن درس به اختصار توضیح دهید.

الف) کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت با زخم نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

پ: کسی مانند تو راه پاکبازی را طی نکرده و با زخم، نشانه (مدال) سرفرازی را نگرفته است.

بیت دوم: پیش از این ای دلاور، هیچ کس مانند تو این چنین شگفت و دیدنی، آبروی مرگ را به مسخره نگرفت (از مرگ و شهادت نمی هراسی).

ب) برای وصف میدان های پُر مین برای وصف خال و زلف چین چین

نه در شیراز و نه در شهر گنجه «نظامی» می شوم در «قصر شیرین»



پ: توصیف میدان‌های رزم در جنگ عراق و استقبال عاشقانه از خطرات

«صدایی که می آمد حزین ترین و عاشقانه ترین لحنی بود که در عمرم شنیده بودم. دعای کمیل می خواندید، از حفظ هم؛ پیدا بود که از حفظ می خوانید، آنجا که شما نشسته بودید، جای برافروختن روشنی نبود مگر چقدر فاصله بود تا نیروهای دشمن»

۲- سروده زیر با کدام قسمت از متن درس مناسبت دارد؟

هر سال چو نوبهار خرم ؛ بیدار شود ز خواب نوشین
تا باز کند به روی عالم دیباچه خاطرات شیرین
از لاله دهد به سبزه زیور ای دوست، مرا به خاطر آور!

پ: ارتباط با : و حالا دلخوشی‌ام به این است که هر روز صبح با این یک پا و دو عصا به اینجا بیایم. گرد قاب عکستان را پاک کنم. سنگتان را بشویم، گلذانتان را آب بدهم و خاطراتم را با شما مرور بکنم. هر روز چیزهای بیشتری از آن شب عزیز یادم می‌آید. به همین زنده‌ام آقا!

شعر حفظ خورشید شامگاه

آه این سر بریده ماه است در پگاه	یا نه! سر بریده خورشید شامگاه؟
معنی: آه! آیا این سر بریده ماه (شهید حججی) است که صبح طلوع کرده است یا خورشید خونین است در هنگام غروب؟	
خورشید بی‌حفاظ نشسته به روی خاک	یا ماه بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟
معنی: گویی پیکر شهید چون خورشید، عیناً روی خاک قرار گرفته است و یا ماه بدون ملاحظه، زیبایی خود را به نمایش گذاشته است.	
ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود	خورشید رفته است سر شب سراغ ماه
معنی: در صبح زود (زام شهادت شهید حججی) ماه (سر شهید حججی) به دیدن خورشید آمده و یا خورشید که در تاریکی شب به سراغ ماه رفته	
حسن شهادت از همه حسنی فراتر است	ای محسن شهید من، ای حسن بی‌گناه
معنی: زیبایی شهادت از هر زیبایی بالاتر است، ای محسن شهید من، ای شهید زیبا و پاک من	
ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد	یوسف، بگو که هیچ نیاید برون ز چاه
معنی: می ترسم یوسف که خود نماد زیبایی است، با دیدن تو، از زیبایی خویش شرمند شده شود؛ پس ای یوسف، خود را آشکار نکن.	
شاهد نیاز نیست که در محضر آورند	در دادگاه عشق رگ گردنت گواه
معنی: نیازی به حضور شاهد و گواه نیست؛ زیرا در دادگاه عشق، رگ گردن تو، خود گواهی خواهد داد که در راه عشق شهید شده‌ای.	
دارد اسارت تو به زینب اشارتی	از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟
معنی: اسارت تو یادآور اسارت حضرت زینب (س) است که به سر بریده برادرش خیره شده بود، تو به چه چیزی چشم دوخته‌ای؟	
از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک؟	ای مسلم شرف، به کجا می‌کنی نگاه
معنی: از فاصله دور کدام قاصد می‌آید؟ ای شهیدی که مانند مسلم بن عقیل حافظ شرافتی به کجا نگاه می‌کنی؟	
لبریز زندگی است نفس‌های آخرت	آورده مرگ گرم به آغوش تو پناه
معنی: نفس‌های آخر تو، پایان کار تو نیست بلکه شروع زندگی است، مرگ به تو پناه آورده است تا پایان کار نباشد و از شهادت تو، زندگی بگیرد.	
یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است	ای روضه مجسم گودال قتلگاه
معنی: تو زنده کننده شکوه حادثه کربلایی، تو تجسم بخش گودالی هستی که سر مبارک امام حسین (ع) در آن قرار داشت.	



واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

شرف: بزرگواری، حرمت و اعتباری که از رعایت کردن ارزش های اخلاقی به وجود می آید.
مجسم: به صورت جسم درآمده، تجسم یافته
محضر: دفتر خانه، دادگاه
مسلم: پیرو دین اسلام

بی حفاظ: بدون حصار و نرده؛ آنچه اطراف آن را حصار نگرفته باشد.

پگاه: صبح زود، هنگام سحر

روضه: آنچه در مراسم سوگواری اهل بیت پیغمبر و به ویژه در مراسم سوگواری امام حسین (ع) خوانده می شود.

درک و دریافت

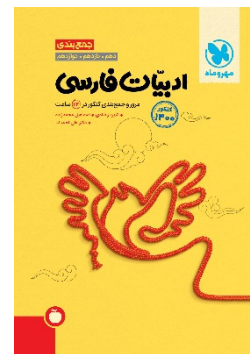
۱- ...

۲- با توجه به متن شعر خوانی به پرسش های زیر پاسخ دهید.

الف) در بیت های ششم تا هشتم (بیت های زیر) شاعر به کدام ویژگی های شهید محسن حججی اشاره دارد؟ شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق رگ گردنت گواه دارد اسارت تو به زینب اشارتی / از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟ از دوردست می رسد آیا کدام پیک؟ / ای مسلم شرف، به کجا می کنی نگاه؟

پ: اسارت، غیرت، شرافت و نهراسیدن از مرگ (شجاعت)، ایمان و عشق

املا: مُصَرِّ (پافشاری کننده) - تل (تپه) - حمایل کردن (آویزان کردن) - قابل عرض (شایسته گفتن) - طفره رفتن (سستی کردن) - متقاعد کردن (قانع کردن) - شبیح (سایه) - جثه (اندام) - حزین (غمناک) - بی امان (بی رحم) - مهیب (ترسناک) - هضم (گوارش) - محوطه (فضا و حیاط) - رمق (توان) - ذله (خسته) - جناق / جناغ (استخوان قفسه سینه) - بی ملاحظه (تسنجیده) - روضه (باغ)



برشی از صدها گفت و گوی
 پر از مهر و دل گرم کننده
 با همکارانی صاحب نظر
 در جای جای ایران عزیز



سیاوش فرزند کاووس، شاه خیره سر کیانی است که پس از تولد، رستم او را به زابل برده .رسم پهلوانی، فرهیختگی و رزم و بزم به او می آموزد . در بازگشت، سودابه، همسر کاووس شاه به سیاوش دل می بندد اما او که آزر و حیا و پاکدامنی و عفاف آموخته است، تن به گناه نمی سپارد و به همین دلیل از جانب سودابه متهم می شود.

چنین گفت موبد به شاه جهان	که درد سپهبد نماند نهان
معنی: روحانی مشاور به کیکاووس چنین گفت: که این ناراحتی تو پنهان نخواهد ماند (نمی توان این رسوایی را پنهان کرد).	
چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی	بباید زدن سنگ را بر سبوی
معنی: اگر می خواهی به حقیقت برسی، باید آن ها (سودابه و سیاوش) را مورد آزمایش قرار دهی.	
که هر چند فرزند، هست ارجمند	دل شاه از اندیشه یابد گزند
معنی: هر چند فرزند، عزیز است و متهم کردن او دشوار، اما اگر حقیقت روشن نشود خاطر شاه از این بدگمانی آزردن خواهد شد.	
و زین دختر شاه هاموران	پُر اندیشه گشتی به دیگر کران
معنی: و از طرف دیگر برای دختر شاه هاموران (سودابه) نگران شده ای	
ز هر در سخن چون بدین گونه گشت	بر آتش یکی را بباید گذشت
معنی: هر وقت سخن این گونه شود (تصمیم گیری مشکل شود) یک نفر باید برای اثبات بی گناهی از درون آتش بگذرد.	
چنین است سوگند چرخ بلند	که بر بی گناهان نیاید گزند
معنی: روش تشخیص گناهکاران این گونه است و افراد بی گناه آسیبی نخواهند دید.	
جهاندار، سودابه را پیش خواند	همی با سیاوش به گفتن نشانند
معنی: کیکاووس سودابه را احضار کرد و با سیاوش رو در رو کرد.	
سر انجام گفت ایمن از هر دوان	نه گردد مرا دل، نه روشن روان
معنی: عاقبت کیکاووس گفت، من از شما دو نفر مطمئن نیستم و خیالم هم آسوده نیست.	
مگر کاتش تیز پیدا کند	گنه کرده را زود رسوا کند
معنی: شاید که آتش سوزان حقیقت را روشن کند و فرد گناهکار را هر چه سریع تر بی آبرو کند.	
چنین پاسخ آورد سودابه پیش	که من راست گویم به گفتار خویش
معنی: این چنین سودابه پاسخ داد که حرف های من عین حقیقت است.	
به پور جوان گفت شاه زمین	که رایت چه بیند کنون اندرین؟
معنی: کیکاووس (پادشاه جهان) به پسر جوان گفت که نظر تو در این باره (گذر از آتش برای اثبات بی گناهی) چیست؟	
سیاوش چنین گفت کای شهریار	که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار
معنی: سیاوش این چنین گفت: ای پادشاه، آتش جهنم هم برای من در مقابل این تهمت، بی ارزش شده است.	
اگر کوه آتش بود بسپر	ازین تنگ خوار است اگر بگذرم
معنی: اگر آتش مانند کوهی هم باشد، از آن عبور می کنم و اگر قرار باشد از این تنگ آتش بگذرم برای من آسان است.	
پر اندیشه شد جان کاووس کی	ز فرزند و سودابه نیک پی
معنی: روح کیکاووس برای فرزندش و سودابه اصیل و نیک نژاد آزردن شد (او برای فرزند و همسرش، بسیار نگران شد).	



کزین دو یکی گر شود نابه کار	از آن پس که خواند مرا شهریار؟
معنی: اگر از این دو نفر (سودابه و سیاوش) یکی گناهکار باشد، دیگر هیچ کس مرا پادشاه به حساب نمی آورد.	
همان به کزین زشت کردار، دل	بشویم کنم چاره دل گسل
معنی: همان بهتر است که از این کار زشت خیال خود را آسوده کنم و برای این موضوع آزردهنده چاره ای بیندیشم.	
به دستور فرمود تا ساروان	هیون آرد از دشت، صد کاروان
معنی: به وزیر فرمان داد تا به رئیس کاروان (ساربان) بگوید که صد کاروان شتر قوی جثه به دشت بیاورد. (برای حمل هیزم)	
نهادند بر دشت هیزم دو کوه	جهانی نظاره شده هم گروه
معنی: در دشت و صحرا دو کوه هیزم قرار دادند و عده زیادی برای دیدن، جمع شدند.	
بدان گاه سوگند پرمايه شاه	چنین بود آیین و این بود راه
معنی: در آن زمان، روش شاه پر قدرت برای تشخیص گناهکاران این گونه بود و به جز این راهی وجود نداشت.	
وز آن پس به موبد بفرمود شاه	که بر چوب ریزند نفت سیاه
معنی: بعد از آن به روحانی مشاور دستور داد که بر روی هیزمها، نفت سیاه بریزند.	
بیامد دو صد مرد آتش فروز	دمیدند گفתי شب آمد به روز
معنی: دویست مرد آتش افروزنده آمدند و آتش را روشن کردند و بر اثر دود هیزمها گویی روز مثل شب تاریک شد.	
نخستین دمیدن سیه شد ز دود	زبانہ بر آمد پس از دود، زود
معنی: با دمیدن به هیزمها همه جا بر اثر دود، سیاه شد (همه جا تاریک شد) و بلافاصله آتش شعله کشید.	
سراسر همه دشت بریان شدند	بر آن چهر خندانش گریان شدند
معنی: همه مردمی که در دشت حضور داشتند غمگین شدند و برای چهره خندان سیاوش گریه کردند.	
سیاوش بیامد به پیش پدر	یکی خود زرین نهاده به سر
معنی: سیاوش به پیش پدر خود (کیکاووس) آمد، در حالی که کلاه خود زرین بر سر خود نهاده بود.	
هشیوار و با جامه های سپید	لبی پر ز خنده دلی پر امید
معنی: سیاوش آماده و سر حال، در حالی که لباس های سفید پوشیده بود، می خندید و نسبت به اثبات بی گناهی اش امیدوار بود.	
یکی تازی ای برنشسته سیاه	همی خاک نعلش بر آمد به ماه
معنی: (سیاوش) بر اسب عربی سیاهی سوار شده بود که بسیار سریع حرکت می کرد.	
پراگنده کافور بر خویشتن	چنان چون بود رسم و ساز کفن
معنی: (سیاوش) کافور بر روی خود پاشیده بود، همان گونه که رسم است بر روی مرده کافور می پاشند.	
بدان گه که شد پیش کاووس باز	فرود آمد از باره، بردش نماز
معنی: زمانی که سیاوش دوباره به پیش کیکاووس رفت، از اسب پایین آمد و به کیکاووس تعظیم کرد.	
رخ شاه کاووس پر شرم دید	سخن گفتنش با پسر نرم دید
معنی: (سیاوش) چهره کیکاووس را پر از شرم و خجالت دید و احساس کرد که او چه قدر مهربانانه با پسر سخن می گوید.	
سیاوش بدو گفت انده مدار	کزین سان بود گردش روزگار
معنی: سیاوش به کیکاووس گفت غمگین نباش، چرا که بازی روزگار همین گونه است.	
سر پر ز شرم و بهایی مراست	اگر بی گناهم رهایی مراست
معنی: با تمام وجود احساس شرم می کنم اما وجودم ارزشمند (بی گناه) است و چنان چه ثابت کنم که بی گناهم، آزاد می شوم.	



ور ایدون که زین کار هستم گناه	جهان آفرینم ندارد نگاه
معنی: و اگر این چنین که می گویند گناهکار باشم، خداوند مرا محافظت نخواهد کرد.	
به نیروی یزدان نیکی دهش	کزین کوه آتش نیابم تپش
معنی: با اتکا به قدرت پروردگار بخشنده، از این آتش مانند کوه دچار اضطراب و ترس نمی شوم.	
سیاوش سیه را به تندی بتاخت	نشد تنگدل جنگ آتش بساخت
معنی: سیاوش اسب سیاهش را با شتاب به حرکت درآورد، ناامید نشد و خود را برای مبارزه با آتش آماده کرد.	
ز هر سو زبانه همی برکشید	کسی خود و اسپ سیاوش ندید
معنی: از هر سو آتش شعله می کشید تا حدی که هیچ کس کلاه خود و اسب سیاوش را نمی دید.	
یکی دشت با دیدگان پر ز خون	که تا او کی آید ز آتش برون
معنی: مردمی که در دشت بودند با اندوه فراوان منتظر بودند تا ببینند سیاوش چه وقت از آتش بیرون می آید.	
چو او را بدیدند برخاست غو	که آمد ز آتش برون شاه نو
معنی: هنگامی که مردم سیاوش را دیدند که از آتش بیرون آمد فریاد زدند که: شاه جوان از درون آتش (سربلند) بیرون آمد.	
چنان آمد اسپ و قبابی سوار	که گفتی سمن داشت اندر کنار
معنی: آن چنان اسب و لباس سیاوش سالم از آتش بیرون آمد که گمان می کردی از کنار گل های یاسمن عبور کرده است.	
چو بخشایش پاک یزدان بود	دم آتش و آب یکسان بود
معنی: وقتی که رحمت خداوند پاک، همراه کسی باشد، حرارت آتش برای او مثل آب قابل تحمل می شود.	
چو از کوه آتش به هامون گذشت	خروشیدن آمد ز شهر و ز دشت
معنی: وقتی از درون کوهی از آتش به دشت آمد، مردم شهر و دشت فریاد شادی سر دادند.	
همی داد مژده یکی را دگر	که بخشود بر بی گنه دادگر
معنی: هر کس به دیگری مژده می داد، که خداوند عادل، فرد بی گناهی را مورد رحمت قرار داد.	
همی کند سودابه از خشم موی	همی ریخت آب و همی خست روی
معنی: سودابه از خشم موی خود را می کند، گریه می کرد و صورت خود را زخمی می کرد.	
چو پیش پدر شد سیاوش پاک	نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک
معنی: وقتی سیاوش بی گناه به حضور پدر رفت، نشانی از دود و آتش و گرد و خاک در او نبود (آسیبی ندیده بود).	
فرود آمد از اسپ کاووس شاه	پیاده سپهید پیاده سپاه
معنی: کیکاووس از اسب پیاده شد و همزمان با او سپاهیان هم از اسب پیاده شدند.	
سیاوش را تنگ در برگرفت	ز کردار بد پوزش اندر گرفت
معنی: [کیکاووس] سیاوش را محکم در آغوش گرفت و از کار بد خود عذرخواهی کرد.	

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

آزرم: شرم، حیا	سپردن: طی کردن، پیمودن
اندیشه: اندوه، ترس، اضطراب، فکر	سمن: نوعی درخت گل، یاسمن
ایمن: در امن، دل آسوده	شبیخون: حمله ناگهانی دشمن در شب
بریان: در لغت کباب شده و پخته شده بر آتش، مجازاً ناراحت و مضطرب؛ بریان شدن: غمگین و ناراحت شدن، در سوز و گداز بودن	عفاف: رعایت اصول اخلاقی، پرهیز کاری، پارسایی
پرمایه: گران مایه، پرشکوه؛ مایه: قدرت، توانایی	فرهینگی: فرهیخته بودن، فرهیخته: برخوردار از سطح والایی از دانش، معرفت یا فرهنگ
تازی: آسیبی از نژاد عربی با گردن کشیده و پاهای باریک	موبد: روحانی زرتشتی، مجازاً مشاور
تپش: اضطراب ناشی از گرمی و حرارت، گرمی و حرارت	نماز بردن: تعظیم کردن، عمل سر فرود آوردن در مقابل کسی برای تعظیم
خستن: زخمی کردن، مجروح کردن	نیک پی: خوش قدم
خود: کلاه خود	نیکی دهش: نیکی کننده
خیره سر: گستاخ و بی شرم، لجوج	هشیوار: هوشیار، هوشیارانه، آگاهانه
دستور: وزیر، مشاور	هیون: شتر، به ویژه شتر قوی هیکل و درشت اندام
سبو: کوزه، ظرف معمولاً دسته دار از سفال یا جنس دیگر برای حمل یا نگه داشتن مایعات	

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی



به دو روش زیر، می توان به معنای هر واژه پی برد:
* قرار دادن واژه در جمله * توجه به روابط معنایی واژگان (ترادف-تضاد-تناسب-تضمن)

- ۱- اکنون بنویسید با کدام یک از روش های بالا می توان به معنای واژه (اندیشه) در بیت های زیر پی برد؟
الف) چو شب تیره گردد، شبیخون کنیم زدل ترس و اندیشه بیرون کنیم **پ:** روابط معنایی واژگان (ترادف: اندیشه با ترس)
ب) غلام عشق شو کاندیشه این است همه صاحب دلان را پیشه این است **پ:** قرار دادن در جمله (اندیشه: فکر)
ج) چو بشنید خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت **پ:** روابط معنایی واژگان (اندیشه: غم که با شادی تضاد دارد)

- ۲- بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید.
سرانجام گفت ایمن از هر دوان نه گردد مرا دل، نه روشن روان
پ: [کیکاووس] سرانجام گفت از هر دوان نه دل من ایمن گردد و نه روانم روشن گردد.



پ: **سازگاری:** فعل هایی که در کاربردهای مختلف، معنی آن ها متفاوت است:

- پ:**
ساختن: بنا کردن، سازگاری کردن، نواختن، نوازش کردن
گذشتن: عبور کردن، بخشودن، صرف نظر کردن
گرفتن: دریافت کردن، پنداشتن، بازخواست، فرض کردن، پوشانیدن

قلمرو ادبی

- ۱- کنایه را در بیت های زیر مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.
الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی بیاید زدن سنگ را بر سبو
پ: سنگ را بر سبو زدن: آزمایش کردن
ب) سیاوش سیه را به تندی بتاخت نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت
پ: تنگ دل: غمگین، ناامید جنگ آتش ساختن: از آتش عبور کردن
۲- دو نمونه «مجاز» را در متن درس بیابید و مفهوم آن ها را بررسی کنید.
پ: سر پر ز شرم و بهایی مراست اگر بی گناهم رهایی مراست = سر: وجود
سیاوش سیه را به تندی بتاخت نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت = سیه: اسب سیاه



۳- برای هر یک از زمینه‌های حماسه، بیت متناسب از متن درس بیابید.

آموزشگاه زمین‌های حماسه: داستانی، قهرمانی، ملی، خرق عادت (داستان قهرمان ملی خرق عادت است)

پ: قهرمانی: سیاوش سیه را به تندی بتاخت نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت

خرق عادت: چنان آمد اسپ و قسبای سوار که گفتی سمن داشت اندر کنار
نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک چو پیش، پدر شد سیاوش پاک

ملی: چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند
مگر کاتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند

قلمرو فکری ■

۱- ...

۲- «گذر سیاوش از آتش» را با مضمون بیت زیر مقایسه کنید.

آتش ابراهیم را نبود زبان هر که نمرودی است، گو می‌ترس از آن

پ: مفهوم مشترک: همیشه انسان‌های نیک در پناه خدا هستند حتی درون آتش، بر عکس انسان‌های ظالم و بد

۳- نخست برای هر نمونه، بیتی مرتبط در متن درس بیابید؛ سپس مفهوم مشترک ابیات هر ستون را بنویسید.

مفهوم مشترک	بیت متن درس	بیت
پ: تسلیم در برابر سرنوشت	سیاوش بدو گفت اندوه مدار کزین سان بود گردش روزگار	ضربت گردون دون، آزادگان را خسته کرد کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست
پ: ترجیح مرگ به زندگی ننگین	سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار	گریز از کفش در دهان نهنگ که مردن به از زندگانی به ننگ

گنج حکمت- به جوانمردی کوش

یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند.

معنی: از یک پادشاه ایرانی حکایت می‌کنند که مال مردم را غارت می‌کرد و آن‌ها را آزار می‌داد تا حدی که مردم بر اثر حيله‌گری‌ها و ظلم او مردند و یا از غم و سختی ستم وی ترک وطن کردند.

چون رعیت کم شد، ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت و خزانه تهی ماند و دشمنان زور آوردند.

معنی: وقتی که تعداد کشاورزان و مردم کم شد، درآمدهای حکومت هم کاهش پیدا کرد و خزانه خالی شد و دشمنان حمله کردند.

هر که فریادرس روز مصیبت خواهد	گو در ایام سلامت به جوانمردی کوش
معنی: هر کس می‌خواهد در روز گرفتاری کسی به او کمک کند باید در زمان آسودگی به دیگران کمک کند.	
بنده حلقه به گوش ار ننوازی برود	لطفکن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش
معنی: اگر کسی که به تو خدمت می‌کند مورد لطف قرار ندهی از تو دور خواهد شد، در حق انسان‌هایی که به تو خدمت می‌کنند لطف کن تا به دامان بیگانه‌ها پناه نبرند.	

باری به مجلس او در، کتاب شاهنامه همی‌خواندند در زوال مملکت ضحاک و عهد فریدون؛ وزیر، ملک را پرسید: «هیچ توان

دانستن که فریدون که گنج و ملک و خشم نداشت، چگونه بر او مملکت مقرر شد؟»

معنی: یک بار در حضور او شاهنامه می‌خواندند که درباره ناپودی حکومت ضحاک و روزگار فریدون؛ وزیر از پادشاه پرسید که آیا می‌دانید فریدونی

که ثروت و زمین و خدمه نداشت چگونه توانست پادشاه شود؟



گفت: آن چنان که شنیدی خلقی بر او به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت.» گفت: ای ملک چون گرد آمدن خلق موجب پادشاهی است، تو مر خلق را پریشان برای چه می کنی؟ مگر سر پادشاهی کردن نداری؟»

معنی: گفت: همان گونه که می دانی عده ای به حمایت او اقدام کردند و قدرت گرفت و پادشاه شد. (وزیر) گفت: ای پادشاه وقتی که حمایت مردم عامل قدرت پادشاهی است به چه علت مردم را از خود دور می کنی؟ مگر قصد نداری پادشاه بمانی؟

ملک گفت: «موجب گرد آمدن سپاه و رعیت چه باشد؟» گفت: «پادشاه را کرم باید تا برو گرد آید و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشیند و تو را این هر دو نیست»

معنی: پادشاه گفت: علت جمع شدن سپاه و مردم چیست؟ وزیر گفت: پادشاه باید بخشنده باشد تا مردم از او حمایت کنند و در پناه حکومتش آسوده باشند در حالی که تو این دو ویژگی را نداری.

نکند جور پیشه سلطانی	که نیاید ز گرگ چوپانی
معنی: انسان ظالم نمی تواند حکومت کند، مانند گرگی که نمی تواند چوپانی کند.	
پادشاهی که طرح ظلم افکند	پای دیوار ملک خویش بکند
معنی: پادشاهی که خودش بنیان ظلم را می نهد در واقع حکومت خود را از بین می برد.	

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

ارتفاع: محصول زمین های زراعتی؛ ارتفاع ولایت؛ عایدات و درآمدهای مملکت	نقصان: کم شدن، کاهش یافتن
تطاول: ستم و تعدی، به زور به چیزی دست پیدا کردن	ولایت: کشور، سرزمین
حلقه به گوش: کنایه از فرمانبردار و مطیع	تعصّب: طرفداری یا دشمنی بیش از حد نسبت به شخص، گروه یا امری؛ به تعصّب: به حمایت و جانب داری
عجم: سرزمینی که ساکنان آن غیر عرب، به ویژه ایرانی باشند، ایران؛ ملوک عجم: پادشاهان ایران	حشم: خدمتکاران، خویشان و زیردستان فرمانروا
غربت: غریبی، دوری از خانمان	زوال: نابودی، از بین رفتن
فریادرس: یاور، دستگیر	مقرر شدن: قرار گرفتن، ثبات و دوام یافتن
کربت: غم، اندوه؛ کربت جور: اندوه حاصل از ظلم و ستم	نواختن: کسی را با گفتن سخنان محبت آمیز یا بخشیدن چیزی مورد محبت قرار دادن
مکاید: ج مکیده یا مکیدت؛ کیدها، مکرها، حيله ها	طرح افکندن: کنایه از بنانهادن؛ طرح ظلم افکندن: سبب پیدایش و گسترش ظلم شدن، بنیان ظلم نهادن
ملک: پادشاه، سلطان	

املا: زابل (شهری در سیستان) - آزر (شهر) - عفاف (پاک) - خوار (بی ارزش، آسان) - هیون (شتر) - تپش (اضطراب) - برخاست غو (فریاد بلند شد) - قبا (لباس) - سمن (گل یا سمن) - رصدخانه (جایی که در آن به نگاه کردن ستارگان می پردازند) - خرق عادت (معجزه) - عجم (غیر عرب) - تطاول (درازدستی) - نقصان (ضعف و کاستی) - زوال (نابودی) - حشم (خدمتکاران)



هان، داشتم می‌گفتم، آن شب نیز سورتِ سرمایِ دی بیدادها می‌کرد. / و چه سرمایی، چه سرمایی! / باذ برف و سوز وحشتناک

معنی: داشتم می‌گفتم، شدت سرمای زمستان زیاد بود و عجب سرمایی بود، طوفان برف و باد بود و سرمای وحشتناک.

لیک آخر، سرپناهی یافتم جایی / گرچه بیرون تیره بود و سرد، هم‌چون ترس، / قهوه‌خانه گرم و روشن بود، هم‌چون شرم...

معنی: قهوه‌خانه‌ها در قدیم محلّ شاهنامه‌خوانی و نقلی بوده‌اند ضمن این که منظور شاعر از «بیرون» فضای پر از ظلم و وحشت است.

همگنان را خون گرمی بود. / قهوه‌خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین پیغام، راستی کانون گرمی بود.

معنی: حاضرین با مهر و محبت بودند، قهوه‌خانه گرم و نورانی بود، حرف‌های مرد نقال جذاب و شنیدنی بود، به‌راستی محفل لذت‌بخشی بود.

همگنان خاموش، / گرد بر گردش، به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش

معنی: همه ساکت بودند و در اطراف نقال مانند صدف که دور مروارید را می‌گیرد، ایستاده بودند و با تمام وجود به حرف‌های او گوش می‌کردند.

«هفت خوان را ز ادسرو مرو، یا به قولی «ماخ‌سالار» آن گرامی مرد / آن هریوه خوب و پاک‌آیین - روایت کرد؛ / خوان هشتم

را / من روایت می‌کنم اکنون، ... / من که نامم ماث»

معنی: هفت‌خوان را «آزادسرو سیستانی» یا به قولی دیگر «ماخ‌سالار» آن مرد گرامی، آن هراتی خوب و پاک‌آیین، روایت کرد؛ خوان هشتم (مرگ

رستم) را من روایت می‌کنم اکنون، من که نامم مهدی اخوان ثالث است.

هم‌چنان می‌رفت و می‌آمد. هم‌چنان می‌گفت و می‌گفت و قدم می‌زد / «قصه است این، قصه، آری قصه درد است، شعر

نیست / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ - هم‌چون پوچ - عالی نیست

معنی: خوان هشتم وسیله سنجش دوستی و دشمنی مرد و نامرد از یک‌دیگر است. / بی‌ارزش نیست و یا این که فقط شعر خوبی باشد. / و به هیچ

وجه هم چیز پوچی نیست که ظاهری عالی داشته باشد.

این گلیم تیره بختی‌هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش‌ها، / روکش تابوت تختی‌هاست...»

معنی: این (کشته شدن رستم) مانند گلیمی، بدبختی‌ها و هم‌چنین خون داغ و تازه‌ی افراد مظلومی مانند سهراب و سیاوش و تختی را نشان می‌دهد.

اندکی ایستاد و خامش ماند / پس هماوای خروش خشم، / با صدایی مرتعش، لحنی رجزمانند و دردآلود، خواند: آه،

معنی: لحظه‌ای ایستاد و ساکت شد سپس همراه با فریاد و در حالی که صدایش می‌لرزید با صدایی پر از فخر گفت: آه،

دیگر اکنون آن، عماد تکیه و امید ایرانشهر، / شیرمرد عرصه ناوردهای هول، / پور زال زر، جهان پهلوی، / آن خداوند و

سوار رخس بی‌مانند،

معنی: دیگر اکنون آن تکیه‌گاه و امیدمردم ایران، مرد شجاع جنگ‌های ترسناک، پسر زال سپیدمو، جهان‌پهلوان، آن صاحب و سوار رخس بی‌مانند،

آن‌که هرگز - چون کلید گنج مروارید - گم نمی‌شد از لبش لبخند، / خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و

خورده بهر کین سوگند

معنی: آن کسی که هرگز لبخند مانند کلید گنج مروارید از لبانش محو نمی‌شد، چه روز صلح و پیمان دوستی و چه هنگام جنگ و دشمنی

آری اکنون شیر ایران‌شهر / تهمتن گرد سجستانی / کوه کوهان، مرد مردستان / رستم دستان،

معنی: آری اکنون شیرمرد ایران، رستم قوی‌هیکل، پهلوان سیستان، استوارترین کوه‌ها، شجاع‌ترین مردها، رستم پسر دستان...

در تگ تاریک ژرف چاه پهناور، کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر،

معنی: در ته چاه تاریک عمیق پهناور، که در کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر کاشته بودند...

چاه غدر ناجوان‌مردان چاه پستان، چاه بی‌دردان، / چاه چوانان ژرفی و پهنایش، بی‌شرمیش ناباور / و غم‌انگیز و شگفت‌آور،

معنی: چاهی که خیانت انسان‌های ناجوان‌مرد را نشان می‌دهد، چاه افراد پست، چاه انسان‌های بی‌غیرت چاهی که بی‌شرمی سازندگانش مانند

عق و پهنایش، ناباورانه و غم‌انگیز و شگفت‌آور بود.

آری اکنون تهمتن با رخس غیرت‌مند، / در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود

معنی: آری اکنون رستم با رخس غیرت‌مند خود در ته این چاهی که به‌جای آب، بُرندگی شمشیر و نیزه داشت سقوط کرده بود.

پهلوان هفت خوان، اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود / و می‌اندیشید که نبایستی بگوید هیچ / بس که بی‌شرمانه

و پست است این تزویر / چشم را باید ببندد، تا نبیند هیچ...

معنی: رستم (پهلوانی که از هفت خوان عبور کرده بود) اکنون در خوان هشتم گرفتار شده بود و با خود فکر می‌کرد که حرفی برای گفتن ندارد

از بس که نیرنگ (شغاد) بی‌شرمانه و پست است. چشم‌های خود را باید ببندد تا چیزی نبیند...



بعد چندی که گشودش چشم / رخس خود را دید /

بس که خونش رفته بود از تن، بس که زهر زخمها کاریش / گویی از تن حسن و هوشش رفته بود و داشت می‌خوابید.
معنی: بعد از مدتی که چشم خود را گشود رخس را دید که از بس خون از تن او رفته بود و از بس که زخم‌های کشنده و مؤثری به او وارد شده بود گمان می‌کردی حسن و هوش ندارد و در حال مردن است.

او / از تن خود - بس بتر از رخس - / بی‌خبر بود و نبودش اعتنا با خویش. / رخس را می‌دید و می‌پایید.

معنی: (رستم) از وضعیت وخیم خود که از رخس هم بدتر بود خبر نداشت و اصلاً توجهی به خودش نداشت. رخس را نگاه می‌کرد و به او خیره شده بود. رخس، آن طاق عزیز، آن تایی بی‌همتا / رخس رخسندده / با هزاران یادهای روشن و زنده ...

معنی: رخس، آن یگانه عزیز، آن اسب یکتای بی‌مثل و مانند، رخس تابان، با هزاران خاطره خوب و به یادماندنی

گفت در دل: «رخس! طفلک رخس! / آه!» / این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد.

معنی: (رستم) با خودش گفت: «رخس! طفلک رخس! آه!» شاید این نخستین باری بود که رستم نمی‌خندید.

... شغاد، آن نابرد بود / که درون چه نگه می‌کرد و می‌خندید / و صدای شوم و نامردانه‌اش در چاهسار گوش می‌پیچید...
معنی: ناگهان انگار بر لب آن چاه سایه‌ی کسی را دید، او شغاد برادر ناتنی رستم بود که درون چاه را نگاه می‌کرد و می‌خندید و صدای شوم و نامردانه او در درون گوش طنین‌انداز می‌شد.

اقا... وای! / دید، / رخس زیبا، رخس غیرت‌مند / رخس بی‌مانند، / با هزارش یادبود خوب، خوابیده است

معنی: دوباره چشم رستم به رخس افتاد - اقا... وای! دید، رخس زیبا، رخس باغیرت، رخس بی‌مثل و مانند، با هزاران خاطره‌ی خویش، مرده است. آن‌چنان که راستی گویی / آن هزاران یادبود خوب را در خواب می‌دیده است...

معنی: آن‌چنان که واقعاً گمان می‌کردی (رستم) آن‌همه، خاطره خوب را در خواب دیده است.

بعد از آن تا مدتی، تا دیر، / یال و رویش را / هی نوازش کرد، هی بویید، هی بوسید، / رو به یال و چشم او مالید... /
مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید

معنی: بعد از آن تا مدتی طولانی یال و روی رخس را هی نوازش کرد، هی بویید، هی بوسید، روی خود را به یال و چشم رخس مالید... صدای مرد نقال پر از ناله و شیون بود.

و نگاهش مثل خنجر بود: / «و نشست آرام، یال رخس در دستش، / باز با آن آخرین اندیشه‌ها سرگرم / جنگ بود این یا شکار؟ آیا / میزبانی بود یا تزویر؟

معنی: نگاه رستم مانند خنجر برنده و تیز بود: و آرام نشست، موهای گردن رخس در دستش، دوباره با آن فکرهای قبلی درگیر بود که: این اتفاق، جنگ بود یا شکار؟ تفریح و مهمانی بود یا دورویی؟

قصه می‌گوید که بی‌شک می‌توانست او اگر می‌خواست / که شغاد نابرد را بدوزد - هم‌چنان که دوخت - / با کمان و تیر
/ بر درختی که به زیرش ایستاده بود / و بر آن بر تکیه داده بود / و درون چه نگه می‌کرد

معنی: قصه می‌گوید که قطعاً رستم اگر می‌خواست که شغاد ناجوان‌مرد را بدوزد (هم‌چنان که دوخت) با کمان و تیر بر درختی که به زیرش ایستاده بود و به آن تکیه داده بود و درون چاه را نگاه می‌کرد.

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

مرادف: مترادف، هم‌ردیف

مرتعش: دارای ارتعاش، لرزنده

منتشا: نوعی عصا که از چوب گره دار ساخته می‌شود و معمولاً درویشان

و قلندران به دست می‌گیرند برگرفته از نام «منتشا» (نام یک شهر)

ناورد: نبرد

هریوه: هروی، منسوب به هرات (شهری در افغانستان)

هول: وحشت‌انگیز، ترسناک

رجز: شعری که در میدان جنگ برای مفاخره می‌خوانند

زخم کاری: ضربه مؤثر یا زخمی که موجب مرگ می‌شود.

سورت: تند و تیزی، حدت و شدت

ضجه: ناله و فریاد با صدای بلند، شیون

طاق: فرد، یکتا، بی‌همتا

عماد: تکیه‌گاه، نگاه دارنده؛ آنچه بتوان بر آن (او) تکیه کرد.

عیار: ابزار و مبنای سنجش، معیار



کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱- متضاد واژه‌های مشخص شده را در متن درس بیابید.
باید به داوری بنشینیم / شوق رقابتی است / در بین واژه‌ها و عبارات‌ها / و هر کدام می‌خواهند معنای صلح را مرادف اول باشند. صلح: کین
با اهل فنا دارد هر کس سر یکرنگی باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد یکرنگی: تزویر
- ۲- ...
- ۳- در متن زیر، گروه‌های اسمی و وابسته‌های پیشین و پسین را مشخص کنید.
«رخش زیبا، رخس غیرتمند / رخس بی‌مانند، با هزارش یادبود خوب خوابیده است.»
هسته صفت هسته صفت هسته صفت هسته صفت

قلمرو ادبی

- ۱- کدام نوع لحن برای خوانش متن درس مناسب است؟ پ: حماسی-روایی
- ۲- در این سروده «رستم» و «شغاد» نماد چه کسانی هستند؟ پ: رستم: قهرمان شجاع ملی / شغاد: انسان‌های تزویرگر و ناجوانمرد
- ۳- قسمت‌های زیر را از دید آرایه‌های ادبی بررسی کنید.
الف) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد.
پ: کلید گنج مروارید (استعاره از لیخند) / مروارید (استعاره از دندان) / گنج (استعاره از دهان)
ب) همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید.
پ: تشبیه (همگنان مانند صدف و مرد نقال مانند مروارید) / مراعات نظیر: صدف و مروارید / واج‌آرایی (ر)
پ) پهلوان هفت خوان، اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود.
پ: اضافه استعاری: دهان خوان هشتم / طعمه بودن: کنایه از گرفتار بودن / تشبیه: پهلوان هفت خوان مانند طعمه در دام خوان هشتم بود

قلمرو فکری

- ۱- مقصود نقال از «قصه درد» چیست؟ پ: داستان کشته شدن رستم به دست شغاد
- ۲- در باره مناسب موضوعی متن درس با بیت زیر توضیح دهید.
«یوسف به این رها شدن از چاه دل میند این بار می‌برند تا زندانی‌ات کنند»
پ: رستم بعد از رها کردن کیکاووس از هفت خوان، اسیر ناجوانمردی برادر خود می‌شود، مانند حضرت یوسف که از چاه بیرون آورده شد اما سختی‌های بسیاری را بعد از آن تحمل کرد از جمله تهمت زلیخا و زندان رفتن...
- شعرخوانی - ای میهن

تنبیده یاد تو، در تار و پودم، میهن، ای میهن!	بود لبریز از عشقت، وجودم، میهن، ای میهن!
معنی: یاد تو ای میهن در تمام وجود نهفته است و با تمام وجود به تو عشق می‌ورزم	
اگر مستم اگر هوشیار اگر خوابم اگر بیدار	به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن
معنی: چه مست باشم و چه هوشیار و چه خواب یا بیدار، در هر حالی تو را می‌پرستم.	
به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید	من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن
معنی: درون دل من که هم‌چون دشتی است فقط زیبایی تو که مانند گیاهی است می‌روید. من این سرزمین زیبا را بارها آزمایش کرده‌ام	

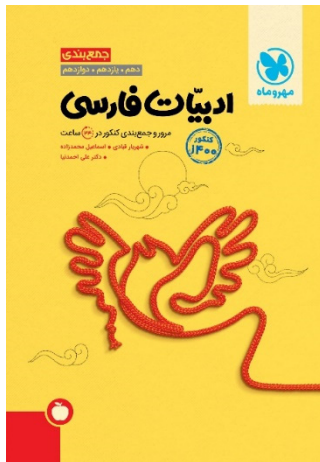
واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

تنیده: درهم بافته

املا: سورت (شدت) - منتشا (نوعی عصا) - خوان (مرحله) - هریوه (اهل هرات) - عیار (ارزش) - محض (خالص) - جز (شعر جنگی) - هول (ترس) - زال (زرد رستم) - تزویر (ریا) - طاق (یگانه) - شغاد (برادر رستم) - ضجه (فریاد و زاری) - شصت (عدد) - تنیده (بافته)



هفت وادی عشق



ترتیب وادی	نام وادی	رمز	ویژگی‌ها
اول	طلب	ط	بی‌تعلقی، رنج‌های فراوان
دوم	عشق	ع	مثل آتش بودن و غرق آتش عشق شدن
سوم	معرفت	م	آگاه‌شدن و به ارزش و حقیقت خود پی‌بردن
چهارم	استغنا	اس	گذشتن از همه‌چیز و بی‌اعتنایی به بهشت و جهنم
پنجم	توحید	تو	به وحدت و یگانگی رسیدن
ششم	حیرت	حی	در تحیر و حسرت ماندن
هفتم	فنا	فن	با معشوق یکی شدن
← طعم استوحیفن			

مجمعی کردند مرغان جهان	آنچه بودند آشکارا و نهان
معنی: مرغان جهان، شناخته و ناشناخته در مجمعی گرد هم آمدند.	
جمله گفتند این زمان در روزگار	نیست خالی هیچ شهر از شهریار
معنی: همه مرغان گفتند که در این دوره و روزگار هیچ سرزمینی بدون پادشاه نیست (همه پادشاه دارند).	
چون بود کافلیم ما را شاه نیست؟	بیش از این بی شاه بودن راه نیست
معنی: چگونه است که سرزمین ما شاه ندارد، درست نیست که بیشتر از این بدون پادشاه بمانیم.	

شیرمردی باید این ره را شگرف	زانک ره دور است و دریا ژرف ژرف
معنی: برای پیمودن این راه، مردی شجاع و قدرتمند لازم است / زیرا این راه، طولانی است و دریا عمیق است.	

گل اگر چه هست بس صاحب‌جمال	حسن او در هفته‌ای گیرد زوال
معنی: اگر چه گل بسیار زیبا است اما زیبایی او زود از بین می‌رود.	

هرکه داند گفت با خورشید راز	کی تواند ماند از یک ذره باز؟
معنی: هرکس که با خورشید (خدا) همدم شود، چگونه می‌تواند به سبب دلبستگی به تعلقات از رسیدن به حق بازماند؟	

بعد از آن مرغان دیگر سر به سر	عذرها گفتند مشتی بی‌خبر
معنی: پس از آن، پرندگان دیگر همگی از روی نادانی بهانه‌هایی آوردند.	

گفت ما را هفت وادی در ره است	چون گذشتی هفت وادی، درگه است
معنی: هدهد گفت: بر سر راه ما هفت بیابان وجود دارد، وقتی از این هفت بیابان گذشتیم، به درگاه سیمرغ خواهیم رسید.	
وا نیامد در جهان زین راه کس	نیست از فرسنگ آن آگاه کس
معنی: هیچ کس در جهان از این راه باز نگشته است و کسی هم از مقدار مسافت این راه آگاهی ندارد.	



وادی اول	
چون فرو آیی به وادی طلب	پیش از آنکه هر زمانی صد تعب
معنی: وقتی که به مرحله طلب برسی هر لحظه با سختی‌های فراوانی رو به رو خواهی شد.	
مال اینجا بایدت انداختن	ملک اینجا بایدت در باختن
معنی: در اینجا (وادی طلب) باید همه دلبستگی‌ها را از خود دور کنی (از دست بدهی)	

وادی دوم	
بعد ازین وادی عشق آید پدید	غرق آتش شد کسی کجا رسید
معنی: بعد از این مرحله (طلب)، وادی عشق پدیدار می‌شود / هر کس که به وادی عشق راه یافت، عشق وجودش را فراگیرد.	
عاشق آن باشد که چون آتش بود	گرم رو، سوزنده و سرکش بود
معنی: عاشق واقعی کسی است که مانند آتش، با اشتیاق و سوزنده و سرکش باشد.	

وادی سوم	
بعد از آن بنماید پیش نظر	معرفت را وادی بی‌پا و سر
معنی: بعد از وادی عشق، وادی معرفت را در نظر تو آشکار می‌کند که انتها ندارد.	
چون بتابد آفتاب معرفت	از سپهر این ره عالی‌صفت
معنی: وقتی که معرفت الهی چون آفتابی از آسمان این راه با قدر و والا بتابد...	
هر یکی بینا شود بر قدر خویش	بازیابد در حقیقت صدر خویش...
معنی: هر کسی به ارزش خود پی می‌برد و مقام حقیقی خود را می‌یابد.	

وادی چهارم	
بعد ازین وادی استغنا بود	نه درو دعوی و نه معنا بود
معنی: مرحله بعد وادی استغناست که در آن ادعا و مقصودی وجود ندارد.	
هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است	هفت دوزخ همچو بیخ افسرده‌ای است
معنی: در این وادی، هشت بهشت مانند مرده‌ای است و هفت جهنم مانند بیخی منجمد است.	

وادی پنجم	
بعد از این وادی توحید آیدت	منزل تفرید و تجرید آیدت
معنی: بعد از این، وادی توحید است که مرحله یکی شدن با معشوق است.	
روها چون زین بیابان درکنند	جمله سر از یک گریبان برگنند
معنی: اگر روندگان این راه از این وادی (توحید) عبور کنند / همه آن‌ها به یگانگی می‌رسند.	



وادی ششم	
بعد ازین وادی حیرت آیدت	کار دایم درد و حسرت آیدت
معنی: وادی بعد، حیرت است که کار تو فقط درد و حسرت است.	
مرد حیران چون رسد این جایگاه	در تحیر مانده و گم کرده راه
معنی: وقتی انسان حیران به این مرحله می‌رسد، سرگردان می‌شود و راه را گم می‌کند.	

وادی هفتم	
بعد ازین وادی فقرست و فنا	کی بود اینجا سخن گفتن روا
معنی: وادی بعد، فقر و فناست که در این مرحله حتی نمی‌توان سخن گفت.	
صد هزاران سایه جاوید، تو	گم شده بینی ز یک خورشید، تو
معنی: در این مرحله، سایه‌های جاویدی را خواهی دید که در نور خورشید وجود حق، گم هستند.	

چون نگه کردند آن سی مرغ زود	بی‌شک این سی مرغ آن سیمرغ بود
معنی: وقتی آن سی پرند به یکدیگر نگاه کردند متوجه شدند که بدون شک خودشان سیمرغی هستند که به دنبال آن بودند.	
خویش را دیدند سیمرغ تمام	بود خود سیمرغ سی مرغ مدام
معنی: خودشان را دیدند که یک سیمرغ کامل هستند و این که سیمرغ در اصل همان سی مرغ است.	
محو او گشتند آخر بر دوام	سایه در خورشید گم شد والسلام
معنی: برای همیشه با او یکی شدند مانند سایه‌ای که در خورشید گم می‌شود (خورشید آن را محو می‌کند)	

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

- استغنا:** بی‌نیازی؛ در اصطلاح، بی‌نیازی سالک از هر چیز جز خدا
- افسرده:** منجمد، سرمازده
- اکناف:** ج کتف، اطراف، کناره‌ها
- تجرید:** در لغت به معنای تنهایی گزیدن؛ ترک گناهان و اعراض از امور دنیوی و تقرب به خداوند؛ در اصطلاح تصوف، خالی شدن قلب سالک از آنچه جز خداست.
- تعب:** رنج و سختی
- تفرید:** دل خود را متوجه حق کردن، دل از علایق بریدن و خواست خود را فدای خواست ازلی کردن، فردش مردن و یگانه دانستن خدا؛ تفرید را عطار در معنی گم شدن عارف در معروف به کار می‌برد؛ یعنی وقتی که در توحید غرق شد، آگاهی از این گمشدگی را گم کند و به فراموشی سپارد.
- دعوی:** ادعا، ادعای خواستن یا داشتن چیزی؛ معنی و دعوی دو مفهوم متقابل و متضادند. معنی، حقیقتی است که نیاز به اثبات ندارد و دعوی لافی است تهی از معنی.
- سروش:** پیام آور، فرشته پیام آور
- شگرف:** قوی، نیرومند
- شیدا:** عاشق، دلداده
- صدر:** طرف بالای مجلس، جایی از اتاق و مانند آن که برای نشستن بزرگان مجلس اختصاص می‌یابد؛ مجازاً ارزش و اعتبار
- گرم‌رو:** مشتاق، به شتاب رونده و چالاک، کوشا
- وادی:** سرزمین، در متن درس مجازاً در معنای «بیابان» کاربرد دارد.



کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱- معنای واژه‌های «قبا»، «تعب» و «تجرید» را با توجه به بیت‌های زیر بنویسید.
- سرو و مهت نخوانم، خوانم، چرا نخوانم؟ هم ماه با کلاهی، هم سرو با قبایی
 در این مقام، طرب بی‌تعب نخواهد دید که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید
 اولاً تجرید شو از هر چه هست وانگهی از خود بشو یکبار دست
- پ: قبا: پوشش، لباس
 پ: تعب: رنج و سختی
 پ: تجرید: ترک تعلقات دنیوی

- ۲- اجزای بیت زیر را طبق زبان معیار مرتب کنید؛ سپس نقش دستوری هر جزء را بنویسید.
- بعد از این وادی حیرت آیدت کار دائم درد و حسرت آیدت

پ: بعد از این (قید)، وادی حیرت (نهاد)، بر تو (متمم)، می‌آید و کار (نهاد)، تو (مضاف‌الیه)، دائم (قید) درد و حسرت (مسنود معطوف به مسند) می‌شود (فعل اسنادی).

- ۳- متن زیر را با توجه به «نقش‌های تبعی» بررسی کنید. پ:
- ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی...
 بدل برای «ما» معطوف بدل برای کوه قاف

قلمرو ادبی

- ۱- با توجه به متن درس، هر یک از پرندگان زیر، نماد چه کسانی هستند؟

پ: بلبل: عاشق پیشه مجازی باز: مردم درباری و جاه‌طلب
 *سایر پرندگان: هدهد: راهبر و راهنماست سیمرغ: ذات باری تعالی قاف: منزلگاه حق طاووس: اهل ظاهر

- ۲- «وجه شبه» را در بیت زیر، مشخص کنید؛ توضیح دهید شاعر برای بیان وجه شبه، از کدام آرایه‌های ادبی دیگر بهره گرفته است؟ «عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم رو، سوزنده و سرکش بود»

پ: وجه شبه: مصراع دوم که دارای آرایه کنایه است (گرم رو، ... سرکش) و ایهام (در مصراع دوم «سرکش» ایهام دارد: تسلیم ناپذیر - زبانه کش)

- ۳- درباره تلمیح به کاررفته در بیت زیر توضیح دهید.

ز نیرنگ هوا و از فریب آرز خاقانی دلت خلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش
 به داستان طاووس در بهشت و همکاری با شیطان برای فریب آدم اشاره می‌کند.

قلمرو فکری

۱- ...

- ۲- بیت زیر با کدام بیت از درس ششم مناسبت دارد؟

شیرمردی باید این ره را شگرف/ زانک ره دور است و دریا ژرف ژرف

پ: نی حدیث راه پر خون می‌کند قصه‌های عشق مجنون می‌کند (سختی‌های را عشق)

- ۳- هر بیت زیر، یادآور کدام وادی از هفت وادی است؟

الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است پ: وادی فقر و فنا

ب) دل چه بندی در این سرای مجاز؟ همت پست کی رسد به فراز؟ پ: وادی طلب

پ) چشم بگشا به گلستان و ببین جلوه آب صاف در گل و خار پ: وادی توحید

- ۴- با توجه به آیه شریفه و سروده زیر، تحلیلی کوتاه از داستان «سی مرغ و سیمرغ» ارائه دهید.

«و فی الأرض آیات للموقنین و فی أنفسکم أفلا تبصرون: و در روی زمین برای اهل یقین، نشانه‌هایی است و در وجود شما [نیز] نشانه‌هایی است. پس چرا نمی‌بینید؟»

ای نسخه نامۀ الهی، که تویی وی آینه جمال شاهی، که تویی بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست در خود بطلب هر آنچه خواهی، که تویی

(الذاریات / آیات ۲۰ و ۲۱)

پ: خودشناسی مقدمه خداشناسی است



گنج حکمت - کلان تر و اولی تر

اشتری و گرگی و روباهی از روی مصاحبت مسافرت کردند و با ایشان از وجه زاد و توشه، گرده ای بیش نبود.
معنی: شتری و گرگی و روباهی دوستانه به سفری رفتند و با آنها از جهت خوراک و آذوغه یک قرص نان بیشتر نبود.

میان ایشان از برای گرده مخاصمت رفت. تا آخر الأمر بر آن قرار گرفت که هر کدام از ایشان به زاد بیشتر، بدین گرده خوردن اولی تر.
معنی: بر سر قرص نان بین آنها درگیری پیش آمد و نهایتاً قرار شد هر کدام که از جهت سنی بزرگتر است برای خوردن قرص نان اولویت دارد.
من آن شب در آن موضع حاضر بودم و شمارا چراغ فرامی داشتیم و مادرت را اعانت می کردم!
معنی: من آن شب در آن محل حضور داشتم و برای شما چراغی بالا نگه داشتم و به مادرت در به دنیا آوردن کمک می کردم.

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

اعانت: یاری دادن، یاری
اولی: شایسته؛ اولی تر؛ شایسته تر (با آنکه «اولیه خود صفت تفضیلی است؛ در گذشته به آن «تر» افزوده اند)
زاد: توشه، خوردنی و آشامیدنی که در سفر همراه می برند .
کلان: دارای سن بیشتر
گرده: قرص نان، نوعی نان
مخاصمت: دشمنی، خصومت
مصاحبت: همنشینی، هم صحبت داشتن
مقالات: ج مقالت، گفتارها، سخنان

املا: هدهد(پرنده) - قاف(نام کوه) - خواستار(خواهنده) - شست(انگشت) - بگذارم(رها کنم) - تعب(رنج) - قدر(ارزش) - استغنا(بی نیازی) - قلیل(اندک) - طرب(شادی) - طاووس(پرنده) - خار(تیغ گیاه) - مصاحبت(همنشینی) - از وجه زاد(از جهت توشه) - مخاصمت(دشمنی) - آخر الامر(عاقبت) - اعانت(یاری) - مقالات(گفته ها)

کباب غاز

۱۶



گفت: تنها همان رتبه های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بمکند.

معنی: گفت همان مقام های رده بالا را دعوت کن و بقیه را فعلاً نادیده بگیر و بگذار انتظار بیهوده بکشند.

به من دخلی ندارد! ماشاء الله هفت قرآن به میان پسرموی خودت است. هر گلی هست به سر خودت بزن

معنی: به من ارتباطی ندارد. بلا به دور، پسرموی خودت است. هر کاری کردی برای خودت کردی.

لات ولوت، آسمان جل و بی دست و پا و پخمه و تابخواهی بدریخت و بدقواره.

معنی: فقیر و بی چیز و ناتوان و ساده و بسیار زشت و بد ترکیب

چنین روز مبارکی صلۀ ارحام نکنی، کی خواهی کرد؟ لهذا صدایش کردم، سرش را خم کرده وارد شد. دیدم ماشاء الله، چشم بد دور، آقا و اترقیده اند؛ قدش درازتر و تک و پوزش کریه تر شده است.

معنی: چنین روز خجسته ای با اقوام احوال پرسی نکنی چه وقت می توانی؟ بنابر این او را صدا کردم... دیدم به خواست خدا و چشم بد از او دور، ایشان تنزل کرده است، قدش بلندتر و سرو صورتش زشت تر شده است.

با حال استیصال پرسیدم: «پس چه خاکی به سرم بریزم»؟

معنی: با حال درماندگی پرسیدم پس چه کار کنم؟

کم کم وقتی درست آن را در زوایا و خفایای خاطر و مخیلة نشخوار کردم معلوم شد آن قدرها هم نامعقول نیست و نباید زیاد سرسری گرفت.

معنی: به تدریج وقتی دقیق آن را در گوشه ها و جاهای پنهان ذهنم مرور کردم، مشخص شد خیلی هم بی ربط نیست و نباید آن را ساده گرفت.

در خوش زبانی و حرفای و شوخی و بذله و لطیفه، نوک جمع را چیده و متکلم وحده و مجلس آرای بلامعارض شده است.

معنی: در خوب صحبت کردن و پرحرفی و شوخی و... همه را وادار به سکوت کرد و تنها سخنگو و بزم آرای بدون رقیب شده است.





یکی از حصار چنان محفوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسیده...
معنی: یکی از حاضرین چنان بهره‌ور شد که جلو رفته و پیشانی شاعر را بوسید...

پنج انگشت دعاگو بر روی صورت گل‌انداخته آقای استادی نقش بست.

معنی: به اثر پنج انگشت راست و کشیده بر روی صورت سرخ شده آقای استادی اثر گذاشت.

در یک چشم به هم‌زدن گوشت و استخوان غاز مادر مرده مانند گوشت و استخوان شتر قربانی در کمرکش دوازده حلقوم و کتل و گردنه یک‌دوجین شکم و روده مراحل مضغ و بلع و هضم و تحلیل را پیموده؛

معنی: در یک فرصت کوتاه گوشت و استخوان غاز بدبخت مثل ... شتر قربانی در سربالایی دوازده حلقوم (نفر) و پشته، و شیب دوازده شکم و روده مراحل جویدن، فروبردن و گوارش و جذب را طی کرد...

به چشم خودم دیدم که غاز گلگونم لخت لخت و قطعه بعد آخری طعمه این جماعت کرکس صفت شده و کآن لم یکن شیئا مذکور ادر گورستان شکم آقایان ناپدید گردید.

معنی: با چشم خودم دیدم که غاز سرخ رنگ من تکه تکه شد و تکه‌های بعد از دیگری غذای این گروه مانند کرکس شده و بدون اینکه چیز قابل ذکری از آن باقی بماند در شکم مهمان‌ها که مانند گورستان بود ناپدید شد (غاز خورده شد)

در همان بحبوحه بخوربخور که منظره فنا و زوال غاز خدایم‌را به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون و شقاوت مردم دون و مکر و فریب جهان پتیاره و وقاحت این مصطفای بدقواره انداخته بود، باز صدای تلفن بلند شد.

معنی: در همان میانه غذا خوردن که منظره نابودی غاز خدا بیامرز مرا به یاد ناپایداری روزگار رنگارنگ و ستمگری مردم پست و حيله جهان زشت و بی‌شرمی این مصطفای بی‌ریخت انداخته بود...

ولی چون تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد، یک بار دیگر به کلام بلندپایه «از ماست که بر ماست» ایمان آوردم و پشت دستم را داغ کردم که تا من باشم دیگر پیرامون ترفیع رتبه نگردم.

معنی: ولی مثل تیری که بعد از رها شدن دیگر باز نمی‌گردد یک بار دیگر به جمله ارزشمند «منشأ همه مشکلات خودمان هستیم» ایمان آوردم و توبه کردم که ...

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

آزگار: زمانی دراز؛ ویژگی آنچه بلند و طولانی به نظر می‌آید.
آسمان جل: کنایه از فقیر، بی چیز، بی خانمان؛ جل: پوشش به معنای مطلق

استشاره: رای زنی، مشورت، نظر خواهی
استیصال: ناچاری، درماندگی

اطوار: رفتار و یا سخنی ناخوشایند و ناهنجار
اعلا: برتر، ممتاز، نفیس، برگزیده از هر چیز

امتناع: خودداری، سر باز زدن از انجام کاری یا قبول کردن سخنی
انضمام: ضمیمه کردن به انضمام؛ به ضمیمه، به همراه

بادی: آغاز (در اصل به معنی آغاز کننده است)
بحبوحه: میان، وسط

بدقواره: آن که یا آنچه ظاهری زشت و نامتناسب دارد؛ بد ترکیب
بذله: شوخی، لطیفه

بقولات: انواع دانه های خوراکی بعضی گیاهان مانند نخود و عدس، حبوبات

بلامعارض: بی رقیب

بلعت: فروبردن، بلعیدن؛ صرف کردن صیغه بلعت: خوردن
پتیاره: زشت و ترسناک

پرت و پلا: بیهوده، بی معنی؛ به این نوع ترکیب‌ها که در آن‌ها لفظ دوم، اغلب بی معنی است و برای تأکید لفظ اول می‌آید، «مرکب

اتباعی» یا «اتباع» می‌گویند.
ترفیع: ارتقا یافتن، رتبه گرفتن

تصنعی: ساختگی

شبان: چوپان

شخیص: بزرگ و ارجمند

شرفیاب شدن: آمدن به نزد شخص محترم و عالی قدر، به حضور شخص

محترمی رسیدن

شش دانگ: به طور کامل، تمام

شکوم: شگون؛ میمنت، خجستگی، چیزی را به فال نیک گرفتن

شیء عجب: اشاره به آیه «ان هذا لشیء عجب» (سوره ص / آیه ۵)؛

معمولاً برای اشاره به امری شگفت به کار می‌رود.

صله ارحام: به دیدار خویشاوندان رفتن و از آنان احوالپرسی کردن

عاریه: آنچه به امانت بگیرند و پس از رفع نیاز آن را پس دهند.

غلیبان: جوشش عواطف و احساسات، شدت هیجان عاطفی

قطعه بعد آخری: تکه ای بعد از تکه دیگر

کاهدان: انبار گاه

کآن لم یکی شیئاً مذکوراً: بخشی از آیه اول سوره دهر است به معنی «

چیزی قابل ذکر نبود» در این داستان یعنی تمام خوراکی‌ها سر به نیست شد.

کباده: وسیله ای کمانی شکل در زورخانه از جنس آهن که در یک طرف

آن رشته ای از زنجیر یا حلقه های آهنی متعدد قرار دارد؛ کباده چیزی را

کشیدن؛ ادعای چیزی داشتن، خواستار چیزی بودن

کتل: پشته، تپه

کلک: آتشدانی از فلز یا سفال؛ کلک چیزی را کندن؛ خوردن یا نابود کردن

چیزی

لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته ای باریک



- تک و پوز:** دک و پوز، به طنز، ظاهر شخص به ویژه سروصورت
- تنوشه:** لوله سفالین یا سیمانی کوتاه که در زیر خاک یا میان دیوار می گذارند تا آب از آن عبور کند .
- جبهه:** پیشانی
- جبر:** نوعی چرم دباغی شده با سطح نرم و پرزدار که در تهیه لباس، کفش، کیف و مانند آن‌ها به کار می‌رود .
- چلمن:** آن که زودفرب می خورد، هالو؛ بی عرضه، دست و پا چلفتی
- حضار:** آنان که در جایی یا مجلسی حضور دارند؛ حضران
- حلقوم:** حلق و گلو
- خرت و پرت:** مجموعه‌ای از اشیا، وسایل و خرده ریزهای کم ارزش
- خرخره:** گلو، حلقوم
- خورد رفتن:** ساییده شدن و از بین رفتن
- خمره:** ظرفی به شکل خم و کوچک تر از آن
- خفا یا بج خفیه، مخفیگاه:** در خفایای ذهن: در جاهای پنهان ذهن
- خوش مشربی:** خوش مشرب بودن؛ خوش معاشرتی و خوش صحبتی
- درزی:** خیاط
- دوری:** بشقاب گرد بزرگ معمولاً با لبه کوتاه
- دیلاق:** دراز و لاغر
- سرسرا:** محوطه ای سقف دار در داخل خانه ها که در ورودی ساختمان به آن باز می شود و از آنجا به اتاق ها یا قسمت‌های دیگر می روند. (امروزه سرسرا را فرهنگستان به جای واژه بیگانه «هال» و همچنین واژه بیگانه «لابی» به تصویب رسانده است.)
- ماسیدن:** کنایه از به انجام رسیدن، به ثمر رسیدن
- ما يتعلق به:** آنچه بدان وابسته است.
- مایختوی:** آنچه درون چیزی است.
- متفرعات:** شاخه ها، شعبه ها (در متن به معنی متعلقات به کار رفته است)
- متکلم وحده:** آن که در جمعی تنها کسی باشد که سخن می گوید.
- مجلس آرا:** آن که با حضور خود سبب رونق مجلس و شادی یا سرگرمی حاضران آن می شود؛ بزم آرا
- محظور:** مانع و مجازاً گرفتاری و مشکل؛ در محظور گیر کردن: گرفتاری پیدا کردن، در مقابل امر ناخوشایند قرار گرفتن (املائی این واژه به صورت محذور نیز آمده است)
- محظوظ:** بهره ور
- مخلفات:** چیزهایی که به یک ماده خوردنی اضافه می شود یا به عنوان چاشنی و مزه در کنار آن قرار می گیرد.
- مضغ:** جویدن
- معهود:** عهدشده، شناخته شده، معمول
- معوج:** کج
- نامعقول:** آنچه از روی عقل نیست؛ برخلاف عقل
- واتر قیدن:** تنزل کردن، پس روی کردن
- وجنات:** صورت، چهره
- ولیمه:** طعامی که در مهمانی و عروسی می دهند.
- هم قطار:** هر یک از دو یا چند نفری که از نظر درجه، رتبه و یا موقعیت اجتماعی در یک ردیف هستند.
- هویدا:** روشن، آشکار

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- مترادف واژه‌های زیر را بنویسید.

پ: معهود: معمول. / بحبوحه: گیرودار، حین / وجنات: عارض، عذار
۲- ...

۳- در عبارت زیر، «مفعول» و «مسند» را مشخص کنید.

پ: «آثار شادی در وجناتش نمودار گردید.» گفتم: «چرا نمی‌آیی بنشینی؟»
مسند مفعول



کارگاه زبانی حرف ربط یا پیوند از نظر کاربرد، دو گونه است:

الف) پیوندهای وابسته ساز: حروفی که در یک جمله «مرکب» همراه با جمله‌های وابسته به کار می‌روند.
* پیوندهای وابسته ساز پر کاربرد: که، چون، تا، اگر، زیرا، همین که، گرچه، با این که، تا این که

همه حضار یک صدا تصدیق کردند که تخلصی بس بجاست.
جمله هسته وابسته ساز جمله وابسته

ب) پیوندهای هم‌پایه ساز: بین دو جمله هم‌پایه به کار می‌روند. (خبری از جمله هسته و وابسته نیست)
رتبه‌های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش

جمله هم‌پایه هم‌پایه ساز جمله هم‌پایه
* پیوندهای هم‌پایه ساز پر کاربرد: اما، ولی، و، یا

قلمرو ادبی

۱- مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

پ: پشت دست داغ کردن (پشیمان شدن، عبرت گرفتن) / سماق مکیدن (انتظار بیهوده کشیدن) / چندمرده حلاج بودن: (توانایی و عرضه داشتن)

۲- کدام ویژگی‌های نثر نویسنده، بر تأثیرگذاری داستان او افزوده است؟

پ: استفاده از مثل‌ها و تعبیرات و کنایه‌های عامیانه، شیوه بیان طنز



مهر و ماه

قلمرو فکری ■

۱- نویسنده در داستان «کیاب غاز» کدام رفتار فردی و اجتماعی را مورد انتقاد قرار داده است؟

پ: سپردن کارهای مهم به افرادی که توان انجام آن کار را ندارند.

۲- از متن درس، مثلاً متناسب با هر یک از این سروده‌های سعدی بیابید و مقصود اصلی آن‌ها را بیان کنید.

الف- گلّه ما را گله از گرگ نیست کاین همه بیداد شـ بان می کند

پ: از ماست که برماست= منشأ مشکلات ما عملکرد خود ماست

ب- سخن گفته دگر باز نیاید به دهن اول اندی شه کند مرد که عاقل با شد

پ: تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد = از دست دادن فرصت

روان خوانی - ارمیا

و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی

معنی: و تیر را پرتاب کردی چه پرتاب کردنی در حالی که خدا تیر را پرتاب کرد.

ز یزدان دان نه از ارگان که کوتاه دیدگی باشد که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی

معنی: همه چیز را از خدا بدان نه از عناصر اربعه، چراکه کوتاه فکری است که خطی را که عقل فرمان ترسیم می‌دهد، تو گمان می‌کنی انگشت ترسیم کرده است.

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

برجک: سازه چرخانی که روی تانک قرار دارد و به کمک آن می توان جهت شلیک توپ را تغییر داد.

پای شدن: در امری اصرار ورزیدن

تصدیق: تأیید کردن درستی حرف یا عملی، گواهی دادن به صحت امری

تیربار: سلاح خودکار آتشین، سنگین تر و بزرگ تر از مسلسل دستی که به وسیله نوار فشنگ تغذیه می شود؛ مسلسل سنگین

سکندری: حالت انسان که بر اثر برخورد با مانع، کنترل خود را از دست بدهد و ممکن است به زمین بیفتد؛ سکندری خوردن: حالت سکندری برای کسی پیش آمدن

علمه: آن که درباره رشته ای از معارف بشری دانش و آگاهی بسیار دارد. **کلاشینکف:** سلاحی در انواع خودکار و نیمه خودکار، دارای دستگاه نشانه روی مکانیکی و دو نوع قنداق ثابت و تاشو؛ برگرفته از نام اسلحه ساز روسی.

کُنده: تنه بریده شده درخت که شاخ و برگ آن قطع شده است؛ هیزم

املا: آزارگار (طولانی) - عاریه (قرضی) - معهود (عهدشده) - دیلاق (بلندقامت) - م سرور و م شعوف (شادمان) - بدقواره (بی ریخت) - صلّه ارحام (رسیدگی به اطرافیان) - لهندا (از این جهت) - کریه (زشت) - استیصال (درماندگی) - قدغن (ممنوع) - بچه قنداقی (نوزاد) - سر دماغ آمدن (سرحال شدن) - سوغات (هدیه) - معوج (خمیده) - غیر مترقبه (ناگهانی) - ابا (خودداری) - اهتمام (همت ورزیدن) - قالب (کالبد) - ازل (زمان بی آغاز) - وقار (شکوه) - تذکار (یادآوری) - قصور (کوتاهی) - بذله (شوخی) - بلا معارض (بدون رقیب) - قلنبه (ناهنجار) - فغان (فریاد) - محظوظ (بهره‌ور) - مألوف (انس گرفته) - اثنا (میان) - عمارت (ساختمان) - غاز فریه (غاز چاق) - مائده (غذا) - مریض (بیمار) - محظور (گرفتاری) - ساطور (کارپهن) - آلوی برغان (نوعی آلو) - مضغ (جویدن) - بحبوحه (میانه) - بقولات (حبوبات) - زوال (نابودی) - وقاحت (بی شرمی) - نثار کردن (پراکندن) - اداو اطوار (ناز و عشوه) - غلیان (هیجان) - انضمام (پیوستگی) - مبهوت (حیران)



از پس نبردی سخت باز می‌گردم/ با چشمانی خسته / که دنیا را دیده است/ بی هیچ دگرگونی، اما خنده ات که رها می‌شود/ و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید/ تمامی درهای زندگی را/ به رویم می‌گشاید.
معنی: من از نبردی سخت باز می‌گردم با وجودی خسته و دنیایی تجربه بدون هیچ تحولی/ با این حال ، وقتی می‌خندی و این خنده به سوی من می‌آید به زندگی امیدوار می‌شوم
عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکند
معنی: عشق من ، خنده تو در اوج ناامیدی مرا امید و انگیزه می‌دهد.

و اگر دیدی به ناگاه خون من / بر سنگ فرش خیابان تجاری است/ بخند؛ زیرا خنده تو برای دستان من شمشیری است آخته
معنی: در هنگام مرگ من نیز بخند؛ خنده تو برای من مانند شمشیری است که من با آن بر دشواری‌ها غلبه می‌کنم.
خنده ات را می‌خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم، / گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می‌خواند.
معنی: من نیز هنگام بهار منتظر شکوفایی خنده تو هستم، خنده تو که در پرچم کشورم با دو گل آبی و سرخ (دو نوار آبی و سرخ) نقش بسته است .
نان را، هوارا، روشنی را، بهار را، از من بگیر / اما خنده ات را هرگز / تا چشم از دنیا نبندم
معنی: نان را... از من بگیر اما خنده‌ات را نگیر چرا که بدون خنده‌ات می‌میرم

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

دستاورد: نتیجه، پیامد، حاصل آنچه با تلاش به دست آید.

آخته: بیرون کشیده، برکشیده

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- برای واژه «آخته» دو معادل معنایی بنویسید. پ: آبیخته، برکشیده

آموزشکر در زبان فارسی «ان» یکی از نشانه‌های جمع است مانند کاربرد «ان» در کلمه «یاران»، اما کلماتی که با «ان» همراه اند، گاه بر مفهوم جمع دلالت نمی‌کنند.

پ: سحرگاهان (هنگام سحر) / دیلمان (مکان دیلم‌ها، مکان زندگی مردم دیلم) / کوهان (کوهان شتر: مانند کوه) کاویان (منسوب به کاوه) / خاوهان (صفت فاعلی) / بهاران: (زمان: هنگام بهار) / بابکان: (نسبی: منسوب به بابک) / خاوران: (مکان، سرزمین خاور) / خندان: (صفت فاعلی)

قلمرو ادبی

۱- این بخش از سروده «پابلو نرودا» را از نظر کاربرد «نماد» بررسی کنید.

«نان را از من بگیر اگر می‌خواهی، / هوا را از من بگیر، / اما خنده‌ات را نه. / گل سرخ را از من بگیر.»

پ: «نان و هوا» نماد زندگی / «گل سرخ» نماد عشق

۲- در این قسمت از متن درس، شاعر از کدام آرایه‌های ادبی بهره گرفته است؟

«... اما خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید.»

پ: خنده‌ات که... درها را به رویم می‌گشاید (استعاره کنایی: تشخیص) / درهای زندگی (اضافه استعاری) / در زندگی را به روی کسی گشودن (کنایه از امیدوار کردن به زندگی)

قلمرو فکری

۲- متن درس را با مفهوم سروده زیر مقایسه کنید.

پ: مفهوم مشترک: توصیه به شادمانی

و زین خوشتر نباشد در جهان پند
لب خندان بیاور چون لب جام
که دستاورد بی رنجی ست شادی
که باشد شادمانی را سزاوار
به هر سو رو کنی لبخند بینی
به هر حالت تبسم کن، تبسم

چه خوش فرمود آن پیر خردمند
اگر خونین دلی از جور ایام
به پیش اهل دل، گنجی ست شادی
به آن کس می‌رسد زین گنج بسیار
چون گل هر جا که لبخند آفرینی
مشو در پیچ و تاب رنج و غم گم



گنج حکمت - مسافر

دلهم می خواهد بر بال های باد بنشینم و آنچه را که پروردگار جهان پدید آورده، زیر پا گذارم تا مگر روزی به پایان این دریای بی کران رسم و بدان سرزمین که خداوند سرحد جهان خلقتش قرار داده است، فرود آییم.... اما بدین حد اکتفا نمی کنم و همچنان بالاتر می روم.

معنی: کمال طلبی و به دنبال کشف اسرار هستی بودن

ای فکر دور پرواز من، بال های عقاب آسایت را از پرواز بازدار و تو ای کشتی تندرو خیال من، همین جا نگر انداز؛ زیرا برای تو بیش از این اجازه سفر نیست.

معنی: ای فکر من که به دورها پرواز می کنی، بال های مثل عقابت را از پرواز کردن نگاهدار و تو ای خیال من که مثل کشتی تندرو هستی همین جا بمان زیرا بیشتر از این اجازه و توان رفتن و دانستن نداری.

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

دی حیات: دارای حیات، زنده، جاندار سرحد: مرز، کرانه غایی: منسوب به غایت، نهایی

املا: آخته (آماده) - تبسم (لبخند) - غایی (نهایی) - دی حیات (موجود زنده) - زیر پا گذارم (نادیده بگیرم) - مسافر رهگذر (مسافر در حال عبور)

عشق جاودانی

۱۸



آیا چیزی در مخیله آدمی می گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد، / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟
معنی: آیا در تصور انسانی چیزی می تواند وجود داشته باشد که قلم قادر به نوشتن آن باشد و من آن را برای تو ننوشته باشم؟
چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن؟ که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟
معنی: چه حرف تازه ای برای گفتن یا نوشتن وجود دارد که بتواند عشق مرا نسبت به تو و همچنین خوبی های تو را بیان کند؟
هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم، و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم» که تو از آن منی، و من از آن تو» درست...
معنی: هر روز... با گفتن این سخنکه من، عشق را از قدیم بودن خارج می کنم سپری می کنم.
و نه اهمیتی به چین و شکن های ناگزیر سالخوردگی می دهد، بلکه همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند
معنی: ... و نه اهمیتی به پیری و کهنسالی می دهد بلکه همیشه عشق آغازین و قدیمی را موضوع کتاب و نامه خود قرار می دهد.
یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب کز هر زبان که می شنوم نامکرر است
معنی: غم عشق یک داستان مشخص دارد و عجیب است که این داستان را از هر کس می شنوم برایم تازه و غیر تکراری است.

واژه نامه درسی زیر واژه های مهم خط کشیدیم

سجایا: ج سجیه، خواه، خلق ها و خصلت ها صحیفه: کتاب مخیله: خیال، قوه تخیل، ذهن



کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- واژه «صحیفه» را از نظر کارکرد معنایی بررسی کنید. **پ:** صحیفه: کتاب، کتاب کوچک، ورق کتاب، نامه، روزنامه.

۲- متن درس را از نظر «حذف فعل» بررسی کنید و نوع حذف‌ها را بنویسید.

پ: چه حرف تازه ای برای نوشتن [مانده است] = حذف به قرینه لفظی: نو من از آن تو [هستم] حذف به قرینه معنوی

قلمرو ادبی

۱- دو نمونه آرایه «تشخیص» در متن درس بیابید.

پ: جان صادق من را برای تو ترسیم نکرده باشد/ عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می بیند

۲- در متن، نمونه‌ای از استفهام انکاری مشخص کنید.

پ: چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟

قلمرو فکری

۱- شکسپیر برای عشق جاودانی، چه ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد؟

پ: همواره معشوق را جوان دیدن، توجه به احساس اولیه عشق

۲- در سطرهای زیر بر چه نکته‌ای تاکید شده است؟

«چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن که / بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را باز گو کند.»

پ: بی کرانگی عشق و خوبی‌های معشوق

۳- مضمون بیت زیر از کدام بخش از سروده شکسپیر قابل دریافت است؟

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است

پ: «هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آن چه را قدیمی است قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو / درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.»

روان خوانی - آخرین درس

واژه نامه درسی زیر واژه‌های مهم خط کشیدیم

ابهت: بزرگی و شکوه که سبب احترام یا ترس دیگران می شود.

اعلان: آشکار کردن چیزی و باخبر ساختن مردم از آن

اهتمام: کوشش، سعی، همت گماشتن؛ اتمام ورزیدن در کاری:

همت گماشتن به انجام دادن آن

بیشه: زمینی که در آن به طور طبیعی گیاهان خودرو و درخت

روبیده باشد.

تسکین: آرامش، آرام کردن

تناور: دارای پیکر بزرگ و قوی

جلی: ویژگی خطی که درشت و واضح باشد و از دور دیده شود.

عتاب: سرزنش، ملامت، تندی

غرس: نشاندن و کاشتن درخت و گیاه

کتابت: نوشتن، تحریر، خوشنویسی

کفایت: کافی، بسنده

متنبه شدن: به زستی عمل خود پی بردن و پندگرفتن

معمر: سالخورده

املا: سجا یا (خوبی‌ها) - صحیفه (کتاب) - عتاب (خشم) - اعلان (آگهی) - رعب‌انگیز (ترسناک) - ابهت (شکوه) - متأثر (ناراحت) - خدمت

گزاری (انجام خدمت) - مستغرق (فرو رونده) - متنبه (آگاه) - وامی گذارم (رها می‌کنم) - مغلوب و مقهور (شکست خورده) - اهتزاز (جنبیدن) -

غرس (کاشتن) - معمر (سالخورده) -



الهی سینه‌ای ده آتش افروز	در آن سینه دلی وان دل همه سوز
معنی: خداوندا وجودی عاشق به من ببخش و در آن، دلی سرشار از سوز عشق قرار بده	
هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست	دل افسرده، غیر از آب و گل نیست
معنی: دلی که بهره‌ای از عشق ندارد، دل نیست؛ زیرا دلی که عشق ندارد، بی ارزش است.	
کرامت کن درونی درد پرورد	دلی در وی درون درد و برون درد
معنی: خدایا به من روح و باطنی عاشق ببخش و دلی سرشار از عشق و غم عشق	
به سوزی ده کلامم را روایی	کز آن گرمی‌کند آتش گدایی
معنی: خداوندا سخنم را با سوز عشق خود، آن چنان اعتباری و حرارتی ببخش؛ که آتش، حرارت را از سخن من گدایی کند)	
دلَم را داغ عشقی بر جبین نه	زبانم را بیانی آتشین ده
معنی: خداوندا مرا عاشق کن و به من قدرتی بده که همیشه سخن عاشقانه بگویم	
ندارد راه فکرم روشنایی	ز لطف پرتوی دارم گدایی
معنی: خداوندا فکر من آگاه نیست (عقلم ناتوان است) از سر لطف به من آگاهی و توانایی ببخش	
اگر لطف تو نبود (نب ود) پرتو انداز	کجا فکر و کجا گنجینه راز؟
معنی: اگر لطف تو شامل حال ما نشود از اندیشه و معرفت خبری نخواهد بود.	

تاریخ ادبیات جامع کتاب

نام اثر	مؤلف		
گلستان	سعدی	دری به خانه خورشید	سلمان هراتی
ترجمه کلیده و دمنه	نصرالله منشی	تیرانا	محمد رضا رحمانی (مهرداد اوستا)
روایت سنگسازان	عیسی سلمانی لطف آبادی	ساتناماریا (مجموعه آثار)	سید مهدی شجاعی
دماوندیه	محمد تقی بهار	شاهنامه	فردوسی
قصه شیرین فرهاد	احمد عربلو	در حیاط کوچک پاییز در زندان	اخوان ثالث
مثنوی معنوی	مولوی	منطق الطیر	عطار نیشابوری
فیه ما فیه	مولوی	سندبادنامه	ظهیری سمرقندی
فی حقیقه العشق	شهاب‌الدین سهروردی	کباب غاز	محمد علی جمالزاده
تمهیدات	عین‌القضات همدانی	ارمیا	رضا امیر خانی
مثل درخت، در شب باران	محمد رضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)	هوا را از من بگیر، خندهات را نه!	پابلو نرودا
از پاریز تا پاریس	محمد ابراهیم باستانی پاریزی	مسافر	یوهان کریستف فریدریش شیلر
تذکره الاولیا	عطار	غزلواره (عشق جاودان)	شکسپیر
کویر	علی شریعتی	قصه‌های دوشنبه	آلفونس دوده (ترجمه زرین کوب)
بخارای من ایل من	محمد بهمن بیگی		

۲۰ گاه آرایه‌های ادبی و قالب‌های شعری



در این بخش بیست آرایه ادبی مهم را با ترتیب الفبایی و به صورت خلاصه مرور خواهیم کرد.

نفس دریا / حلقوم چاه / ابرهایی که تا صبح می‌گریستند

۶ **تضمین:** آوردن بخشی از آیه، حدیث، مصراع یا بیتی از شاعری دیگر در میان کلام، «تضمین» محسوب می‌شود. (درس ۸ فارسی دهم)

۷ **تلمیح:** یعنی اشاره به آیه، حدیث، دانسته تاریخی و یا شعری مشهور. به تمنای تو در آتش محنت چو خلیل گویا در چمن لاله و ریحان بودم

۸ **تمثیل:** به معنای «تشبیه کردن» و «مَثَل آوردن» است و در اصطلاح ادبی، آن است که شاعر یا نویسنده برای تأیید و تأکید بر سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را بیان کند تا مفاهیم ذهنی خود را آسان تر به خواننده انتقال دهد. (درس ۱۴ فارسی دهم)

۹ **جناس:** اختلاف دو واژه در معنی که ظاهر یکسان دارند، جناس همسان (تام) و اختلاف دو واژه در یک حرف یا یک حرکت «جناس ناهمسان» (ناقص) ایجاد می‌کند.

خرامان بشد سوی آب روان چنان چون شده باز جوید روان
جاری روح

گم بود در عمیق زمین شانه بهار بی توولی زمینه پیدا شدن نداشت
(درس ۱۴ فارسی دهم)

۱۰ **چهارپاره:** این شعر از چند بند هم وزن و هم آهنگ تشکیل شده است. هر بند چهار مصراع دارد. این قالب بیشتر برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود و رواج آن، از دوره مشروطه بوده و تاکنون ادامه یافته است. ملک الشعرای بهار، فریدون مشیری و فریدون توللی سروده‌هایی در این قالب دارند. (درس ۸ فارسی یازدهم)

۱۱ **حسن آمیزی:** یعنی آمیختن دو یا چند حس در کلام، به زبان دیگر یک حس از ویژگی‌های حس دیگر استفاده می‌کند. فریاد سرخ (شنیدن + دیدن) / خبر تلخ (شنیدن + چشایی)

توجه: صفت غیرعادی می‌تواند یکی از نشانه‌های «حسن آمیزی» باشد، مانند «سرخ» برای فریاد

(درس ۱ فارسی دهم)

۱۲ **حسن تعلیل:** وقتی شاعر یا نویسنده، دلیلی غیر واقعی اما ادبی برای موضوعی بیان کند، آرایه «حسن تعلیل» پدید می‌آید. چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیه کنند من موی از مصیبت پیری کنم سیاه شاعر علت رنگ کردن موهای خود را «عزاداری برای دوران پیری» می‌داند.

توجه: معمولاً حسن تعلیل‌ها، مبتنی بر آرایه «تشخیص» هستند.

برای پی بردن به حسن تعلیل، ابتدا واقعه طبیعی را که رخ داده است و نظر شاعر را جلب کرده، پیدا کنید. در مثال بالا «رنگ کردن

۱ **استعاره:** نوعی مجاز است که بر پایه تشبیه بنا شده است. گاهی یک واژه، معنی خود را از دست می‌دهد و براساس شباهت معنی جدید می‌پذیرد. (استعاره مصرحه)

«ماه» استعاره از چهره معشوق (چون چهره معشوق را مانند ماه زیبای داند)

گاهی از یک تشبیه، مشبه با یکی از ویژگی‌های مشبه به آورده می‌شود که به وجود آورنده نوعی استعاره است. (استعاره مکنیه)

عشق می‌بارد. (عشق مانند باران است.)
مشبه ویژگی مشبه به (باران)

توجه: ترکیب اضافی غیرعادی که جزء اول آن وابسته چیزی باشد، استعاره (اضافه استعاری) است.



دست روزگار، پیشگاه حقیقت
جزئی از بدن جزئی از بنا

توجه: تشخیص‌ها هم نوعی استعاره هستند.

(درس ۹ فارسی دهم)

۲ **اغراق:** زیاده روی و بزرگ‌نمایی است در بیان ویژگی و صفت چیزی که گفتت برو دست رستم ببند نبندد مرا دست چرخ بلند

توجه: برخی اغراق‌ها حاصل تشبیه هستند. قد او مانند سرو بلند است.

۳ **ایهام:** به کار بردن «یک واژه» که دارای دو یا چند معنی است و همه آن معانی قابل دریافت هستند. مانند واژه شیرین (طعم - شخص) در بیت زیر:

امشب صدای تیشه از بیستون نیامد شاید به خواب شیرین، فرهاد رفته باشد

توجه: کنایه‌ها معمولاً به صورت عبارت فعلی به کار برده می‌شوند. (سماق مکیدن، دل بستن...)

ضرب‌المثل‌ها، کنایه محسوب می‌شوند.

۴ **تشبیه:** مثل و مانند کردن چیزی (مشبه) به چیز دیگر (مشبه به)

قد تو مانند سرو بلند است. (معمولاً بعد از ادات، مشبه به قرار می‌گیرد.)
مشبه ادات مشبه به وجه شبه

توجه: گاهی بین مضاف و مضاف‌الیه رابطه تشبیهی وجود دارد (اضافه تشبیهی) خانه عشق

(درس ۳ فارسی دهم)

۵ **تشخیص:** نسبت دادن ویژگی‌های انسانی به غیر انسان.



توجه: در متناقض‌نما باید دو مفهوم نقض‌کننده برای یک چیز به کار گرفته شوند.

(درس ۵ فارسی یازدهم)

۱۷ مثنوی: مثنوی (دوتایی) شعری است که هر بیت آن قافیه‌ای جداگانه دارد و چون از این جهت محدودیتی ندارد، شاعران در سرودن منظومه‌های داستانی، غالباً از قالب «مثنوی» بهره می‌گیرند.

(درس ۶ فارسی دهم)

۱۸ مراعات نظیر: به کار بردن دو یا چند واژه که به نوعی با هم نسبتی دارند (کاربرد شبکه معنایی در شعر و نثر)

«برو بادومه و خورشید و فلک در کارند / تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری»

(درس ۱۷ فارسی دهم)

۱۹ مجاز: یک واژه، معنای اصلی و حقیقی خود را از دست می‌دهد و معنای جدید می‌پذیرد:

جهان دل نهاده بر این داستان (جهان: مردم جهان)

توجه: بیت یا عبارت مورد نظر را معنی کنید تا بفهمید کدام واژه معنی حقیقی خود را ندارد.

(درس ۱ فارسی دهم)

۲۰ واج آرایی: تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در کلمات یک مصراع، بیت یا عبارت، به گونه‌ای که کلام را آهنگین کند و بر تأثیر سخن بیفزاید.

صدای سنگین سکوت را در سرسرا پیچیده بود. (تکرار واج «س»)

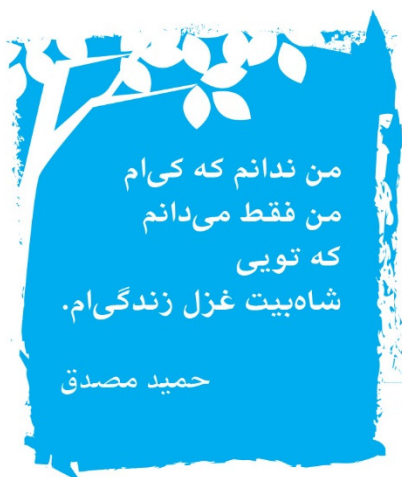
توجه: تکرار واج‌ها باید گوش‌نواز باشد تا واج آرایی محسوب شود.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است

باد خنک از جانب خوارزم‌وزان است (تکرار واج «خ» و «ز»)



مهر و ماه



«مو» واقعه طبیعی است که شاعر برای آن علت ادبی آورده است. به نظر شما در بیت زیر کدام واقعه طبیعی نظر شاعر را به خود جلب کرده است:

اختران نور مهر درزدند / زان بدو هیچ روی ننمایند
به نظر می‌رسد واقعه طبیعی، «ندیدن ستاره‌ها هنگام روز» باشد. که شاعر علت آن را ادبی بیان کرده است.

معنی بیت: ستاره‌ها نور خورشید را می‌دزدند به همین علت روی خود را به خورشید نشان نمی‌دهند.

(درس ۱۰ فارسی یازدهم)

۱۳ رباعی: شعری است مرکب از دو بیت (چهار مصراع) که مصراع‌های اول، دوم و چهارم هم‌قافیه هستند. این قالب بر وزن «لا حول ولا قوة الا بالله» سروده می‌شود.

❖ خیام، عطار، مولوی و بابا افضل از رباعی‌سرایان نامدار هستند.

❖ اولین هجای مصراع اول رباعی از سه واج تشکیل شده است.

ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست / بی‌باده گلرنگ نمی‌شاید زیست
این سبزه که امروز تماشاگاه ماست / تا سبزه خاک ما تماشاگر کیست
هجای اول مصراع اول (اب ← ء ـ ب)

توجه: گاهی ممکن است مصراع سوم هم با دیگر مصراع‌ها هم قافیه شود.

(درس ۱۰ فارسی یازدهم)

۱۴ سجع: واژه‌هایی که در پایان جمله‌ها می‌آیند و در وزن (تعداد هجا)، واج‌های پایانی (صامت و مصوت) و یا وزن و واج پایانی هماهنگ هستند، واژه‌های «مسجع» می‌گویند.
الهی عبدالله عمر بکاست اما عذر نخواست

توجه: سجع حداقل در دو جمله شکل می‌گیرد.

(درس ۶ فارسی دهم)

۱۵ کنایه: به کار گرفتن عبارتی است که دو معنی دارد، معنی نزدیک (اولیه) و معنی دور (مفهوم) و مقصود گوینده معنی دور است: سپر انداختن: کنایه از «تسلیم شدن»

توجه: کنایه‌ها معمولاً به صورت عبارت فعلی به کار برده می‌شوند. (سماق مکیدن، دل بستن...)

❖ ضرب‌المثل‌ها، کنایه محسوب می‌شوند.

«کیوتر با کیوتر باز با باز / کند هم‌جنس با هم‌جنس پرواز»

۱۶ متناقض‌نما: دو صفت یا دو مفهوم که نقض‌کننده یکدیگر هستند برای یک چیز به کار گرفته می‌شوند و زیبایی ادبی ایجاد می‌شود و به آن «متناقض‌نما» (پارادوکس) می‌گویند.

«کنار نام‌تولنگر گرفت کشتی عشق / بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی»

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ریاضی - فیزیک و علوم تجربی	سوالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۳۹۹		

ردیف	سوالات (پاسخ نامه دارد)	نمره
------	-------------------------	------

بخش الزامی

دانش آموز عزیز، به سوالات ۱ تا ۳۲ برای کسب (۱۶ نمره) پاسخ دهید.

قلمرو زبانی (۵/۵ نمره)

۱	معنی هریک از واژه های مشخص شده را بنویسید. الف) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست ب) گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟» ج) پاداش هر زخمه سنگی را دست های کریم تو میوه ای چند نثار کند. د) کزین کوه آتش نیابم تپش	۱
۰/۲۵	برای واژه مشخص شده مصراع «سریر ملک عطا داد کردگار تو را»، یک برابر معنایی از بیت زیر، بیابید. «برکش ز سر این سپید معجر بنشین به یکی کبود اورند»	۲
۰/۲۵	متضاد واژه «بکرنگی» در کدام گزینه دیده می شود؟ ۱) که نباستی بگوید هیچ / بس که بی شرمانه و پست است این تزویر ۲) ور بپرسی راست، گویم راست / قصه بی شک راست می گوید ۳) و صدای شوم و نامردانه اش در چاهسار گوش می پیچید ۴) خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند	۳
۰/۵	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) که دوزخ مرا زین سخن گشت (خوار/خار) ب) واصفان حلیه جمالش به تحیر (منصوب/ منسوب)	۴
۰/۲۵	در همه گزینه ها به جز گزینه نادرستی املايي دیده می شود. ۱) بچه ها هم انگار از دست آن ذله شده بودند و تکبیر می گفتند. ۲) تنها و تنها برای تعلیم گرفتن، شبه شما را در میان تاریکی تعقیب می کردم. ۳) عمق گودال آن قدر نبود که بتواند جسده آدمی را در خود بگیرد. ۴) به سمت خاکریز می رفتند و آخرین رمغ هایشان را در آخرین فشنگ هایشان می ریختند.	۵
۰/۷۵	در گروه کلمه های زیر، سه مورد نادرستی املايي وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید. باتق و بلند - فخر و مباحات - بساط تحویه - روزه خوانی و نوحه سرایی - سورت سرمای دی - بی خردان سفله	۶
۰/۲۵	در بیت زیر، نقش دستوری ضمیر پیوسته «ش» را بنویسید. چو بشنید خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت	۷
۰/۵	در نوشته زیر، نوع وابسته و وابسته مشخص شده را تعیین کنید. بر بالای آن، با خط بسیار روشن، دو سطر مطلب زیبا نوشته شده بود.	۸
۰/۲۵	الگوی ساخت همه گزینه ها به جز جمله گزینه «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است. ۱) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می گرداند. ۲) محبت به غایت را عشق خوانند. ۳) برخی عاشق را دیوانه می پندارند. ۴) عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.	۹

ادامه سوالات در صفحه دوم

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ریاضی - فیزیک و علوم تجربی	سوالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۳۹۹	

ردیف	سوالات (پاسخ نامه دارد)	نمره
۱۰	باتوجه به نوشته زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید. «عشق کردم از اینکه فهمیده اید، انهدام آن تیربار، کار من بوده است.» الف) زمان هر دو فعل «فهمیده اید» و «بوده است»، ماضی نقلی است. ب) در گروه اسمی «انهدام آن تیربار»، واژه «تیربار» هسته گروه اسمی است. نادرست درست نادرست درست	۰/۵
۱۱	نوع حرف «و» (ربط، عطف) را در هریک از مصراع های زیر مشخص کنید. الف) امروز می آید از باغ بوی بهار من و تو ب) دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ	۰/۵
۱۲	در هریک از موارد زیر، نقش دستوری واژه مشخص شده را بنویسید. الف) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت ب) پرندگان، جملگی مشتاق دیدار سیمرغ شدند.	۰/۵
قلمرو ادبی (۴ نمره)		
۱۳	مصراع دوم هریک از بیت های زیر را بنویسید. الف) وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند ب) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود ج) تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی	۱/۵
۱۴	آرایه ذکر شده در مقابل همه ابیات، به جز گزینه درست است. (۱) چه غم دیوار اتمت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان (اسلوب معادله) (۲) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را» گفت: «هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست» (تضاد) (۳) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتتی که مردم صاحب قلم نداشت (کنایه) (۴) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (ایهام)	۰/۲۵
۱۵	در کدام یک از بیت های زیر آرایه «حسن تعلیل» وجود دارد؟ دلیل خود را بنویسید. الف) تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر، چهر دلبد ب) برکن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکند	۰/۵
۱۶	در بیت زیر، آرایه درست را از کمانک مقابل آن، انتخاب کنید. آتش عشق است کاندن نی فتاد جوشش عشق است کاندن می فتاد (تشبیه / جناس همسان)	۰/۲۵
۱۷	در بیت زیر، مفهوم نمادین «رود» و «دریا» را بنویسید. «چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو»	۰/۵
۱۸	درباره «تلمیح» به کاررفته در بیت زیر، یک سطر توضیح دهید. «طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه آن جاست جلوه گاهم، این جا چه کار دارم؟»	۰/۵
۱۹	نام پدیدآورنده هریک از آثار زیر را بنویسید. الف) فی حقیقه العشق: ب) سانتاماریا:	۰/۵
ادامه سوالات در صفحه سوم		

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ریاضی - فیزیک و علوم تجربی	سوالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۳۹۹		

ردیف	سوالات (پاسخ نامه دارد)	نمره
------	-------------------------	------

قلمرو فکری (۵/۶ نمره)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۲۰	عشق به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده، روی ننماید.	۰/۵
۲۱	یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود.	۰/۵
۲۲	مزینان را بر انگاره عشق آبادش ساخته‌اند و هنوز بر همان مهر و نشان است که بود.	۰/۵
۲۳	کز این دو یکی گر شود نابه‌کار / از آن پس که خواند مرا شهریار؟! /	۰/۵
۲۴	شیرمرد عرصه ناوردهای هول / ... / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود	۰/۷۵
۲۵	صدهزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو	۰/۷۵

به پرسش‌های مربوط به درک مطلب پاسخ دهید.

۲۶	نوشته «از بیم عقرب جراره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ ها پناه ببرد»، کدام یک از ضرب المثل های زیر را به یاد می آورد؟ الف) دست بالای دست بسیار است. / ب) از چاله به چاه افتاد.	۰/۲۵
۲۷	متن های زیر، بر چه مفهوم مشترکی تأکید دارند؟ ❖ «در کف ها کاسه زیبایی، / بر لب ها تلخی دانایی / شهر تو جای دگر / ره می بر با پای دگر» ❖ «آن باغ پر از گل های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی درد و بی دل پژمرد.»	۰/۵
۲۸	مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر را بنویسید. «گفت: می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی / گفت: ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست»	۰/۲۵
۲۹	در شعر زیر، شاعر دلیل بیدار شدن هر ساله نوبهار را چه می‌داند؟ هر سال چو نوبهار خرم / بیدار شود ز خواب نوشین تا باز کند به روی عالم / دیباچه خاطرات شیرین از لاله دهد به سبزه زیور / ای دوست مرا به خاطر آور	۰/۵
۳۰	مفهوم مشترک بیت های زیر را بنویسید. الف) شو و منفجر ای دل زمانه / وان آتش خود نهفته میسند ب) دلا خموشی چرا؟ / چو خم نجوشی چرا؟ / برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟	۰/۵
۳۱	با توجه به بیت زیر، رفتار سرنوشت با آزادگان چگونه است؟ «ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد / کو دل آزاده ای کز تیغ او مجروح نیست»	۰/۵
۳۲	با توجه به بیت «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت»، در نظر خردمندان چه کسی محترم است؟	۰/۵

ادامه سوالات در صفحه چهارم

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ریاضی - فیزیک و علوم تجربی	سوالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۳۹۹		

ردیف	سوالات (پاسخ نامه دارد)	نمره
------	-------------------------	------

بخش انتخابی (۸ نمره)

❖ دانش آموز عزیز، برای کسب (۴ نمره) از سوالات ۳۳ تا ۴۸، فقط ۸ سوال را به دلخواه انتخاب کرده و پاسخ دهید.

قلمرو زبانی (۳ نمره)

۰/۵	۳۳	با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌های داده شده، پاسخ دهید. «تو قلب فسرده زمینی از درد ورم نموده یک چند بفکن ز پی این اساس تزویر بگسل ز پی این نژاد و پیوند» الف) نوع کدام یک از ترکیب‌های «قلب فسرده» و «قلب زمین»، اضافی است؟ ب) یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید و بنویسید.
۰/۵	۳۴	در سروده «رخش بی مانند، با هزارش یادبود خوب خوابیده است»، الف) در گروه اسمی «هزارش یادبود خوب»، هسته گروه اسمی را تعیین کنید. ب) در گروه اسمی «رخش بی مانند»، نوع وابسته پسین را بنویسید.
۰/۵	۳۵	در بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار الف) کدام فعل حذف شده است؟ ب) نوع حذف را بنویسید.
۰/۵	۳۶	با توجه به نوشته زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «مرا به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون و شغاف مردم دون و وقاحت این مصطفای بدقواره انداخته بود.» الف) معنای واژه «دون» چیست؟ ب) در کدام واژه «نادرستی املایی» دیده می‌شود؟
۰/۵	۳۷	با توجه به سروده زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «و در بهاران، عشق من! / خنده ات را می‌خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم» الف) مفهوم «ان» را در واژه «بهاران» بنویسید. ب) مرجع ضمیر شخصی پیوسته «ش» در واژه انتظارش چیست؟
۰/۵	۳۸	در هریک از جمله‌های مرکب زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. الف) اگر امروز بیشتر از این به ما بخورانید، همین جا وبال جانت می‌گردیم. ب) جامه ای بود که درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته بود.

قلمرو ادبی (۲ نمره)

۰/۵	۳۹	در سروده «مرد نقال - آن صدایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش، چنان حدیث آشنایش گرم - راه می‌رفت و سخن می‌گفت /» الف) در ترکیب «صدایش گرم»، کدام آرایه ادبی وجود دارد؟ ب) واژه‌های «نای» و «دم» کدام آرایه ادبی را ایجاد کرده است؟
۰/۵	۴۰	در سروده «اما خنده ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید» الف) ترکیب «درهای زندگی»، یک اضافه استعاره است یا تشبیه؟ ب) مفهوم کنایه «در به روی کسی گشودن» را بنویسید.

ادامه سوالات در صفحه پنجم

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ریاضی - فیزیک و علوم تجربی	سوالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۳۹۹	

ردیف	سوالات (پاسخ نامه دارد)	نمره						
۴۱	در بین آثار زیر، نام پدیدآورنده دو اثر در مقابل آن درست نوشته شده است؛ آن دو را مشخص کنید. (فیه مافیه: مولوی) - (منطق الطیر: سنایی غزنوی) - (قصه شیرین فرهاد: ابوالقاسم لاهوتی) - (تیرانا: محمدرضا رحمانی) - (دری به خانه خورشید: احمد عربلو)	۰/۵						
۴۲	نام پدیدآورنده هریک از آثار زیر را بنویسید. الف) قصه های دوشنبه: (ب) ارمیا:	۰/۵						
قلمرو فکری (۳ نمره)								
معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.								
۴۳	سرّ من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست	۰/۵						
۴۴	مرغان جملگی شیدا شدند؛ بهانه ها یک سو نهادند.	۰/۵						
۴۵	(عشق جاودانی) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند.	۰/۵						
۴۶	در هریک از موارد زیر، مفهوم بخش های مشخص شده را بنویسید. الف) در اواخر عمر با بنده مالوف بودند و کاسه کوزه یکی شده بودیم. ب) پشت دستم را داغ کردم که تا من باشم دیگر پیرامون ترفیع رتبه نگردم.	۰/۵						
۴۷	در جدول زیر، هر یک از متن ها، با کدام یک از مفاهیم مقابل خود، تناسب معنایی دارد؟	۰/۵						
<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 30%; text-align: center;">الف</td> <td style="width: 40%; text-align: center;">«ستاره ضعیفی در شبستان تیره و تار درونم درخشیدن گرفت.»</td> <td style="width: 30%;">(۱) امیدوار شدن (۲) رها شدن از ضعف و ناتوانی</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">ب</td> <td style="text-align: center;">«اگر خونین دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام»</td> <td>(۱) بردباری در برابر مشکلات روزگار (۲) توصیه به شادی در هنگام سختی</td> </tr> </table>			الف	«ستاره ضعیفی در شبستان تیره و تار درونم درخشیدن گرفت.»	(۱) امیدوار شدن (۲) رها شدن از ضعف و ناتوانی	ب	«اگر خونین دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام»	(۱) بردباری در برابر مشکلات روزگار (۲) توصیه به شادی در هنگام سختی
الف	«ستاره ضعیفی در شبستان تیره و تار درونم درخشیدن گرفت.»	(۱) امیدوار شدن (۲) رها شدن از ضعف و ناتوانی						
ب	«اگر خونین دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام»	(۱) بردباری در برابر مشکلات روزگار (۲) توصیه به شادی در هنگام سختی						
۴۸	با توجه به بیت «جهاندار، سودابه را پیش خواند الف) منظور از «جهاندار» کیست؟ ب) معادل امروزی «با سیاوش به گفتن نشاند»، چیست؟	۰/۵						
۲۴	جمع نمره	موفق باشید.						

باسمه تعالی

تعداد صفحه: ۳	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ریاضی - فیزیک و علوم تجربی	راهنمای تصحیح امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۹۹/۰۳/۲۱	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۳۹۹	
نمره			ردیف

بخش الزامی

همکاران گرامی، خدا قوت! لطفاً به موارد درست مشابه، نمره اختصاص دهید.

قلمرو زبانی (۵/۵ نمره)

۱	الف) پوشیده، پنهان، ص ۴۷، ۲۵/۰ (ب) می فروش، ص ۱۹، ۲۵/۰ ج) ضربه، ضربه زدن، ص ۸۷، ۲۵/۰ د) اضطراب ناشی از گرما و حرارت، گرمی و حرارت، ص ۱۰۴، ۲۵/۰	۱
۰/۲۵	اورند، ص ۳۵	۲
۰/۲۵	گزینه یک (با واژه تزویر)، ص ۱۱۲	۳
۰/۵	الف) خوار، ۲۵/۰، ص ۱۰۱ ب) منسوب، ۲۵/۰، ص ۱۳	۴
۰/۲۵	۱) بچه ها هم انگار از دست آن ذله شده بودند و تکبیر می گفتند. ، ص ۹۲ ۲) شبه = شبخ ۳) جسّه = جثّه ۴) رمغ = رمق	۵
۰/۷۵	بائع: باسق، ص ۱۲، ۲۵/۰ بساط تحویه: تهویه، ص ۸۰، ۲۵/۰؛ روزه خوانی و نوحه سرایی: روضه، ص ۹۷، ۲۵/۰	۶
۰/۲۵	مضاف الیه، ص ۱۰۵	۷
۰/۵	بسیار: قید صفت، ص ۶۳، ۲۵/۰؛ سطر: ممیز، ص ۶۳، ۲۵/۰	۸
۰/۲۵	۴، ص ۵۴	۹
۰/۵	الف) درست، ۲۵/۰، ص ۹۲ ب) نادرست، ص ۹۲	۱۰
۰/۵	الف) عطف، ۲۵/۰، ص ۸۴ ب) ربط، ۲۵/۰، ص ۸۴	۱۱
۰/۵	الف) مفعول، ۲۵/۰، ص ۲۷ ب) بدل، ۲۵/۰، ص ۱۲۰	۱۲

قلمرو ادبی (۴ نمره)

۱/۵	الف) تا در زمانه باقی است آواز باد و باران، ۵/۰، ص ۵۷ ج) فدای نام تو بود و نبودم؛ میهن ای میهن! ۵/۰، ص ۱۱۷ ب) خورشید رفته است سر شب سراغ ماه، ۵/۰، ص ۹۶	۱۳
۰/۲۵	گزینه ۴، ص ۲۷	۱۴
۰/۵	الف، ۲۵/۰، شاعر ارتفاع قله دماوند را برای این می داند که می خواهد مردم صورتش را نبینند. ۲۵/۰، ص ۳۴	۱۵
۰/۲۵	تشبیه، ص ۴۷ (تشبیه عشق به آتش)	۱۶
۰/۵	رود: جریان های انقلابی، ۲۵/۰ دریا: وحدت و یکپارچگی، ۲۵/۰، ص ۸۵	۱۷
۰/۵	اشاره به این باور که طاووس پرنده ای بهشتی بوده است، اما به خاطر همدستی با ابلیس از بهشت رانده شده است. ص ۱۲۷	۱۸
۰/۵	الف) شهاب الدین سهروردی، ۲۵/۰، ص ۵۲ ب) مهدی شجاعی، ۲۵/۰، ص ۹۳	۱۹

ادامه پاسخ ها در صفحه دوم

باسمه تعالی

تعداد صفحه: ۳	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ریاضی - فیزیک و علوم تجربی	راهنمای تصحیح امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۹۹/۰۳/۲۱	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۳۹۹	
نمره			ردیف

قلمرو فکری (۵/۶ نمره)

۰/۵	عشق در هر جایی پناه نمی گیرد (عشق در دل هر کسی جای نمی گیرد) ۰/۲۵ و به چشم هر کسی نمایان نمی شود. ۰/۲۵، ص ۵۲	۲۰
۰/۵	یکی از عارفان در حال تفکر عارفانه و توجه به حق بود. ص ۱۴	۲۱
۰/۵	مزیان را به طرح و نقشه عشق آباد ساخته اند ۰/۲۵ و از قدیم هیچ تغییری نکرده است. (هنوز به همان شکل و طرح قدیم است) ۰/۲۵؛ ص ۷۰	۲۲
۰/۵	که اگر یکی از این دو نفر (سودابه یا سیاوش) گناهکار شناخته شود، ۰/۲۵ پس از آن کسی من را پادشاه نمی شمارد. ۰/۲۵، ص ۱۰۱	۲۳
۰/۷۵	رستم، پهلوان میدان نبردهای ۰/۲۵ هراسناک، ۰/۲۵ در چاه (دام مرگ) گرفتار شده بود. ۰/۲۵، ص ۱۱۰ و ۱۱۲	۲۴
۰/۷۵	در مرحله فنا (هفتم) همه پدیده‌هایی که سایه‌هایی بر چهره خداوند بودند، ۰/۲۵ با آشکار شدن خورشید حق، ۰/۲۵ از بین می روند و حق آشکار می گردد. ۰/۲۵، ص ۱۲۵	۲۵
۰/۲۵	(ب) از چاله به چاه افتاد. ص ۶۲	۲۶
۰/۵	عقل و نگاه عاقلانه، زیبایی پدیده‌های هستی را زایل می کند. (نفی خرد در نگاه به زیبایی‌های جهان). ص ۷۶ و ۷۳	۲۷
۰/۲۵	گناه، کم یا زیاد آن، هر دو ناپسند است. ص ۱۹	۲۸
۰/۵	برای یادآوری خاطرات شیرین مردم جهان، ص ۹۵	۲۹
۰/۵	توصیه به اعتراض یا ترک سکوت یا آشکار ساختن حرف درون، ص ۳۷	۳۰
۰/۵	روزگار و فلک، همه انسان‌های آزاده را مورد آسیب و رنجش قرار می دهد. ص ۱۰۷	۳۱
۰/۵	کسی که به افکار مردم جامعه احترام بگذارد. ص ۲۷	۳۲

بخش انتخابی (۸ نمره)

قلمرو زبانی (۳ نمره)

۰/۵	(ب) این اساس یا این نژاد یا این پیوند ۰/۲۵، ص ۳۵	۳۳
۰/۵	(ب) صفت، ۰/۲۵، ص ۱۱۳	۳۴
۰/۵	(ب) معنوی، ص ۱۲	۳۵
۰/۵	(ب) شقاوت: شقاوت، ۰/۲۵، ص ۱۳۹	۳۶
۰/۵	(الف) زمان (هنگام بهار)، ۰/۲۵ (ب) گل، ۰/۲۵، ص ۱۵۱	۳۷
۰/۵	(الف) امروز بیشتر از این به ما بخورانید، ۰/۲۵، ص ۱۳۶؛ (ب) درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته بود. ۰/۲۵، ص ۱۳۷	۳۸

قلمرو ادبی (۲ نمره)

۰/۵	(ب) مجاز، ۰/۲۵، ص ۱۰۹	۳۹
۰/۵	(ب) یاری کردن، امیدوار ساختن، ۰/۲۵، ص ۱۵۰	۴۰
۰/۵	(تیرانا: محمدرضا رحمانی)، ۰/۲۵، ص ۸۷	۴۱
۰/۵	(ب) رضا امیرخانی، ۰/۲۵، ص ۱۴۷	۴۲

ادامه پاسخ‌ها در صفحه سوم

باسمه تعالی

تعداد صفحه: ۳	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ریاضی - فیزیک و علوم تجربی	راهنمای تصحیح امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۹۹/۰۳/۲۱	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۳۹۹	
نمره			ردیف

قلمرو فکری (۳ نمره)

۰/۵	راز من را از ناله های عارفانه من می توان دریافت: ۰/۲۵ اما چشم و گوش ظاهری توان درک آن را ندارد. ۰/۲۵، ص ۴۶	۴۳
۰/۵	همه پرندهگان عاشق (دیدار سیمرخ) شدند ۰/۲۵ و بهانه جویی را کنار گذاشتند. ۰/۲۵، ص ۱۲۲	۴۴
۰/۵	عاشق واقعی همیشه زیبایی های عشق اول و قدیم را، ۰/۲۵ موضوع کتاب یا دیوان شعر خود قرار می دهد. ۰/۲۵، ص ۱۵۵	۴۵
۰/۵	الف) صمیمی شده بودیم، ۰/۲۵، ص: ۱۳۷ ب) پشیمان شدن از کاری، ۰/۲۵، ص ۱۴۰	۴۶
۰/۵	الف) (۱) (امیدوار شدن)، ۰/۲۵، ص ۱۳۶ ب) (۲) (توصیه به شادی در هنگام سختی)، ۰/۲۵، ص ۱۵۳	۴۷
۰/۵	الف) کیکاووس (پدر سیاوش)، ۰/۲۵، ب) روبه رو کرد، ۰/۲۵، ص ۱۰۰	۴۸
۲۴	موفق باشید . جمع نمره	

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته : ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی	سؤالات امتحان نهایی درس : فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶	نام و نام خانوادگی :	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد سال ۱۳۹۹		

ردیف	سؤالات (پاسخ نامه دارد)	نمره
------	-------------------------	------

الف) بخش الزامی

دانش آموز عزیز، به سوالات ۱ تا ۲۶ برای کسب (۶ نمره) پاسخ دهید.

قلمرو زبانی (۵/۵ نمره)

۱	معنی هریک از واژه های مشخص شده را بنویسید. الف) دست <u>انابت</u> به امید اجابت به درگاه حق بردارد. ب) این <u>عده قلیل</u> بر بالای کوه، روشنایی خیره کننده ای دیدند. ج) هفت خوان را ... / آن <u>هریوه</u> خوب و پاک آیین روایت کرد / د) در <u>نفیرم</u> مرد و زن نالیده اند	۱												
۰/۵	جدول زیر را کامل کنید. <table border="1" style="margin-left: auto; margin-right: auto;"> <tr> <td>واژه</td> <td>هم آوا</td> <td>مترادف</td> </tr> <tr> <td>غربت</td> <td></td> <td></td> </tr> </table>	واژه	هم آوا	مترادف	غربت			۲						
واژه	هم آوا	مترادف												
غربت														
۰/۷۵	املاي درست هر واژه را از داخل کمانک انتخاب نمایید. الف) چه باک از موج (بحر / بهر) آن را که باشد نوح کشتیبان؟ ب) می دانید که من بیش از همه (مُسر / مُصر) بودم در شنیدن حرف های شما ج) جزیره های کوچک و بزرگ مثل وصله های رنگارنگ بر (تیلسان / طیلسان) آبی مدیترانه دوخته شده است.	۳												
۰/۷۵	در گروه کلمات زیر، سه مورد نادرستی املايي وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید. عملیات احداث، یقما و تاراج، چریغ آفتاب، جثّه آدمی، صدای مهیب، آذرم و حیا، سطور و چهارپا، مسلک و روش	۴												
۰/۷۵	در جدول زیر، درست یا نادرست بودن هریک از موارد داده شده را تعیین کنید. <table border="1" style="margin-left: auto; margin-right: auto;"> <tr> <td>الف</td> <td>فعل « نیست »، در هردو مصراع بیت زیر، اسنادی است. « سرّ من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست »</td> <td>درست</td> <td>نادرست</td> </tr> <tr> <td>ب</td> <td>در بیت زیر واژه « برگ و بار » مفعول است. « دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو »</td> <td>درست</td> <td>نادرست</td> </tr> <tr> <td>ج</td> <td>در گروه اسمی « دوست بسیار مهربان »، واژه « بسیار » صفتِ صفت است.</td> <td>درست</td> <td>نادرست</td> </tr> </table>	الف	فعل « نیست »، در هردو مصراع بیت زیر، اسنادی است. « سرّ من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست »	درست	نادرست	ب	در بیت زیر واژه « برگ و بار » مفعول است. « دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو »	درست	نادرست	ج	در گروه اسمی « دوست بسیار مهربان »، واژه « بسیار » صفتِ صفت است.	درست	نادرست	۵
الف	فعل « نیست »، در هردو مصراع بیت زیر، اسنادی است. « سرّ من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست »	درست	نادرست											
ب	در بیت زیر واژه « برگ و بار » مفعول است. « دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو »	درست	نادرست											
ج	در گروه اسمی « دوست بسیار مهربان »، واژه « بسیار » صفتِ صفت است.	درست	نادرست											
۰/۵	با توجه به جمله « بوی شبدر دوچین، هوا را عطر آگین ساخته است »، به سؤالات پاسخ دهید. الف) نقش دستوری واژه « عطر آگین » را بنویسید. ب) کدام واژه « صفتِ مضاف الیه » است؟	۶												
۰/۵	در نوشته « بدان که از جمله نام های حُسن یکی « جمال » است و یکی « کمال ». و هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال اند. و هیچ کس نبینی که او را به جمال میلی نباشد »، الف) یک مورد حذف فعل بیابید و بنویسید. ب) مرجع ضمیر « او » را تعیین کنید.	۷												

ادامه سؤالات در صفحه دوم

باسمه تعالی

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته : ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی	سؤالات امتحان نهایی درس : فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶	نام و نام خانوادگی :	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد سال ۱۳۹۹		

ردیف	سؤالات (پاسخ نامه دارد)	نمره
------	-------------------------	------

۸	با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب تا شد تهی از خویش و نی اش نام نهادند» الف) بیت را از شیوه «بلاغی» به شیوه «عادی» برگردانید. ب) «واو» ربط (پیوند) در کدام مصراع این بیت به کار رفته است؟	۰/۵ ۰/۲۵
---	---	-------------

قلمرو ادبی (۴ نمره)

۹	مصراع دوم هریک از بیت‌های زیر را بنویسید. الف) اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار ب) لبریز زندگی است نفس‌های آخرت	۱
۱۰	کدام گزینه، بیت «باز آ که در هوایت خاموشی جنونم» را کامل می‌کند؟ الف) لبخند گاه گاهت صبح ستاره باران ب) فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران ج) بیداری ستاره در چشم جویباران د) ای مهربان تر از برگ در بوسه های باران	۰/۵
۱۱	هریک از آرایه های «تلمیح، مجاز و اسلوب معادله» در کدام بیت، دیده می‌شود؟ ۱) از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید ۲) عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را سیل، یکسان می کند پست و بلند راه را ۳) آتش ابراهیم را نبود زیان هر که نمرودی است، گو می ترس از آن	۰/۷۵
۱۲	آرایه مشترک در دو مصراع زیر چیست؟ الف) با شیر سپهر بسته پیمان ب) پنهان مکن آتش درون را	۰/۲۵
۱۳	با توجه به نوشته زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «زمزمه لطیف و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد. کجا می توانست مخفیگاه من باشد، در زمانی که ماه داشت سربلند از پشت ابرهای تیره بیرون می آمد؟» الف) کدام واژه دارای آرایه «تشخیص» است؟ ب) در کدام قسمت، آرایه «حس آمیزی» دیده می شود؟	۰/۵
۱۴	هریک از بیت‌های زیر، دارای کدام زمینه حماسه است؟ الف) «سیاوش سیه را به تندی بتاخت نشد تنگ‌دل، جنگ آتش بساخت» ب) «بدان گاه سوگند پرمایه شاه چنین بود آیین و این بود راه»	۰/۵
۱۵	نام پدیدآورنده هر یک از آثار زیر را بنویسید. الف) تمهیدات ب) در حیاط کوچک پاییز در زندان	۰/۵

ادامه سؤالات در صفحه سوم

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته : ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی	سؤالات امتحان نهایی درس : فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶	نام و نام خانوادگی :	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد سال ۱۳۹۹		

ردیف	سؤالات (پاسخ نامه دارد)	نمره
------	-------------------------	------

قلمرو فکری (۵/۶ نمره)

معنی هر یک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۱۶	در عشق کسی قدم نهد کیش جان نیست	۰/۵
۱۷	امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند.	۰/۵
۱۸	بگرای چو اژدهای گرز	۰/۵
۱۹	آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو؟	۰/۷۵
۲۰	گفت: «از بهر غرامت جامه ات بیرون کنم» گفت: «پوسیده است، جز نقشی زپود و تار نیست»	۰/۷۵
۲۱	چون فرود آیی به وادی طلب پیشست آید هر زمانی صد تعب	۰/۵

به سؤالات درک مطلب پاسخ دهید.

۲۲	با توجه به سروده «شعر نیست ؛ / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / الف) مقصود از «شعر محض خوب و خالی» چیست؟ ب) منظور شاعر از قسمت مشخص شده، چیست؟	۰/۵
۲۳	در نوشته «پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد»، سعدی بر دو صفت الهی تأکید کرده است؛ آن دو را بنویسید.	۰/۵
۲۴	مفهوم مشترک دو بیت زیر را بنویسید. «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق نی، حریف هر که از یاری برید / پرده هایش پرده های ما درید»	۰/۵

۲۵	هریک از بیت های ردیف «اول»، با کدام یک از مفاهیم ردیف «دوم»، متناسب است؟ آن ها را به هم ربط دهید. (درستون «دوم»، یک مفهوم اضافی است.)	۱
----	--	---

ردیف اول	ردیف دوم
الف سیاهش بدو گفت انده مدار / کزین سان بود گردش روزگار	۱ بیان نابه سامانی های جامعه
ب گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی / گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست	۲ ابراز خشم بر دشمن
ج شیر مردی باید این ره را شگرف / زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف	۳ بیگانه ستیزی
د خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد / زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است	۴ تقدیرگرایی
	۵ بیان دشواری های راه عشق

۲۶	هریک از بیت های زیر، با کدام یک از وادی های عرفانی داخل کمانک، تناسب دارد؟ الف) هشت جنت نیز اینجا مرده ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است (استغنا/ طلب) ب) صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی زیک خورشید، تو (توحید/ فنا)	۰/۵
----	--	-----

ادامه سؤالات در صفحه چهارم

باسمه تعالی

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته : ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی	سؤالات امتحان نهایی درس : فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶	نام و نام خانوادگی :	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد سال ۱۳۹۹		

ردیف	سؤالات (پاسخ نامه دارد)	نمره
------	-------------------------	------

ب) بخش انتخابی

دانش آموز عزیز، برای کسب (۴ نمره)، از سوال ۲۷ تا ۴۲، فقط ۸ سوال را به دلخواه انتخاب کنید و پاسخ دهید.

قلمرو زبانی (۳ نمره)

۰/۵	۲۷	نقش دستوری ضمائر مشخص شده را در هر مصراع بنویسید. الف) گفت آگه نیستی کز سر درافتادت کلاه ب) که دوزخ میرا زین سخن گشت خوار
۰/۵	۲۸	در نوشته «رم، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی با دیوارهای قطور و باروهای دودخورده»، الف) کدام واژه، نقش تبعی «معطوف» دارد؟ ب) گروه اسمی مشخص شده، دارای کدام نقش دستوری است؟
۰/۵	۲۹	با توجه به سروده زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟!» الف) در این سروده، یک پیوند «هم پایه ساز» بیابید و بنویسید. ب) زمان کدام فعل، «مضارع اخباری» است؟
۰/۵	۳۰	فعل «ساخت» را در دو جمله، با معنای متفاوت به کار ببرید.
۰/۵	۳۱	کاربرد نشانه «ان»، در واژه «خواهان»، با کاربرد این نشانه در کدام گزینه، یکسان است؟ الف) خاوران ب) سپاهان ج) گریزان د) پایان
۰/۵	۳۲	در عبارت «در این اثنا، صدای زنگ تلفن از سرسرای امارت بلند شد»: الف) املاي کدام واژه نادرست است؟ ب) معنای واژه «سرسرا» را بنویسید.

قلمرو ادبی (۲ نمره)

۰/۵	۳۳	جمله‌های زیر را با واژه مناسب کامل کنید. الف) کتاب قصه‌های دوشنبه، نوشته است. ب) نویسنده داستان ، محمد علی جمال زاده است.
۰/۵	۳۴	در سروده «عشق من، / خنده تو / در تاریک ترین لحظه‌ها می شکفت / بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته»: الف) کاربرد «استعاره» را در قسمت مشخص شده توضیح دهید. ب) شاعر در بند پایانی از چه آرایه ادبی بهره برده است؟
۰/۵	۳۵	باتوجه به هریک از اشعار داده شده، کدام یک از آرایه‌های ادبی داخل کمانک، نادرست است؟ الف) گرچه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس / قهوه خانه گرم و روشن بود همچون شرم (حسن تعلیل، تضاد، جناس) ب) چو از کوه آتش به هامون گذشت / خروشیدن آمد ز شهر و زدشت (مجاز، تلمیح، تشبیه)
۰/۵	۳۶	در بیت زیر، باتوجه به واژه «باد»، آرایه جناس تام (همسان) را بررسی کنید. آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد

ادامه سؤالات در صفحه پنجم

تعداد صفحه: ۵	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته : ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی	سؤالات امتحان نهایی درس : فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶	نام و نام خانوادگی :	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد سال ۱۳۹۹		

ردیف	سؤالات (پاسخ نامه دارد)	نمره
------	-------------------------	------

قلمرو فکری (۳ نمره)

۳۷	هریک از مفاهیم زیر، با کدام بیت متناسب است؟ (یک بیت اضافی است) الف) «ناپایداری قدرت» ب) «اشتیاق پایان ناپذیر عاشق» ۱) می تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را ۲) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد ۳) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند در رگ جان هر که را چون زلف، پیچ و تاب هست هر که بی روزی است، روزش دیر شد کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟	۰/۵
۳۸	در بیت زیر، معنای قسمت مشخص شده را بنویسید. «روی ها چون زین بیابان در کنند جمله سر از یک گریبان برکنند»	۰/۵
۳۹	شاعر در سروده زیر، توصیف چه چیزهایی را ناممکن می داند؟ «چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»	۰/۵
۴۰	در سروده «نان را از من بگیر، اگر می خواهی، / هوا را از من بگیر، اما / خنده ات را نه / گل سرخ را از من بگیر» منظور شاعر از «نان و هوا» و «گل سرخ»، به ترتیب، چیست؟	۰/۵
۴۱	با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید. « حالا دیگر چانه اش هم گرم شده و در خوش زبانی و حرّافی و شوخی و بذله، نوک جمع را چیده و متکلم وحده و مجلس آرای بلامعارض شده است» الف) «چانه گرم شدن»، با کدام یک از واژه های «خوش زبانی، حرّافی، شوخی و بذله، مفهوم یکسانی دارد؟ ب) مقصود از «چیدن نوک جمع» چیست؟	۰/۵
۴۲	با توجه به سروده زیر، ویژگی «عشق جاودانی» چیست؟ «این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می بیند / و نه توجّهی به گرد و غبار جراحات پیری دارد»	۰/۵
۲۴	موفق باشید	جمع نمره

تعداد صفحه: ۲	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی	راهنمای تصحیح امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد سال ۱۳۹۹		
نمره	راهنمای تصحیح		ردیف

الف) بخش الزامی

همکار گرامی، خدا قوت! لطفاً به پاسخ های درست مشابه، نمره اختصاص دهید.

قلمرو زبانی (۵/۵ نمره)

۱	الف) بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی، ۰/۲۵، ص ۱۳ ب) اندک، کم، ۰/۲۵، ص ۱۲۵ ج) هروی، منسوب به هرات، ۰/۲۵، ص ۱۱۰ د) فریاد و زاری به صدای بلند، ۰/۲۵، ص ۴۶	۱						
۰/۵	<table border="1"> <tr> <td>مترادف</td> <td>هم آوا</td> <td>واژه</td> </tr> <tr> <td>بیگانگی، دوری، تنهایی، ۰/۲۵، ص ۸۴</td> <td>قربت، ۰/۲۵، ص ۸۴</td> <td>غربت</td> </tr> </table>	مترادف	هم آوا	واژه	بیگانگی، دوری، تنهایی، ۰/۲۵، ص ۸۴	قربت، ۰/۲۵، ص ۸۴	غربت	۲
مترادف	هم آوا	واژه						
بیگانگی، دوری، تنهایی، ۰/۲۵، ص ۸۴	قربت، ۰/۲۵، ص ۸۴	غربت						
۰/۷۵	الف) بحر، ۰/۲۵، ص ۱۳ ب) مُصر، ۰/۲۵، ص ۸۸ ج) طیلسان، ۰/۲۵، ص ۶۱	۳						
۰/۷۵	بقما و تاراج: یغما، ۰/۲۵، ص ۷۷؛ آذرم و حیا: آزر، ۰/۲۵، ص ۱۰۰؛ سطور و چهارپا: ستور، ۰/۲۵، ص ۳۴	۴						
۰/۷۵	الف) نادرست، ۰/۲۵، ص ۴۶؛ ب) درست، ۰/۲۵، ص ۸۴؛ ج) نادرست، ۰/۲۵، ص ۷۴	۵						
۰/۵	الف) مسند، ۰/۲۵، ص ۸۱ ب) دوچین، ۰/۲۵، ص ۸۱	۶						
۰/۵	الف) حذف فعل «است»، یکی کمال (است)، ۰/۲۵، ص ۵۲ ب) هیچ کس، ۰/۲۵، ص ۵۲	۷						
۰/۷۵	الف) یک چوب، صدیغ جفا بر سر و تن دید ۰/۲۵ تا از خویش تهی شد و آن را نی نامیدند. ۰/۲۵، ص ۶۲	۸						

قلمرو ادبی (۴ نمره)

۱	الف) به سوی تو بود روی سجودم؛ میهن ای میهن!، ۰/۵، ص ۱۱۷ ب) آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه، ۰/۵، ص ۹۷	۹
۰/۵	ب) یا فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران، ۰/۵، ص ۵۷	۱۰
۰/۷۵	۱) مجاز، (دست و زبان)، ۰/۲۵، ص ۱۲ ۲) اسلوب معادله، ۰/۲۵، ص ۴۹ ۳) تلمیح، ۰/۲۵، ص ۱۰۶	۱۱
۰/۲۵	استعاره یا مجاز (شیر سپهر، استعاره از خورشید و آتش استعاره از اعتراض و خشم)، ۰/۲۵، ص ۳۴ و ۳۵	۱۲
۰/۵	الف) ماه، ۰/۲۵ ب) زمزمه لطیف، زمزمه ملایم، ۰/۲۵، ص ۹۰	۱۳
۰/۵	الف) قهرمانی، پهلوانی، ۰/۲۵، ص ۱۰۴ ب) ملّی، ۰/۲۵، ص ۱۰۳	۱۴
۰/۵	الف) عین القضاة همدانی، ۰/۲۵، ص ۵۳ ب) مهدی اخوان ثالث، ۰/۲۵، ص ۱۱۴	۱۵

قلمرو فکری (۵/۶ نمره)

۰/۵	کسی می تواند به عالم عشق وارد شود؟ ۰/۲۵ که به خودش توجه نداشته باشد (از جان خود بگذرد). ۰/۲۵، ص ۵۳	۱۶
۰/۵	پادشاهی های بزرگ، مانند انسان های ثروتمند، ۰/۲۵ به خاطر زیاده خواهی و زیاد خوردن از بین می روند، ۰/۲۵، ص ۶۲	۱۷
۰/۵	همانند ازدهای زهر دار و سمی، ۰/۲۵ حمله کن. ۰/۲۵، ص ۳۵	۱۸

ادامه پاسخ ها در صفحه دوم

تعداد صفحه: ۲	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی	راهنمای تصحیح امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد سال ۱۳۹۹		

ردیف	راهنمای تصحیح	نمره
------	---------------	------

۱۹	در دوران حکومت ستم شاهی، ۰/۲۵ که همه جا پر از درد و رنج بود، ۰/۲۵ ما جز ظلم و ستم چیزی نمی دیدیم. ۰/۲۵، ص ۸۴	۰/۷۵
۲۰	مأمور گفت: برای جریمه، ۰/۲۵ لباست را از تو می گیرم ۰/۲۵، مست گفت: لباس من پوسیده و کهنه است و به سبب فقر، فقط ظاهر لباس را دارد. ۰/۲۵، ص ۱۹	۰/۷۵
۲۱	وقتی به بیابان و مرحله اول، یعنی طلب، قدم بگذاری، ۰/۲۵، هر لحظه با رنج و سختی زیادی روبه رو خواهی شد. ۰/۲۵، ص ۱۲۲	۰/۵
۲۲	(الف) شعری که فقط زیبایی ظاهری دارد (یا شعری که به محتوا توجه ندارد)، ۰/۲۵ (ب) معیاری برای سنجش مردانگی و نامردی، ۰/۲۵، ص ۱۱۰	۰/۵
۲۳	پوشاننده گناه و خطا (ستار العیوب)، ۰/۲۵، و رزاق بودن و بخشندگی ۰/۲۵، ص ۱۲	۰/۵
۲۴	مفهوم مشترک: حال عاشق و عارف را کسی درک می کند که درد عشق کشیده باشد. ص ۴۶ و ۴۷	۰/۵
۲۵	(الف) ۰/۲۵، ۴، ص ۱۰۳؛ (ب) ۰/۲۵، ۱، ص ۱۹؛ (ج) ۰/۲۵، ۵، ۱۲۰؛ (د) ۰/۲۵، ۳، ص ۲۶	۱
۲۶	(الف) استغنا، ۰/۲۵، ص ۱۲۳ (ب) فنا، ۰/۲۵، ص ۱۲۵	۰/۵

بخش انتخابی

قلمرو زبانی (۳ نمره)

۲۷	(الف) مضاف الیه، ۰/۲۵، ص ۱۹ (ب) متمم، ۰/۲۵، ص ۱۰۱	۰/۵
۲۸	(الف) بارو، ۰/۲۵ (ب) بدل، ۰/۲۵، ص ۶۲	۰/۵
۲۹	(الف) امّا، ۰/۲۵ (ب) می گنجد، ۰/۲۵، ص ۱۵۵	۰/۵
۳۰	(۱) او با ناملایمات زندگی ساخت(کنار آمد/ سازش کرد)، ۰/۲۵؛ (۲) در کنار آن ورزشگاه، بیمارستان بزرگی ساختند (بناکردند)، ۰/۲۵، ص ۱۰۵ (به سایر پاسخ های درست، نمره اختصاص می یابد).	۰/۵
۳۱	(ج) گریزان، ص ۱۵۲	۰/۵
۳۲	(الف) امارت: عمارت، ۰/۲۵، (ب) محوطه ای سقف دار در داخل خانه ها که در ورودی ساختمان به آن باز می شود (برابر واژه های هال و لابی)، ۰/۲۵، ص ۱۳۷	۰/۵

قلمرو ادبی (۲ نمره)

۳۳	(الف) آلفونس دوده، ۰/۲۵، ص ۱۶۲ (ب) کباب غاز، ۰/۲۵، ص ۱۴۰ (ذکر نام آثار دیگر نویسنده، درست است).	۰/۵
۳۴	(الف) خنده به گلی تشبیه شده که از ویژگی های آن شکفتن است. ۰/۲۵، (ب) تشبیه (خنده به شمشیر) یا کنایه، ۰/۲۵، ص ۱۵۰	۰/۵
۳۵	(الف) حسن تعلیل، ۰/۲۵، ص ۱۰۴ (ب) تلمیح، ۰/۲۵، ص ۱۰۹	۰/۵
۳۶	«باد» در مصراع اول اسم (باد و هوا) ۰/۲۵ و در مصراع دوم فعل دعایی (الهی باشد)، است. ۰/۲۵، ص ۴۷	۰/۵

قلمرو فکری (۳ نمره)

۳۷	(الف) ۰/۲۵، ۳، ص ۶۲ (ب) ۰/۲۵، ۲، ص ۴۷	۰/۵
۳۸	همگی به وحدت و یگانگی می رسند. ص ۱۲۳	۰/۵
۳۹	بیان میزان عشق و شیبفتگی عاشق ۰/۲۵، و ویژگی های ارزشمند معشوق، ۰/۲۵، ص ۱۵۵	۰/۵
۴۰	نان و هوا: نیازهای جسمانی و مادی ۰/۲۵ گل سرخ: خنده و شادی، (عشق) ۰/۲۵	۰/۵
۴۱	(الف) حرّافی، ۰/۲۵ (ب) مسلط شدن بر دیگران در سخن گفتن ۰/۲۵، ص ۱۳۷	۰/۵
۴۲	همواره معشوق را زیبا می بیند و گذر زمان و پیری در این عشق تأثیری ندارد. ص ۱۵۵	۰/۵

۲۴	موفق باشید	جمع نمره
----	------------	----------

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳	رشته: کلیه رشته ها	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵	تعداد صفحه: ۴
پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه	نام و نام خانوادگی:	ساعت شروع: ۸ صبح	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت شهریور ماه سال ۱۳۹۹		مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	
ردیف	سؤالات (پاسخ نامه دارد)		
نمره			

بخش الزامی

دانش آموز عزیز، به سوالات ۱ تا ۲۷ جهت کسب (۱۶ نمره) پاسخ دهید.

قلمرو زبانی (۵/۵ نمره)

۱	معنی هریک از واژه های مشخص شده را بنویسید. الف) تخم خرمایی به تربیتش نخل <u>باسق</u> گشته ب) بخروش چو شرزه شیر <u>ارغند</u> ج) پروانه قوت از عشق آتش خورد. د) آسمان ، <u>تفرجگاه</u> مردم کویر است.	۱
۰/۲۵	واژه «طاق» در جمله « دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه های آن باقی است»، با همین واژه در کدام مصراع هم معنی است؟ الف) طاق پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف ب) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است	۲
۰/۲۵	در بیت زیر، کدام واژه متضاد واژه «شاد» است؟ « چو بشنید خسرو، از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت»	۳
۰/۵	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) می دانید که من بیش از همه (مُسر - مُسر) بودم در شنیدن حرفهای شما. ب) غرق غباریم و (قربت - غربت) با من بیا سمت باران	۴
۰/۲۵	در همه گزینه ها به <u>جز</u> گزینه نادرستی املايي دیده می شود. ۱) آخرین رمغ هایشان را در آخرین فشنگ هایشان می ریختند. ۲) آن شب نیز / صورت سرمای دی ، بیداد ها می کرد. ۳) طاووس نیز چنین عذر آورد که من مرغی بهشتی ام. ۴) اما سیاوش که آذر م و حیا و پاکدامنی آموخته است، تن به گناه نمی سپارد.	۵
۰/۷۵	در گروه کلمه های زیر، سه مورد نادرستی املايي وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید. حریوه خوب و پاک آیین - فخر و مباهات - طالو پیرشکوه - تمایل و خاسته - شرحه شرحه و پاره پاره - تماشا و نظاره	۶
۰/۲۵	فعل «ساخت»، در مصراع «نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت»، با همین واژه در کدام گزینه کاربرد معنایی یکسانی دارد؟ ۱) او در مراغه رصدخانه ای بزرگ ساخت. ۲) آن نامدار لشگری عظیم ساخت. ۳) استاد موسیقی، آهنگ زیبایی ساخت. ۴) او با ناملايمات زندگی ساخت.	۷
۰/۵	در نمونه های زیر، نوع وابسته و وابسته مشخص شده را بنویسید. الف) برنامه <u>کدام</u> سفر؟ ب) دوست <u>بسیار</u> مهربان	۸
۰/۷۵	با توجه به ابیات زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. « سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار پر اندیشه شد جان کاووس کی ز فرزند و سودابه نیک پی» الف) کدام واژه در نقش منادا به کار رفته است؟ ب) کارکرد «را» در بیت اول چیست؟ ج) یک ترکیب اضافی در بیت دوم بیابید و بنویسید.	۹
ادامه سؤالات در صفحه دوم		

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳	رشته: کلیه رشته ها	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵	تعداد صفحه: ۴
پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه	نام و نام خانوادگی:	ساعت شروع: ۸ صبح	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت شهریور ماه سال ۱۳۹۹		مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	
ردیف	سؤالات (پاسخ نامه دارد)		
نمره			

۱۰	با توجه به نوشته زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. «برف کوه هنوز آب نشده است. گل و گیاه، پشم گوسفندان را رنگین کرده است. نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی.» الف) ساختار دستوری کدام جمله مطابق با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟ ب) نوع «واو»، بین واژه های «شعر و چنگ» ربط است یا عطف؟ ج) زمان فعل «نشده است». ماضی نقلی است یا التزامی؟ (د) در این عبارت، حذف فعل به قرینه لفظی است یا معنوی؟
----	---

قلمرو ادبی (۴ نمره)

۱۱	در بیت های زیر، جاهای خالی را با مصراع یا واژه های مناسب کامل کنید. الف) ای مهربان تر از برگ در بوسه های باران ب) حُسن شهادت از همه حسنی فراتر است ج) اگر مستم اگر هوشیار به سوی تو بود روی سجودم
----	---

۱۲	آرایه ذکر شده در مقابل همه آیات، به جز گزینه درست است. ۱) گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می روی ۲) شانه می آید به کار زلف در آشفستگی ۳) چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی ۴) عاشق آن باشد که چون آتش بود گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست (حسن تعلیل) آشنایان را در ایام پریشانی بیس (اسلوب معادله) بباید زدن سنگ را بر سبوی (کنایه) گرم رو سوزنده و سرکش بود (تشبیه)
----	---

۱۳	در هریک از سروده های ستون اول، کدام یک از آرایه های ستون دوم دیده می شود؟ (یک بیت در ستون اول اضافی است)												
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>ستون اول</th> <th>ستون دوم</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۱ محرم این هوش جز بیهوش نیست / مرزبان را مشتری جز گوش نیست</td> <td>ایهام</td> </tr> <tr> <td>۲ بر لب آن چاه / سایه ای را دید / او شغاد آن نابردار بود / که درون چه نگه می کرد /</td> <td>اسلوب معادله</td> </tr> <tr> <td>۳ رخ شاه کاووس پر شرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید</td> <td>حسن تعلیل</td> </tr> <tr> <td>۴ جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است</td> <td>حس آمیزی</td> </tr> <tr> <td>۵ تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلبند</td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	ستون اول	ستون دوم	۱ محرم این هوش جز بیهوش نیست / مرزبان را مشتری جز گوش نیست	ایهام	۲ بر لب آن چاه / سایه ای را دید / او شغاد آن نابردار بود / که درون چه نگه می کرد /	اسلوب معادله	۳ رخ شاه کاووس پر شرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید	حسن تعلیل	۴ جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است	حس آمیزی	۵ تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلبند	
ستون اول	ستون دوم												
۱ محرم این هوش جز بیهوش نیست / مرزبان را مشتری جز گوش نیست	ایهام												
۲ بر لب آن چاه / سایه ای را دید / او شغاد آن نابردار بود / که درون چه نگه می کرد /	اسلوب معادله												
۳ رخ شاه کاووس پر شرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید	حسن تعلیل												
۴ جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است	حس آمیزی												
۵ تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلبند													

۱۴	در بیت زیر، «شب» نماد چه مفهومی است؟ «آن جا در آن برزخ سرد در کوچه های غم و درد غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو»
----	--

۱۵	در عبارت «بدان که از جمله نام های حسن یکی جمال است و یکی کمال». کدام واژه ها «سجع» دارند؟
----	---

۱۶	نام پدید آورنده هریک از آثار زیر را بنویسید. الف) در حیات کوچک پاییز در زندان : ب) تذکره الأولیا :
----	--

قلمرو فکری (۵/۶ نمره)

۱۷	معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید. هر نفسی که فرو می رود ممت حیات است و چون برمی آید، مفرح ذات
----	---

ادامه سؤالات در صفحه سوم

تعداد صفحه: ۴	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵	رشته: کلیه رشته ها	سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	ساعت شروع: ۸ صبح	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت شهریور ماه سال ۱۳۹۹		
ردیف	سؤالات (پاسخ نامه دارد)		

۰/۵	۱۸	هر کسی از ظن خود شد یار من	از درون من نجست اسرار من
۱	۱۹	ور ایدون که زین کار هستم گناه	جهان آفرینم ندارد نگاه
۰/۵	۲۰	آدمی به هر جا می رود گمان می کند به غایت القصوای مقصود خود رسیده است.	
۰/۵	۲۱	وانیامد در جهان زین راه کس	نیست از فرسنگ آن آگاه کس
به پرسش های مربوط به درک مطلب پاسخ دهید.			
۰/۲۵	۲۲	شاعر در بیت «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: کار شرع کار درهم و دینار نیست» به کدام پدیده اجتماعی اشاره کرده است؟	
۰/۵	۲۳	متن های زیر چه مفهوم مشترکی دارند؟ ❖ «من نماز را وقتی می خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو» ❖ «صحرايي که حتی درختش، غارش، کوهش و سنگریزه اش آیات وحی را بر لب دارد.»	
۰/۲۵	۲۴	کدام یک از ابیات زیر، به سخن مشهور «کلُّ شیءٍ یَرِجِعُ اِلیْ اَصْلِهِ» اشاره دارد؟ الف) کز نیستان تا مرا ببریده اند در نفیرم مرد و زن نالیده اند ب) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش	
۰/۵	۲۵	هر یک از ابیات زیر، کدام وادی از هفت وادی «منطق الطیر» را به یاد می آورد؟ الف) مرد حیران چون رسد این جایگاه در تحیر مانده و گم کرده راه ب) هشت جنت نیز اینجا مرده ای هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای	
۰/۵	۲۶	با توجه به ابیات زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. «کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت با زخم نشان سرفرازی نگرفت زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت» الف) مخاطب شاعر در این دو بیت کیست؟ ب) مقصود از به بازی گرفتن حیثیت مرگ چیست؟	
۱	۲۷	هر یک از بیت های ستون اول با کدام مفهوم درستون دوم متناسب است؟ (یک مفهوم اضافی است)	
		ستون اول (بیت ها)	ستون دوم (مفاهیم)
	۱	از دست و زبان که برآید / کز عهد شکرش به در آید	ناپایداری قدرت
	۲	من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم / حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو	دشواری راه عشق
	۳	خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد / زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است	بیگانه ستیزی
	۴	کاووس کیانی که کی اش نام نهادند / کی بود و کجا بود و کی اش نام نهادند	از جان گذشتگی عاشق
			ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند

بخش انتخابی (۸ نمره)

❖ دانش آموز عزیز، جهت کسب (۴ نمره) از سوال ۲۸ تا ۴۳، فقط ۸ سوال را به دلخواه انتخاب کرده و پاسخ دهید.

الف) قلمرو زبانی (۳ نمره)

۰/۵	۲۸	در بیت زیر، فعل های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید. «گفت: نزدیک است والی را سرای آن جا شویم / گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟»
ادامه سؤالات در صفحه چهارم		

تعداد صفحه: ۴	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵	رشته: کلیه رشته ها	سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	ساعت شروع: ۸ صبح	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت شهریور ماه سال ۱۳۹۹		
ردیف	سؤالات (پاسخ نامه دارد)		

۰/۵	نمودار پیکانی گروه اسمی «دو تخته فرش» را رسم نمایید.	۲۹
۰/۵	در جمله «سیمرغ در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، آشیان دارد»، کدام گروه اسمی نقش تبعی دارد؟ نام آن را بنویسید.	۳۰
۰/۵	با توجه به نوشته زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. «یکی از حظّار که کباده شعر و ادب می کشید چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.» الف) واژه «پیشانی»، معادل معنایی کدام واژه است؟ ب) در کدام واژه نادرستی املائی دیده می شود؟	۳۱
۰/۵	مفهوم «ان» را در هریک از ترکیب های زیر بنویسید. الف) کوهان شتر ب) درفش کاویان	۳۲
۰/۵	در سروده زیر یک «پیوند وابسته ساز» و یک «پیوند هم پایه ساز» مشخص کنید. آیا چیزی در مخیله آدمی می گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟	۳۳
قلمرو ادبی (۲ نمره)		
۰/۵	زمینه حماسی متناسب با هر بیت را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید. الف) چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی گناهان نیاید گزند (ملّی / قهرمانی) ب) همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش (خرق عادت / داستانی)	۳۴
۰/۵	در سروده زیر، دو نمونه آرایه «تشخیص» بیابید و بنویسید. «این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می بیند / ... و نخستین احساس عشق را در جایی می جوید که خود در آن جا به دنیا آمده است / همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش دهد.»	۳۵
۰/۵	نام پدیدآورنده هریک از آثار زیر را بنویسید. الف) فیه ما فیه : ب) قصه شیرین فرهاد:	۳۶
۰/۵	نام پدیدآورنده دو مورد از آثار زیر درست است؛ آن دو را مشخص کنید. الف) قصه های دوشنبه (آلفونس دوده) ب) هوا را از من بگیر خنده ات را نه (شکسپیر) ج) داستان کباب غاز (رضا امیرخانی) د) قطعه مسافر (گوته)	۳۷
قلمرو فکری (۳ نمره)		
معنی هریک از متن های زیر را به نثر روان بنویسید.		
۰/۵	آری اکنون تهمت من ... / در بن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان گم بود	۳۸
۰/۵	این بدبخت ها سال آزرگار ، یک بار برایشان چنین پای می افتند.	۳۹
۰/۵	در عالم پیر، هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است	۴۰
۰/۵	(عشق جاودانی) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود قرار می دهد.	۴۱
۰/۵	مفهوم کنایه های زیر را بنویسید. الف) دیدم توطئه ما دارد می ماسد. ب) از این بهانه تراشی هایش داشتم شاخ در می آوردم.	۴۲
۰/۵	مفهوم مرتبط با هر گزینه را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید. الف) هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم و آن چه را قدیمی است، قدیمی ندانم (پرهیز از کهنه گرایی / نامکرر بودن قصه عشق) ب) گله ما را گله از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان می کند (از ماست که بر ماست / عدالت خواهی)	۴۳
۲۴	موفق باشید	جمع نمره

تعداد صفحه: ۲	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۹۹/۰۶/۵	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۳۹۹		
نمره	ردیف		

بخش الزامی

همکاران گرامی، خدا قوت! لطفاً به موارد درست مشابه، نمره اختصاص دهید.

قلمرو زبانی (۵/۵ نمره)

۱	(ب) خشمگین و قهرآلود، ص ۳۵، ۰/۲۵ (د) گردشگاه، تماشاگاه، ص ۷۳، ۰/۲۵	(الف) بلند، بالیده، ص ۱۲، ۰/۲۵ (ج) خوراک، رمق، نیرو، ص ۵۳، ۰/۲۵	۱
۰/۲۵		گزینه ب، ص ۶۵، ۰/۲۵	۲
۰/۲۵		واژه اندیشه، ص ۱۰۵، ۰/۲۵	۳
۰/۵	(ب) غربت، ص ۸۴، ۰/۲۵	(الف) مصر، ص ۸۸، ۰/۲۵	۴
۰/۲۵		گزینه ۳، ص ۱۲۱، ۰/۲۵	۵
۰/۷۵	خواستہ: خواسته، ص ۹۲، ۰/۲۵	طلألؤ: تلالؤ، ص ۷۳، ۰/۲۵؛	۶
۰/۲۵		گزینه ۲، ص ۱۰۵، ۰/۲۵	۷
۰/۵	(ب) قیدِ صفت، ص ۷۴، ۰/۲۵	(الف) صفتِ مضاف الیه، ص ۶۷، ۰/۲۵	۸
۰/۷۵	(ج) ترکیب اضافی: جان کاووس کی ۰/۲۵، ص ۱۰۱	(ب) حرف اضافه: ۰/۲۵	۹
۱	(ب) واو عطف ۰/۲۵ (د) قرینه لفظی ۰/۲۵، ص ۸۱	(الف) گل و گیاه پشم گوسفندان را رنگین کرده است ۰/۲۵، (ج) ماضی نقلی ۰/۲۵	۱۰

قلمرو ادبی (۴ نمره)

۱/۵	(ب) ای محسن شهید من ای حسن بی گناه، ص ۹۷، ۰/۵ (ج) اگر خوابم اگر بیدار ۰/۲۵: میهن ای میهن! ۰/۲۵، ص ۱۱۷	(الف) بیداری ستاره در چشم جویباران، ص ۵۷، ۰/۵ (ج) اگر خوابم اگر بیدار ۰/۲۵: میهن ای میهن! ۰/۲۵، ص ۱۱۷	۱۱
۰/۲۵		گزینه ۱، ص ۱۹، ۰/۲۵	۱۲
۱	(۱) اسلوب معادله، ص ۴۷، ۰/۲۵، (۲) ایهام، ص ۱۱۳، ۰/۲۵، (۳) حس آمیزی، ص ۱۰۳، ۰/۲۵، (۵) حسن تعلیل ص ۳۴، ۰/۲۵		۱۳
۰/۲۵		ظلم و ستم، ص ۸۴، ۰/۲۵	۱۴
۰/۵		جمال و کمال ص ۵۲	۱۵
۰/۵	(ب) عطار، ص ۶۹، ۰/۲۵	(الف) اخوان ثالث، ص ۱۱۴، ۰/۲۵	۱۶

قلمرو فکری (۵/۶ نمره)

۱	هر نفسی که پایین می رود (دم) ۰/۲۵ یاری کننده زندگی است. ۰/۲۵، و هنگامی که بالا می آید (بازدم) ۰/۲۵ شادی بخش وجود است. ۰/۲۵، ص ۱۲	۱۷
۰/۵	هر کس بنا بر گمان و پندار خود یار من شد ۰/۲۵ و اسرار من را از درونم جست و جو نکرد ۰/۲۵، ص ۴۶	۱۸
۱	اگر اینچنین است که در این اتفاق من گناه کار هستم ۰/۵ خداوند جهان آفرین، من را (از آتش) حفظ نمی کند ۰/۵، ص ۱۰۳	۱۹
ادامه پاسخ ها در صفحه دوم		

تعداد صفحه: ۲	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۹۹/۰۶/۵	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۳۹۹		

ردیف	نمره	سوال
۲۰	۰/۵	انسان به هر جایگاهی که می رسد گمان می کند به کمال مطلوب خود رسیده است. ۰/۵، ص ۶۱
۲۱	۰/۵	در جهان کسی از این راه باز نگشته است ۰/۲۵ و کسی از مسافت آن آگاهی ندارد. ۰/۲۵، ص ۱۲۲
۲۲	۰/۲۵	رشوه خواری، ص ۲۱، ۰/۲۵
۲۳	۰/۵	همه اجزای هستی در حال عبادت خدا هستند. ص ۷۶، ۰/۵
۲۴	۰/۲۵	گزینه ب، ص ۴۹، ۰/۲۵
۲۵	۰/۵	الف) وادی حیرت ۰/۲۵ (ب) وادی استغنا ۰/۲۵، ص ۱۲
۲۶	۰/۵	الف) جانبازان یا شهدای جنگ ۰/۲۵، (ب) بی اعتبار کردن مرگ ۰/۲۵، ص ۹۵
۲۷	۱	۱) ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند ۰/۲۵ (ص ۱۲، ۲) از جان گذشتگی عاشق ۰/۲۵ (ص ۵۶، ۳) بیگانه ستیزی ۰/۲۵، ص ۲۶، ۴) ناپایداری قدرت ۰/۲۵، ص ۶۲

بخش انتخابی (۸ نمره)

مصححین گرامی، اگر دانش آموز به بیش از ۸ سوال پاسخ داده باشد فقط ۸ سوال اول را تصحیح نمایید.

۲۸	۰/۵	شویم: برویم، ص ۱۹، ۰/۲۵، نیست: وجود ندارد ص ۱۹، ۰/۲۵
۲۹	۰/۵	دو تخته فرش (هر پیکان درست ۰/۲۵)
۳۰	۰/۵	بلندترین کوه روی زمین، ۰/۲۵، بدل ۰/۲۵، ص ۱۲۰
۳۱	۰/۵	الف) جبهه، ۰/۲۵ (ب) حضار، ۰/۲۵، ص ۱۳۷
۳۲	۰/۵	الف) شباهت، (مانند کوه) ۰/۲۵ (ب) نسبت (منسوب به کاوه)، ۰/۲۵، ص ۱۵۲
۳۳	۰/۵	وابسته ساز: که، ۰/۲۵؛ هم پایه ساز: اما، ص ۱۴۱
۳۴	۰/۵	الف) ملّی، ۰/۲۵، ص ۱۰۰ (ب) داستانی، ۰/۲۵، ص ۱۰۹
۳۵	۰/۵	عشق (می بیند، می جوید) ۰/۲۵، دست زمان، ۰/۲۵، ص ۱۵۵
۳۶	۰/۵	الف) (فیه مافیه: مولوی)، ۰/۲۵، ص ۵۱ (ب) قصّه شیرین فرهاد: احمد عربلو، ۰/۲۵، ص ۴۳
۳۷	۰/۵	الف) قصّه های دوشنبه: آلفونس دوده، ۰/۵، ص ۱۶۲ (مصحح محترم فقط به گزینه الف که جواب صحیح است ۰/۵ تعلق گیرد)
۳۸	۰/۵	اکنون رستم، در (ته) این چاهی که به جای آب، زهر شمشیر و نیزه داشت، گرفتار شده بود، ص ۱۱۲، ۰/۵
۳۹	۰/۵	این بیچاره ها در سال طولانی ۰/۲۵ فقط یک بار چنین فرصتی برایشان پیش می آید ۰/۲۵، ص ۱۳۲
۴۰	۰/۵	در این دنیای سالخورده، هر کجا جوانی هست ۰/۲۵، الهی عاشق باشد زیرا عشق دیوانگی خوشایندی است، ص ۵۳
۴۱	۰/۵	عشق جاودانی یا همیشگی، همواره عشق یا معشوق قدیمی خود را ۰/۲۵ موضوع کتاب یا دیوان شعر خود قرار می دهد. ۰/۲۵، ص ۱۵۵
۴۲	۰/۵	الف) نقشه ما دارد عملی می شود ۰/۲۵، ۱۳۸، (ب) خیلی متعجب شدم، ۰/۲۵، ص ۱۴۰
۴۳	۰/۵	الف) نامکرر بودن قصه عشق ۰/۲۵، ص ۱۵۶ (ب) از ماست که بر ماست، ۰/۲۵، ص ۱۴۲
۲۴		خدا قوت

تعداد صفحه: ۳	ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته ها	سوالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir		دانش آموزان روزانه، بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت دی سال ۱۳۹۹	
نمره	سوالات (پاسخ نامه دارد)		ردیف

قلمرو زبانی (۷ نمره)

۱	معنی هریک از واژه های مشخص شده را بنویسید. الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف ب) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. ج) با صدایی مرتعش، لحنی رجز مانند و دردآلود / خواند د) چنین روز مبارکی صلۀ ارحام نکنی کی خواهی کرد؟	۱
۰/۵	برای واژه های « کتاب » و « تماشا » از میان واژه های زیر معادل معنایی بیابید. فروغ، رواق، نظاره، پگاه، صحیفه، سروش	۲
۰/۵	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) دیروز در (قربت - غربت) باغ، من بودم و یک چمن داغ (ب) تن زجان و جان زتن (مستور - مسطور) نیست	۳
۱	در گروه کلمه های زیر، چهار مورد نادرستی املايي وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید. سپید معجر - شبه و سایه - تیلسان مدیترانه - رمق و توان - صورت سرمای دی - آزر و حیا - شیر ارقند - مزید و افزونی	۴
۰/۵	نقش دستوری هر یک از واژه های مشخص شده را بنویسید. «هر کسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من»	۵
۰/۲۵	الگوی ساخت کدام جمله « نهاد + مفعول + مسند + فعل » است؟ ۱) زیبایی محبوب تو چند روی بیش نیست. ۲) عشق جاودانی، همواره معشوق را جوان می بیند. ۳) در این سفر، ستارگان را با درخشندگی جاودان خود می بینم. ۴) عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد.	۶
۰/۵	در هریک از گروه های اسمی زیر، نوع وابسته و وابسته را تعیین نمایید. الف) هفت فرسخ راه (ب) دامنه کوه های شمالی	۷
۰/۵	کاربرد معنایی فعل «نیست» در کدام مصراع، اسنادی و در کدام مصراع، غیر اسنادی است؟ «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست»	۸
۰/۷۵	با توجه به بیت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. « چنان آمد اسپ و قباي سوار که گفتي سمن داشت اندر کنار » الف) یک حرف ربط وابسته ساز بیابید. ب) ترکیب «قباي سوار» وصفی است یا اضافی؟ ج) کدام نقش تبعی در این بیت به کار رفته است؟	۹
۰/۵	با توجه به سروده زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. «و در بهاران، عشق من! / خنده ات را می خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم» الف) مفهوم «ان» را در واژه «بهاران» بنویسید. ب) زمان فعل «می خواهم» مضارع اخباری است یا آینده؟	۱۰
۰/۵	در هریک از گروه های اسمی زیر، نوع وابسته های پیشین و پسین مشخص شده را بنویسید. الف) رخش رخشنده (ب) آخرین اندیشه ها	۱۱
۰/۵	در جمله ی مرکب زیر، جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. « خودت بهتر می دانی که در این شب عیدی مالیه از چه قرار است.»	۱۲
ادامه سوالات در صفحه دوم		

تعداد صفحه: ۳	ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته ها	سوالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir		دانش آموزان روزانه، بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت دی سال ۱۳۹۹	
نمره	سوالات (پاسخ نامه دارد)		ردیف

(ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)

۱/۵	مصرع دوم هریک از بیت‌های زیر را بنویسید. الف) آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل ب) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود ج) تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن	۱۳
۰/۵	آرایه متناسب با هریک از ابیات زیر را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید. الف) شانه می‌آید به کار زلف در آشفتگی ب) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی آشنایان را در ایام پریشانی پیرس باید زدن سنگ را بر سبوی (اسلوب معادله - جناس) (تشخیص - کنایه)	۱۴
۰/۵	حس آمیزی به کار رفته در عبارت زیر را توضیح دهید. «مثل کلاس گرم و پرشور حرف می‌زدید و مثل کلاس طنز و شوخی از کلامتان نمی‌افتاد.»	۱۵
۰/۵	آرایه استعاره را در بیت زیر مشخص کنید و مفهوم آن را بنویسید. «برکن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکنند»	۱۶
۰/۵	کدام یک از ترکیب‌های مشخص شده، مجاز است؟ مفهوم آن را بنویسید. «نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلك مرغ گرفتار قفس همچو من است»	۱۷
۰/۵	مشبه و مشبه به را در سروده زیر معلوم کنید. «همگنان خاموش / گرد بر گردش، به کردار صدف بر گرد مروارید»	۱۸
۱	نام پدیدآورنده هریک از آثار زیر را بنویسید. الف) منطق الطیر : (ب) داستان کباب غاز : (ج) فی حقیقه العشق : (د) قصه شیرین فرهاد:	۱۹

(ج) قلمرو فکری (۸ نمره)

معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

۰/۵	تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن‌ها پس افکند	۲۰
۰/۷۵	از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید	۲۱
۰/۵	بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من شمشیری است آخته	۲۲
۰/۷۵	ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. در خرد و بینش، او را همتایی نیست.	۲۳
۰/۵	یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.	۲۴
۰/۵	سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار	۲۵
۰/۵	حالا دیگر مصطفی در خوش‌زبانی، نوک جمع را چیده است.	۲۶

ادامه سوالات در صفحه سوم

تعداد صفحه: ۳	ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته‌ها	سوالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷	نام و نام خانوادگی:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir		دانش آموزان روزانه، بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت دی سال ۱۳۹۹	
نمره	سوالات (پاسخ نامه دارد)		ردیف

به پرسش‌های مربوط به درک مطلب پاسخ دهید.

۰/۵	۲۷	با توجه به نوشته زیر، دو مورد از صفات خداوند را بنویسید. پرده ناموش بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.
۰/۵	۲۸	هریک از ابیات زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟ الف) جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن ب) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است کی بود؟ و کجا بود؟ و کی اش نام نهادند؟
۰/۵	۲۹	مفهوم مشترک دو بیت زیر را بنویسید. «شو منفجر ای دل زمانه دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟» وان آتش خود نهفته میسند برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟»
۰/۵	۳۰	در بیت زیر، مقصود شاعر از «مادر سر سپید» و «سیاه بخت فرزند» چیست؟ «ای مادر سرسپید، بشنو این پند سیاه بخت فرزند»
۰/۵	۳۱	با توجه به بیت «چو بخشایش پاک یزدان بود دم آتش و آب یکسان بود»، شاعر چه عاملی را سبب تأثیر یکسان آب و آتش می داند؟
۰/۵	۳۲	در جدول زیر، هر یک از متن‌ها، با کدام یک از مفاهیم مقابل خود، تناسب معنایی دارد؟
	الف	«ستاره ضعیفی در شبستان تیره و تار درونم درخشیدن گرفت.»
	ب	«اگر خونین دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام»
		(۱) امیدوار شدن (۲) رها شدن از ضعف و ناتوانی (۱) سختی کشیدن و بردباری در راه کمال (۲) توصیه به شادی در هنگام سختی
۰/۵	۳۳	با توجه به سروده زیر، منظور شاعر از «شعر محض خوب و خالی» چیست؟ «قصه است این، قصه، آری قصه درد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست»
۰/۵	۳۴	سروده زیر، بیانگر کدام ویژگی‌های عشق است؟ «چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»
۲۰	جمع نمره	موفق باشید

تعداد صفحه: ۲	ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷		پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir	دانش آموزان روزانه، بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت دی ماه سال ۱۳۹۹		

ردیف	راهنمای تصحیح	نمره
------	---------------	------

همکاران گرامی، خدا قوت! لطفاً به موارد درست مشابه، نمره اختصاص دهید.

قلمرو زبانی (۷ نمره)

۱	الف) جمع عاکف، کسانی که در مدت معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند، ص ۱۳، ۰/۲۵ ب) نهایت، ص ۵۲، ۰/۲۵ ج) دارای ارتعاش، لرزنده، ص ۱۱۰، ۰/۲۵ د) به دیدار خویشاوندان رفتن و احوال پرسى از خویشان، ص ۱۳۳، ۰/۲۵	۱
۰/۵	کتاب: صحیفه، ص ۱۵۵، ۰/۲۵ : تماشا: نظاره، ص ۷۳، ۰/۲۵	۲
۰/۵	الف) غربت، ص ۸۴، ۰/۲۵ : ب) مستور، ص ۴۷، ۰/۲۵	۳
۱	شبح و سایه، ص ۹۰، ۰/۲۵ - طیلسان، ص ۶۱، ۰/۲۵ - سورت سرما، ص ۱۰۹، ۰/۲۵ - ارغند ص ۳۵، ۰/۲۵	۴
۰/۵	یار: مسند، ۰/۲۵ اسرار: مفعول، ۰/۲۵ ص ۶۱	۵
۰/۲۵	گزینه ۲ ص ۵۴، ۰/۲۵	۶
۰/۵	الف) ممیز، ص ۲۵، ۰/۲۵ ب) صفت مضاف الیه، ص ۶۵، ۰/۲۵	۷
۰/۵	مصراع اول: اسنادی ۰/۲۵ مصراع دوم: غیر اسنادی در معنی وجود ندارد. ۰/۲۵، ص ۲۰	۸
۰/۷۵	الف) که ۰/۲۵ ب) اضافی ۰/۲۵ ج) معطوف ۰/۲۵ ص ۱۰۴	۹
۰/۵	الف) زمان بهار ۰/۲۵ ب) مضارع اخباری ۰/۲۵ ص ۱۵۱	۱۰
۰/۵	الف) رخشنده: صفت بیانی، ۰/۲۵ ب) آخرین: صفت شمارشی، ۰/۲۵ ص ۱۱۳	۱۱
۰/۵	جمله هسته: خودت بهتر می دانی ۰/۲۵ جمله وابسته: در این شب عیدی مالیه از چه قرار است. ۰/۲۵ ص ۱۳۲	۱۲

قلمرو ادبی (۵ نمره)

۱/۵	الف) لبخند گاه گاهت صبح ستاره باران ص ۵۷، ۰/۵ ب) خورشید رفته است سر شب سراغ ماه، ص ۹۶، ۰/۵ ج) بود لبریز از عشقت وجودم: میهن ای میهن! ص ۱۱۷، ۰/۵	۱۳
۰/۵	الف) اسلوب معادله، ص ۴۹، ۰/۲۵ : ب) کنایه، ص ۱۰۰، ۰/۲۵	۱۴
۰/۵	نویسنده دو حس شنوایی و لامسه را در جمله «گرم حرف می زدید» آمیخته است. ص ۸۹، ۰/۲۵	۱۵
۰/۵	بنا: ۰/۲۵ در مصراع اول، استعاره از ظلم است. ۰/۲۵، ص ۳۵	۱۶
۰/۵	مرغ اسیر در مصراع اول مجاز است ۰/۲۵ مجاز از شاعر ۰/۲۵ ص ۲۸	۱۷
۰/۵	همگنان: مشبه ۰/۲۵ صدف: مشبه به ۰/۲۵ ص ۱۱۶	۱۸
۱	الف) عطار، ص ۱۲۵، ۰/۲۵ ب) محمدعلی جمالزاده ص ۱۴۰، ۰/۲۵ ج) شهاب الدین سهروردی، ص ۵۲، ۰/۲۵ د) احمد عربلو ص ۴۳، ۰/۲۵	۱۹

قلمرو فکری (۸ نمره)

۰/۵	ای دماوند تو مشت بزرگ روزگار هستی که هنوز پس از قرن ها به عنوان میراثی باقی مانده ای. ص ۳۴	۲۰
-----	--	----

ادامه راهنما در صفحه دوم

تعداد صفحه: ۲	ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح درس: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷		پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه
مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی http://aee.medu.ir		دانش آموزان روزانه، بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت دی ماه سال ۱۳۹۹	
نمره	راهنمای تصحیح		ردیف
۰/۷۵	هیچ کس نمی تواند با رفتار و سخنانش از عهده شکرگزاری خداوند برآید. ص ۱۲		۲۱
۰/۵	بخند زیرا خنده و شادمانی تو، مانند شمشیری بر کشیده در دستان من است. (شادی تو سلاحی برای مبارزات من است) ص ۱۵۰		۲۲
۰/۷۵	ما پرندگان هم رهبر و پادشاهی داریم که در خرد و بینش، همانندی ندارد. ص ۱۲۰		۲۳
۰/۵	روزگاری همه مردم دنیا به ایتالیا توجه داشتند و از آن بیم داشتند. ص ۶۲		۲۴
۰/۵	سیاوش گفت ای پادشاه! تحمل دوزخ در برابر این تهمت برای من آسان تر است. ص ۱۰۱		۲۵
۰/۵	اکنون مصطفی در خوش صحبتی، بر جمع مسلط شده است. ص ۱۳۷		۲۶
۰/۵	ستار العیوب بودن (۰/۲۵) روزی رسانی یا رزاق بودن خداوند ۰/۲۵، ص ۱۲		۲۷
۰/۵	الف) وطن پرستی یا جان فشانی در راه وطن ۰/۲۵ ص ۲۹ (ب) ناپایداری قدرت، ص ۶۲، ۰/۲۵		۲۸
۰/۵	دعوت به اعتراض و ترک خاموشی و سکوت ص ۳۷		۲۹
۰/۵	مادر سر سپید: دماوند ۰/۲۵ سیاه بخت فرزند: خود شاعر ۰/۲۵		۳۰
۰/۵	لطف و بخشایش الهی ص ۱۰۴		۳۱
۰/۵	الف) ۱، ۰/۲۵، ص ۱۳۶ (ب) ۲، ۰/۲۵، ص ۱۵۳		۳۲
۰/۵	شعری که فقط به زیبایی ظاهری توجه می کند ۰/۲۵ و به محتوا بی توجه است (متعهد نیست) ۰/۲۵ ص ۱۱۰		۳۳
۰/۵	توصیف ناپذیری عشق ۰/۲۵ و ویژگی های معشوق ۰/۲۵		۳۴
۲۰	موفق باشید		جمع نمره